



ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه علیه کار کودک

انجمن حمایت از کودکان کار - خردادماه ۱۳۹۹

به نام آن که جان را فکرت آموخت

تلاش برای محو کار کودک / ۴

بیماری و همه گیری کوید-۱۹ و کار کودک / ۵

باید قلم در دست کودکان باشد، نه ابزار کار / ۹

مری جونز؛ مادر مبارزه با کار کودکان / ۱۱

فلوارنس کلی، سرباز مبارزه با کار کودک / ۱۴

پیام یونسف برای روز مبارزه با کار کودک - سال ۱۵/۲۰۲۰

گزارش آخرین آمار کودکان کار در دنیا / ۱۶

گزارش آخرین آمار کودکان کار در ایران / ۱۷

مراکز حمایتی کودکان کار و خیابان در تهران / ۱۸

او، یک کودک کار دیروز است / ۱۹

در جست و جوی نان با دستانی کوچک / ۲۵

بم، نخلستان غمگین کودکان کار / ۲۷

غم نان، اگر بگذارد / ۲۸

اثر بخشی محیط های حمایتی و آموزشی بر کودکان کار / ۳۲

گزارش عملکرد سال ۱۳۹۸ انجمن حمایت از کودکان کار / ۳۵

آموزش، حق همه ی کودکان است / ۵۴

کودکی و مشکلات اجتماعی / ۵۶

کار کودک و پیامدهای روان شناختی نگران کننده ی آن / ۵۷

کار کودک در ایران / ۵۹

بیانیه ی کودکان انجمن حمایت از کودکان کار به مناسبت روز مبارزه علیه کار کودک ۶۱/۱۳۹۹

بیانیه ی انجمن حمایت از کودکان کار به مناسبت روز مبارزه علیه کار کودک ۶۲/۱۳۹۹

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم / ۶۴



ویژه نامه ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹

سردبیر: فرشته فرهنگد حبیبی
دبیر اجرایی: سمانه موسوی
مدیر هنری: حسین عناصری
صفحه آرا: پروانه میرمهدی
هیات تحریریه: فاطمه ابره دری، نرگس افشاری، زهرا زمانی، لیلا عبدالکریمی
معصومه نوری، مریم قربانی
عکس روی جلد: اصلان ارفع

از شما عزیزی که ویژه نامه را مطالعه می فرمایید، خواهشمندیم تا نظرات خود را به اطلاع واحد ارتباطات انجمن حمایت از کودکان کار به نشانی پست الکترونیک: pr@apcl.ir و یا شماره ی تلفن ۰۹۱۰۵۳۶۸۹۱۴ ارایه فرمایید.

تلاش برای محو کار کودک، تلاش برای لغو بردگی، در دنیای مدرن است

قاسم حسینی؛ عضو هیات امنا، مدیره و مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار

تلاش برای ساختن جهانی انسانی
و عاری از جنگ، خشونت و
تباهی، تنها در پرتو دگرپذیری
و دستیابی به درکی بالغ و
مفاهمه‌آمیز از مفهوم خوشبختی
برای همه‌ی اینا بشر به ویژه
کودکان است.

کار کودکان تصویری عریان و خشن، از استمرار نظام برده‌داری و ساختار سازمان یافته‌ی بهره‌کشی انسان از انسان در دنیای مدرن امروز است. با این تفاوت که آنچه این بار به یغما می‌رود چیزی جز حریم پرنیان گونه‌ی کودکان، نیست. کودکانی که نجات امروز بشریت و امید به ساختن فردایی بهتر برای همگان، بی‌تردید در گرو نشاط، سرزندگی، امید، امنیت و بالندگی آنان است. اما دریغ که هنوز وجدان‌های بیدار اندک‌اند و آنانی که می‌اندیشند، فارغ از آنچه بر دیگر کودکان می‌گذرد، می‌توانند جزیره‌ی خوشبختی را فقط برای فرزندان خویش بر پا دارند خود را در خوابی عمیق فرو برده که حتی بانگ بلند آسمان نیز یارای بیداری‌شان را ندارد. غافل از اینکه انسان خوشبخت در جامعه‌ی خوشبخت زندگی می‌کند و تا زمانی که بخش وسیعی از بشریت، در تنگدستی ناشی از نابرابری به سر برده و آملیدی به فردایی بهتر ندارد خشونت و ناامنی نیز آرامش همگان را نشانه گرفته و هیچ‌کس را از تیررس آن گریزی نیست.

بر همین اساس می‌توان اذعان داشت که تلاش برای ساختن جهانی انسانی و عاری از جنگ خشونت و تباهی، تنها در پرتو دگرپذیری و دستیابی به درکی بالغ و مفاهمه‌آمیز از مفهوم خوشبختی برای همه‌ی اینا بشر به ویژه کودکان است، درکی که هر کس خوشبختی خود را در گرو خوشبختی دیگری بداند و در این میان، میزان توجه به شرایط کودکان و تلاش برای ساختن دنیایی بهتر برای آنان، معیاری از اهتمام جمعی در استقرار اندیشه‌های پاک انسانی در گستره‌ای وسیع است.

چرا که کودکان، امروز و فردای جهانند و وضعیت آنان در هر جامعه‌ای، آینه‌ای تمام نما از بلوغ فکری و خردورزی ساکنان آن جامعه است. از این رو ضمن گرامیداشت روز جهانی مبارزه علیه کار کودک و تاکید بر پیگیری مطالبات بنیادین این روز، بر این باوریم که کار کودکان جلوه‌ای است از بردگی در دنیای مدرن و تلاش برای لغو تمامی اشکال آن را پیش نیاز هرگونه تلاش برای ساختن دنیایی بهتر برای همگان می‌دانیم.



روزنامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹



نگاهی اجمالی به فعالیتهای انجمن حمایت از کودکان کار در بحران کرونا

لطفاله محسنی؛ عضو هیات امنا و رییس هیات مدیره‌ی انجمن حمایت از کودکان کار

علل ریشه‌ای کار کودک شامل فقر، محدودیت دسترسی به کار شرافتمندانه برای کسانی که در سن قانونی کار قرار دارند، حاشیه‌ای شدن اجتماعی، تبعیض، نابرابری آموزشی جهانی، شیوع اقتصاد غیرقانونی و گفتمان اجتماعی ضعیف به احتمال زیاد با وجود بیماری کوید ۱۹ تشدید خواهد شد.

سازمان بین‌المللی کار بر این باور است که بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بر کودکان اثری شدیدتر دارند. به‌طور تقریب ۴۲ تا ۴۶ میلیون کودک در این سال و در نتیجه‌ی این بحران به فقر شدید دچار و به جمع ۳۸۶ میلیون کودکی که در سال ۲۰۱۹ درگیر فقر بوده‌اند اضافه خواهند شد.

اختلال جدی جهانی در فرآیند تحصیل ناشی از محدودیت‌ها و فقر دسترسی به روش‌های آموزش از راه دور در بسیاری از کشورها می‌تواند موجب افزایش تعداد کودکان کار شود. خانواده‌ها ممکن است برای حل مشکل از دست دادن کار و شوک‌های ناشی از مسایل بهداشتی مرتبط با بیماری کوید -۱۹ کودکان را به سمت کار سوق دهند به ویژه وقتی این کودکان در نظام آموزشی حضور نداشته باشند.

کودکانی که به گروه‌های اقلیت به حاشیه رانده شده تعلق دارند، کودکان ناتوان و دارای معلولیت، کودکان فاقد ماوا و مسکن و مرتبط به خیابان، کودکان خانواده‌های تک‌سرپرست مهاجران، پناهندگان، کودکان ساکن در مناطق درگیر مناقشات و مناطق تحت تاثیر زلزله نسبت به این شرایط بحرانی آسیب‌پذیرتر خواهند بود.

کودکان و به ویژه دختران علاوه بر خطر کار کودک تحت فشار خشونت خانگی و مسئولیت مراقبتی بیشتر نیز ممکن است قرار گیرند.

در این شرایط مخاطره‌آمیز پیش‌بینی نشده و در حالی که دولت‌ها برنامه‌ی از قبل طراحی شده برای چنین شرایطی ندارند و به ویژه وقتی نظام‌های رفاهی و سیستم حمایتی مناسب و چتر حمایتی گسترده وجود ندارد، نقش مسئولیت‌پذیری و اثرگذاری نهادهای مدنی و جلب همکاری و مشارکت عمومی در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و به ویژه کودکان پررنگ‌تر از قبل می‌شود.

انجمن حمایت از کودکان کار در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا مسئولیت خود را علاوه بر وظایف قبلی در حیطه‌های زیر تعریف کرد:

- آموزش و آماده‌سازی کارکنان و همکاران انجمن
- آموزش نکات بهداشتی و حفاظت شخصی برای کودکان و خانواده‌ها
- تامین و توزیع اقلام بهداشتی از جمله آنتی‌سپتیک‌ها، دستکش، ماسک، مواد شوینده و... بین کودکان و خانواده‌ها
- رصد و پایش وضعیت سلامت، معیشت و تحصیل گروه هدف
- تهیه و توزیع مواد غذایی و کمک‌هزینه‌های معیشتی برای خانواده‌های در معرض آسیب ناشی از بحران کرونا

- کمک به رفع مشکلات اقتصادی و به ویژه اجاره مسکن خانواده‌های بسیار آسیب‌پذیر
- تسهیل دسترسی کودکان به آموزش مجازی و برقراری ارتباط آنان با سیستم آموزش غیرحضوری پیش‌بینی شده

- کمک به جبران عقب‌ماندگی‌های تحصیلی دانش‌آموزان تحت حمایت
- شرح این فعالیت‌ها را می‌توان در گزارش فعالیت‌ها و اقدامات انجمن در بحران کرونا مشاهده کرد.

سازمان بین‌المللی کار بر این باور است که بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بر کودکان اثری شدیدتر دارند. به‌طور تقریب ۴۲ تا ۴۶ میلیون کودک در این سال و در نتیجه‌ی این بحران به فقر شدید دچار و به جمع ۳۸۶ میلیون کودکی که در سال ۲۰۱۹ درگیر فقر بوده‌اند، اضافه خواهند شد.

گزارش اقدامات انجام شده برای بحران شیوع کرونا در انجمن حمایت از کودکان کار

با اولین اخبار و اطلاعات در این مورد، موضوع برنامه‌ریزی به ویژه در مورد آموزش در دستور کار قرار گرفت، ولی به دلایل متعدد برگزاری دوره‌های آموزشی در بدو امر میسر نشد. با این حال طی نشست‌های درون سازمانی همکاران نسبت به مسئله حساس شدند و اطلاع‌رسانی را در حد تعاملات چهره به چهره به انجام رساندند. در حدی که همکاران با موارد کلیدی پیشگیری آشنا بودند، رعایت می‌کردند و کودکان را نیز مطلع می‌ساختند.



سوم اسفندماه ۱۳۹۸

در تاریخ ۳ اسفندماه با حضور همکاران مرکز و مددکاران انجمن جلسه‌ای در انجمن تشکیل و در مورد موضوع و وظایف و تکالیف انجمن و نیازهای گروه هدف بحث شد و در نهایت تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ شد:

- با توجه به اینکه کودکان تحت حمایت انجمن به دلایل فقر، بعد خانوار، شرایط نامطلوب بهداشتی، فقر اطلاعاتی و گذراندن ساعات زیادی در خیابان کودکان آسیب‌پذیرتری هستند لازم است برنامه و اقدام موثر داشته باشیم.
- آموزش، محور اصلی و کلیدی پیشگیری است. لذا آموزش به کودکان در سه محور رعایت بهداشت فردی، تغذیه و مواد غذایی و چگونگی حضور در تجمعات انجام شود.
- آموزش در سه سطح آموزش به پرسنل، کودکان و خانواده‌ها برنامه‌ریزی شد. آموزش بهداشت فردی و مراقبت از خود (پوشیدن دستکش، استفاده از دستمال کاغذی، ژل ضدعفونی کننده دست و سطوح) در مرحله‌ی نخست مورد تاکید قرار گرفت. آموزش به آشپزخان در هنگام طبخ و توزیع غذا، آموزش لازم به همکاران ستاد و صف برای انتقال غذا از آشپزخانه‌ی ستاد به مراکز دیگر، آموزش شست‌وشو و ضدعفونی کردن دست به کودکان در بدو ورود به انجمن و تکرار آن با نظارت معلمان، تعطیلی بازی‌های گروهی و دسته جمعی ضدعفونی کردن دستگیره‌های آب‌خوری، میز و نیمکت‌ها و سطوح در تماس با دست افزایش تعداد شست‌وشوی سرویس بهداشتی در روز ارایه شود.
- آموزش درست کارکنان برای اطمینان از انتقال اطلاعات درست ابتدا باید انجام شود. مواد آموزشی مناسب در اختیار قرار خواهد گرفت.
- پک آموزشی ساده و قابل فهم برای کودکان و ارسال درگروه پرسنل برای شروع اقدامات و آموزش به کودکان تهیه شود.
- مسئله‌ی مهم دیگر بحث تعطیلی است که باید تابع دستورالعمل‌های استانی و کشوری و یا مصوبات هیات مدیره خواهد بود.
- برای ارتقای سطح سلامت اقلام بهداشتی مانند ژل، آنتی‌سپتیک، صابون، دستمال کاغذی ضدعفونی کننده‌ی سطوح، سطل‌های دردار و کیسه‌ی زباله باید به مقدار کافی تهیه شود. به دنبال نشست و تصمیمات آن اقدامات برای تهیه‌ی مواد آموزشی، اقلام و کارهای مورد نیاز و زمان‌بندی آموزشی شروع شد.

ششم اسفندماه ۱۳۹۸

- در تاریخ ۶ اسفندماه با حضور مدیرعامل نشست دیگری با مدیران، معاونان، مددکاران و روان‌شناسان و مسئولان آموزش تشکیل و ضمن تایید تصمیمات قبلی در مورد برخی موارد دیگر از جمله نحوه‌ی حضور پرسنل نیز تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ شد.
- فایل‌های آموزشی از منابع معتبر جمع‌آوری و برای آموزش منتشر شود.
 - اقلام بهداشتی مورد نیاز برای هر مرکز تهیه شود.
 - در گروه بهداشت از متخصصان بهداشتی برای آموزش درخواست کمک شود.
- مسائل اصلی و مهم برای آموزش پیشگیری را برای همکاران ارایه و مرور شد تا یک روش یکسان برای آموزش گروه‌ها داشته باشیم.
- به دنبال این جلسه کلیه‌ی آموزش‌های معتبر و کارآمد، دستورالعمل‌های کشوری وزارت بهداشت، آموزش و پرورش، نام و آدرس مراکز درمانی پیش‌بینی شده جمع‌آوری و در اختیار همکاران قرار گرفت. فهرست اقلام مورد نیاز تهیه و در اختیار روابط عمومی قرار گرفت و در فضای مجازی انجمن اطلاع‌رسانی شد.
- اقداماتی مانند گندزدایی مراکز و ضدعفونی کردن تجهیزات و بخش‌ها انجام و اقلام بهداشتی اعلام شده در فراخوان انجمن جمع‌آوری شد.



هفدهم اسفند مدیران و مددکاران اجتماعی مجدد نشستی داشتند و برای توزیع اقلام بهداشتی و آموزش، توزیع لباس‌های سال نو، توزیع اقلام معیشتی و ... تصمیم‌گیری کردند. که اهم آن به شرح ذیل است:

- با توجه به نیاز اندازه کردن لباس کودکان و احتمال ازدحام و شلوغی و احتمال انتقال بیماری، توزیع پوشاک منتفی و به بعد از تعطیلات نوروز موکول شد.
 - با توجه به مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، اقلام معیشتی در صورت دریافت، قبل از تعطیلات نوروز توزیع می‌شود.
 - یک بهداشتی شامل: مایع ضدعفونی کننده‌ی سطوح یک عدد، ژل ضدعفونی دست دو عدد، فوم شستشوی دست یک عدد، شامپو یک عدد، مایع ظرفشویی یک عدد، دستکش لاتکس شش عدد، ماسک دو عدد، دستمال کاغذی یک بسته به تعداد ۱۴۰ بسته برای خانواده‌ها به مددجویان آماده و توزیع می‌شود. با وصول اقلام جدید و خرید مواد لازم سایر خانواده‌ها تحت پوشش قرار گیرند.
 - مبلغ ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان جمع‌آوری شده‌ی نقدی، صرف خرید ژل، دستکش و ماسک برای مرحله‌ی بعد شود.
 - آدرس مراکز درمانی مربوط به پذیرش بیماران کووید ۱۹ کپی و به تعداد بسته‌ها برای خانواده‌ها تهیه شود.
 - برای استفاده‌ی مراکز انجمن، دو عدد آنتی‌سپتیک سطوح، دو لیتر الکل، دو عدد وایتکس به هر مرکز تحویل شود.
 - روز دوشنبه ۱۹ اسفند اقلام بهداشتی توزیع می‌شود.
 - مرکز خاوران و مرکز بازار در محل مرکز توزیع صورت بگیرد اما مرکز همه‌ی کودکان در مرکز مولوی اقدام به توزیع کنند.
 - هماهنگی برای ضدعفونی کردن دوره‌ای مراکز با سمپاش موجود دستور اقدام بدهند.
 - به تعداد مددکاران و همکاران حاضر در مرکز افشانه‌های الکلی توزیع شود.
- مددکاران در گروه واتس‌آپی کودکان کار تشکیل شده توسط واحد آموزش عضو شوند و از آن فضا برای ارتباط با کودکان و خانواده‌ها استفاده کنند. در پایان جلسه نیز مددکاران اقلام موجود را به شرح یاد شده بسته‌بندی کردند.
- طی این بازه‌ی زمانی با مشارکت مردم و حامیان انجمن، اقلام بهداشتی تامین شد.

توزیع اقلام بهداشتی

ردیف	مراکز	توزیع اقلام بهداشتی					
		تاریخ توزیع	۱۳۹۸/۱۲/۱۹	۱۳۹۸/۱۲/۲۶	۱۳۹۹/۰۱/۲۴	۱۳۹۹/۰۱/۲۷	۱۳۹۹/۰۲/۳
۱	مرکز بازار		۱۰۰	۰	۴۰	۰	۱۴۰
۲	مرکز خاوران		۵۱	۳۰	۰	۶۳	۰
۳	مرکز مولوی		۵۰	۰	۷۴	۰	۱۲۴
۴	همه کودکان		۸۰	۷۰	۰	۰	۴۰
۵	مرکز بم		۰	۷۰	۰	۰	۷۰
	جمع کل		۲۸۱	۱۷۰	۱۱۴	۶۳	۴۰

توزیع اقلام خوراکی

ردیف	مراکز	توزیع اقلام خوراکی							
		تاریخ توزیع	۱۳۹۸/۱۲/۲۷	۱۳۹۸/۱۲/۲۸	۱۳۹۹/۰۱/۱۰	۱۳۹۹/۰۱/۲۴	۱۳۹۹/۰۱/۲۵	۱۳۹۹/۰۱/۳۱	۱۳۹۹/۰۲/۱۴
۱	مرکز بازار		۶۰	۵۰	۹	۳۰	۱۰	۰	۶۵
۲	مرکز خاوران		۶۳	۰	۲۳	۰	۶۳	۰	۰
۳	مرکز مولوی		۶۰	۳۰	۲۳	۴۴	۰	۳۰	۵۱
۴	همه کودکان		۴۵	۲۹	۰	۰	۴۰	۰	۶۹
۵	مرکز بم		۰	۰	۳۴	۰	۰	۹۴	۰
	جمع کل		۲۲۸	۱۰۹	۸۹	۷۴	۱۱۳	۱۲۴	۱۸۵

برگزاری کارگاه‌های آموزشی (فردی و گروهی)

ردیف	مراکز	عنوان برنامه	مخاطبین	تعداد شرکت کننده	تاریخ برگزاری
۱	مرکز بازار	برگزاری کارگاه آموزش پیشگیری از شیوع بیماری کرونا	والدین و کودکان	۱۳۰ (۱۹۴ تلفنی)	۱۳۹۸/۱۲/۰۵
					۱۳۹۹/۰۱/۱۹
					۱۳۹۹/۰۱/۲۵
					۱۳۹۹/۰۱/۳۱
۲	مرکز خاوران	برگزاری کارگاه آموزش پیشگیری از شیوع بیماری کرونا	والدین و کودکان	۱۷۸ (فردی-گروهی) (۱۶۵ تلفنی)	۱۳۹۸/۱۲/۳
					۱۳۹۸/۱۲/۴
					۱۳۹۹/۱/۲۳
۳	مرکز مولوی	برگزاری کارگاه آموزش پیشگیری از شیوع بیماری کرونا	والدین و کودکان	۵۳ (۲۴۹ تلفنی)	۱۳۹۸/۱۲/۱۹
۴	مرکز همه کودکان	برگزاری کارگاه آموزش پیشگیری از شیوع بیماری کرونا	والدین و کودکان	۷۰ (فردی-گروهی) (۱۹۰ تلفنی)	۱۳۹۸/۱۲/۱۹
					۱۳۹۸/۱۲/۲۶
۵	مرکز بم	برگزاری کارگاه آموزش پیشگیری از شیوع بیماری کرونا	والدین و کودکان	۷۰ (فردی-گروهی) (۱۵۰ تلفنی)	۱۳۹۸/۱۲/۲۵
	جمع			۵۰۱	

فهرست کمک‌های معیشتی پیش‌بینی شده برای پانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ مراکز به تفکیک

ردیف	خانوارها	مرکز مولوی	مرکز همه کودکان	مرکز خاوران	مرکز بازار	مرکز بم	جمع کل
۱	خانوارهای بسیار آسیب‌دیده	۵۱	۳۹	۴۹	۵۱	۴۲	۲۳۲
۲	خانوارهای آسیب‌دیده	۴۳	۹۷	۳۸	۲۵	۵۲	۲۵۵
۳	خانوارهای کمتر در معرض آسیب	۱۹	۰	۲۷	۱۳	۳۶	۹۵
۴	جمع کل	۱۱۳	۱۳۶	۱۱۴	۸۹	۱۳۰	۵۸۲
۵	تعداد بن	۲۲۶	۲۷۲	۲۲۸	۱۷۸	۲۶۰	۱۱۶۴



ویژگی‌های روز جهانی مبارزه با کار کودک
۱۳۹۹

فرا رسیدن ۱۲ ژوئن، روز جهانی مبارزه با کار کودکان یاد و خاطره‌ی اقبال مسیح بار دیگر زنده می‌شود. مبارزی کوچک در راه مخالفت با به کارگیری کودکان در کارهای دشوار که جان خود را در این راه از دست داد.

اقبال مسیح در روستایی کوچک در نزدیک لاهور پاکستان به دنیا آمد، پدرش خانواده را ترک گفته بود و مادر برای گذران زندگی خانواده در خانه‌های مردم کار می‌کرد. اما فشار زندگی بر خانواده‌ی اقبال وقتی افزایش یافت که برادر بزرگتر او تصمیم به ازدواج گرفت. خانواده‌ی اقبال چاره‌ای جز وام گرفتن از صاحب یک کارگاه فرش‌بافی محلی نداشتند، اما ضمانت باز پرداخت این وام ۱۲ دلاری، اقبال کوچک بود. به عنوان یک رسم جا افتاده بسیاری از خانواده‌های فقیر در پاکستان برای گرفتن وام به این صاحبان کارگاه مراجعه می‌کردند و کودک خود را تا زمان پرداخت بدهی خود به عنوان کارگری بدون مزد در اختیار آنان قرار می‌دادند. در پایان هر سال، هزینه‌ی خورد و خوراک در کنار دیگر هزینه‌ها و بهره‌ی وام به اصل بدهی خانواده اضافه می‌شد. به طوری که در انتهای سال اول بدهی خانواده‌ی اقبال به ۲۶۰ دلار رسید و این یعنی ادامه‌ی کار بدون مزد در کارگاه فرش‌بافی. در این شیوه که نوعی برده‌داری محسوب می‌شود، رموز فرش‌بافی نیز از بچه‌ها پنهان نگه داشته می‌شد و بچه‌ها در شرایطی بسیار ناگوار زندگی می‌کردند. هر کدام از آنها باید روزی ۱۴ ساعت در اتاقی کم نور با تهویه‌ای بسیار بد کار می‌کردند. شیوه‌ی نشستن آنها پشت دار قالی‌بافی باعث بد فرمی ستون فقرات آنها می‌شود. هیچ کدام از بچه‌ها اجازه‌ی صحبت کردن با یکدیگر را نداشتند. بازی و شیطنت‌های کودکانه برایشان بی‌معنی بود و در صورت در رفتن از زیر کار یا رعایت نکردن هر یک از قانون‌های کارگاه تنبیه‌های سخت بدنی مثل از پا آویزان کردن یا حبس کردن در اتاقک تاریک، در انتظارشان بود. این وضع عوارض روحی و جسمی جبران‌ناپذیری را به کودکان وارد می‌کرد. در مورد اقبال او در ۱۰ سالگی جثه‌ای برابر با یک بچه‌ی ۵ ساله داشت، قدش یک متر و بیست سانتی‌متر بود و تنها ۲۷ کیلو وزن داشت.

اما روزی که «جبهه‌ی مبارزه با کار بدون مزد پاکستان» در لاهور گردهمایی خود را برگزار می‌کرد و اقبال که این خبر را پیش از این شنیده بود از کارگاه فرار کرد تا بتواند در آن گردهمایی شرکت کند، و این آغاز فصلی جدید در زندگی اقبال شد. بهاری پر شور در زندگی فلاکت بار اقبال دمیده شد، هر چند خیلی زود به خزان نشست. اقبال دریافت که دولت پاکستان با این شیوه وام گرفتن و کار در حال مبارزه است و قانونی تصویب شده که بدهی خانواده‌هایی که اسیر این سیستم ظالمانه شده‌اند را بخشیده است. او خود را به «احسان‌اله خان» دبیر کل جبهه معرفی کرد و در همان روز با گرفتن نامه‌ای از او که در آن به لزوم آزادی کودکانی با وضعی شبیه اقبال تاکید شده بود توانست خود و بسیاری دیگر از کودکان کارگاه‌های فرش‌بافی را خیلی زود از ستم کارفرمایان آزاد کند.

بعد از این با کمک جبهه و شخص «احسان‌اله خان» به مدرسه‌ای وابسته به همین سازمان در لاهور رفت و چهار سال تحصیلی را در دو سال به پایان رساند. در این بین مبارزات خود را برای پایان دادن به کار اجباری کودکان در سراسر پاکستان آغاز کرد، کاری که به مذاق بسیاری از صاحبان صنایع کوچک و بزرگ که کودکان را بی‌مزد یا با مزد بسیار پایین مورد بهره‌کشی قرار می‌دادند خوش نمی‌آمد.

اقبال با اینکه کودکی خود را در کارگاه فرش‌بافی قربانی شده می‌یافت اما نیروی نوجوانی خود را برای مبارزه‌اش در خدمت گرفت. او با داشتن مشکلات جسمی چون نارسایی کلیوی، خمیدگی ستون فقرات و درد در کمر و پاها در سخنرانی‌های متعدد شرکت می‌کرد به گونه‌ای ناشناس و به عنوان کارگر در پی شغل به کارگاه‌ها می‌رفت تا هم از وضع کودکان کارگر آگاه شود هم به آنها حقوق قانونی‌شان را گوشزد کند. این مبارزه‌ی خستگی‌ناپذیر اما هر روز برایش خطر سازتر می‌شد. بسیاری که روشنگری‌های اقبال را در تضاد با منافع خود می‌دیدند، بارها او را تهدید به مرگ کردند. اما او همچنان به مبارزه ادامه داد و توانست صدها کودک را از وضع نابسامان کار اجباری برهاند. اقبال به خاطر تمام تلاش‌هایش موفق به دریافت جایزه‌ی حقوق بشر ریبوک (Reebok) شد.

اقبال تا ده سالگی در شرایط بردگی، در کارگاه‌های قالی‌بافی صاحبش به کار کشیده شد. در سال ۱۹۹۳ به کمک نیروهایی که علیه کار اجباری کودکان مبارزه می‌کردند به سوئد

نام اقبال مسیح، یادآور چیزی جز شرم برای انسان معاصر نیست. شرم همراه با حسی عمیق و انسانی برای تعهد به مبارزه با هر گونه بهره‌کشی انسان از انسان

و آمریکا سفر کرد و به مبارزه با بهره‌کشی از کودکان پرداخت. شنیدن داستان زندگی اقبال، موجی قوی را علیه استثمار کودکان برانگیخت. او در هر سخنرانی از زندگی اجباری و شرایط سخت کار و مشکلات و رنج کودکان اسیر صحبت کرد. حرفه‌ای اقبال مسیح از شعارهای ثابت گروه‌های مدافع کودکان کار در جهان شده است:

- باخون کودکان معامله نکنید.

- باید قلم در دست کودکان باشد، نه ابزار کار.

مبارزه‌ی اقبال، اثربخش بود. دولت وقت پاکستان برخی از این‌گونه کارگاه‌های بافندگی و قالی‌بافی را تعطیل کرد. اقبال به نزد خانواده‌اش برگشت و ضمن کار، به همکاری با سازمان‌های جهانی در مبارزه با استثمار کودکان کمک می‌کرد. او بارها توسط کسانی که منافع‌شان در ادامه‌ی بهره‌کشی از کودکان بود تهدید به مرگ شد. و با وجود این که جدی بودن تهدیدات را در عمر کوتاهش با گوشت و پوست لمس کرده بود به آنها توجه نکرد و سرانجام در روز ۱۶ آوریل ۱۹۹۵، در ۳۵ کیلومتری شهر لاهور موقعی که با دوچرخه به طرف زمین کشاورزی یکی از بستگانش می‌رفت، با اصابت ۱۲۰ ساچمه تفنگ ساچمه‌یی به قتل رسید.

علت قتل اقبال مسیح روشن بود. اما قاتل شناسایی و دستگیر نشد و سرانجام این برده‌ی شورشی عصر ما هم، مثل پایان کار اسپارتاکوس، مرگ شد، تا از نظر اربابان قدرت، عبرتی برای سایرین شود.

هرچند که ۵ سال بعد از مرگش در روز هفتم آوریل سال ۲۰۰۰ جایزه‌ی بین‌المللی کودکان را به او دادند، و در کشورهای مختلف، مدارس برای کودکان بی‌سرپرست به اسم او گشوده شد، اما نام اقبال مسیح، یادآور چیزی جز شرم برای انسان معاصر نیست. شرم همراه با حسی عمیق و انسانی برای تعهد به مبارزه با هرگونه بهره‌کشی انسان از انسان.



در مسیر تاریخ تکامل بشر، کار کودک، همواره بخشی جدانشدنی از شیوه‌ی زیستی و معیشتی انسان بوده، منتها این پدیده در دوره‌های مختلف، اشکال، پیامدها و شیوه‌های خاص خودش را داشته است. در دوره‌هایی که نوع معیشت انسان، معیشت کشاورزی، خانوادگی کوچک و یا طایفه‌ای بوده، کار کودک در بستر همان مناسبات اجتماعی شکل می‌گرفته که اگرچه، در واقع سختی‌ها و دشواری‌های خاص خودش را برای کودکان داشته ولی به دلیل اینکه این اتفاق درون ساختار قومی، گویشی، پوششی و عاطفی، روانی این طایفه و یا خانواده شکل می‌گرفته، نسبت به آن چه که امروز به عنوان کار کودک شاهد آن هستیم، صدمات عاطفی و روحی روانی کمتری را برای بچه‌ها در برداشته است. به فراخور توسعه‌ی اجتماعات و در واقع تغییر شیوه‌های تولید و مناسبات اجتماعی انسانی و اقتصادی، کار کودک رفته رفته از درون بافت خانواده بیرون آمده و به صنایع کارگاه‌ها و عرصه‌های دیگر تولید، تسری پیدا کرده که، در واقع این بیرون آمدن از درون بافت خانوادگی موجب شد رابطه‌ای که تا دیروز، رابطه‌ی قومی و خانوادگی بود، تبدیل به رابطه‌ی کارگری، کارفرمایی شد. درون ساختار خانوادگی، به‌طور حتم به پوشش‌های عاطفی و روانی بچه‌ها توسط دیگر اعضای خانواده رسیدگی می‌شد، ولی در رابطه کارگر و کارفرمایی چنین ضرورتی رفته، رفته رنگ باخت و به جای آن رابطه‌ی بهره‌کشانه و اندیشیدن به سود بیشتر، بر رابطه‌ی بین کودک و کارفرما حاکم شد.

با این تغییر شیوه‌ی تولید، اقدامات اجتماعی هم رفته رفته، متناسب با این تغییر شکل گرفت که اگر تا پیش از آن کسی علیه کار کودک، واکنشی نشان نمی‌داد، چرا که کودک بخشی از خانواده بود، اما رفته رفته گروه‌هایی پیدا شدن و افراد روشن ضمیر و وجدان‌های بیداری پیدا شدند که به بهره‌کشی از کودکان حساسیت نشان دادند و رفته رفته، اولین بارقه‌های شکل‌گیری جنبش جهانی مبارزه علیه کار کودک و توقف رنج کودکان، شکل گرفت. اینکه این شکل‌گیری از چه سالی آغاز شد، خیلی در عمق تاریخ، از آن اسناد زیادی نیست و آخرین اخباری که در دسترس است راجع به «فلورانس کلی» و «مری جونز» است.

فلورانس کلی و مری جونز، دو تن از اولین و اثرگذارترین شخصیت‌ها در مسیر مبارزه علیه کار کودک هستند که البته حجم اثرگذاری و دوره‌های طولانی مدت دوران اثرگذاری مری جونز را نمی‌توان با خانم کلی مقایسه کرد. مری جونز صدسال عمر کرد که، بیش از ۷۰ سال آن را در مسیر مبارزه برای بهبود شرایط کارگران و به ویژه کودکان کار سپری کرد. امروز برای تمام کسانی که در عرصه‌ی مبارزه علیه کار کودک، تلاش می‌کنند، ضرورت شناخت مسیر پشت سرگذاشته شده، شرایط متفاوت، رویکردهای متفاوت و شخصیت‌های اثرگذاری در این مسیر، ضرورتی اجتناب ناپذیر است، چرا که می‌گویند، گذشته چراغ راه است، به همین جهت در ادامه نگاهی داریم به زندگی، تلاش‌ها و مبارزات مری جونز به عنوان اثرگذارترین شخصیت تاریخی در مسیر مبارزه علیه کار کودک که امیدواریم مطالب مطرح شده و زندگی ایشان سرمشقی باشد برای تمامی جوانان امروز که رویای ساختن دنیایی بدون کار و رنج را برای کودکان، در سر می‌پروراند.

دادستان ویرجینیای غرب ایالات متحده‌ی آمریکا معتقد بود که «مادر جونز خطرناک‌ترین زن آمریکا» است. «ماری هاریس جونز» مورد نفرت سرمایه‌داران بود و محبوب همه‌ی کارگرانی که به‌طور تصادفی با او آشنا شده بودند و تعدادشان چقدر زیاد بود. او در سال ۱۸۳۰ در ایرلند زاده شد. پدر بزرگش محکوم به اعدام و به دار آویخته شده بود، زیرا علیه استعمار انگلیس شورش کرده بود. خودش در دوران کودکی سربازان ملکه‌ی انگلیس را دیده بود که سر شورشیان را بریده بر سر نیزه‌ها زده بودند. در سال ۱۸۳۵ پدرش که کارگر بود برای کار در پروژه‌ی کشیدن راه آهن به سفر رفت و کمی بعد، خانواده‌اش به او پیوستند و پس از چندی، همگی به تورونتو (کانادا) نقل مکان کردند. ماری هاریس مدت کوتاهی در یک صومعه به معلمی مشغول شد و سپس به کار خیاطی پرداخت. در سال ۱۸۶۱ با «جرج جونز» که کارگر ریخته‌گری و سازمانده سندیکا در ممفیس (دره‌ی تنسی) بود ازدواج کرد. زندگی شخصی او با حوادث فاجعه‌باری رقم خورده است. فرزندان و شوهرش همگی در بیماری واگیردار تب زرد که در سال ۱۸۶۷ ممفیس را فراگرفت از دست رفتند. بعدها خودش چنین نوشت: «قربانیان، قبل از هر کس دیگر، کارگران بودند. ثروتمندان می‌توانستند شهر را ترک کنند. مدرسه‌ها و کلیساها بسته بود. ورود به خانه‌ی بیمار بدون اجازه‌ی خاص ممنوع بود. فقرا نمی‌توانستند خرج پرستار بپردازند. روبروی خانه‌ی ما ده نفر از این بیماری همه‌گیر مردند. تمام اطراف ما را مرده فراگرفته بود. جسد‌ها را بدون مراسم شب‌ها دفن می‌کردیم. دایم فریاد، شیون و گریه می‌شنیدیم. چهار فرزند خردسالم هریک پس از دیگری مریض شدند و مردند. تن ظریفشان را قبل از دفن، با دست‌های خودم شستم. شوهرم نیز تب کرد و مرد. خانواده‌های دیگر هم مثل خانواده‌ی ما به همین نحو سخت مصیبت دیدند. چه روز و چه شب صدای قرچ قرچ گاری‌های نعش‌کشی را می‌شنیدم!



به دنبال این بلای مرگبار، ماری جونز به شیکاگو رفت و مغازه‌ی خیاطی باز کرد. اما در آتش‌سوزی بزرگ سال ۱۸۷۱ که بخش مهمی از شهر را ویران کرد، مغازه‌اش از دست رفت. از این تاریخ به بعد، وی در جنبش سندیکایی آمریکا فعال‌تر شد، به حدی که تاریخ زندگی‌اش با تاریخ مبارزات به خصوص چشمگیر طبقه‌ی کارگر آمریکا در هم تنیده است تاریخی که متأسفانه در اروپا چندان شناخته شده نیست. او که همگی افراد خانواده‌اش را از دست داده بود، کارگران بخش معدن، کارگران راه آهن و کارگران بافندگی را به فرزند خواندگی می‌پذیرد. آنها او را «مادر» صدا می‌زدند. مادر جونز در همگی مبارزات حاضر بود. در اعتصاب بزرگ کارگران راه آهن پنسیلوانیا دسالر ۱۸۷۷ شرکت داشت. در سال‌های دهه‌ی ۱۸۸۰ برای کارگران عضو سندیکا کلاس‌های درس سیاسی تشکیل می‌داد. در سال ۱۸۹۰ در سندیکای معدن‌چیان که «کارگران متحد معدن آمریکا» (UMWA) نام داشت استخدام شد.

مادر جونز به رغم جثه‌ی کوچکش و قیافه‌ی آرام یک مادر بزرگ، سخنران فوق‌العاده نیرومندی بود. وقتی سکویی می‌یافت و برای سخن گفتن با کارگران بر آن می‌ایستاد وقار و هیبتش همه را فرا می‌گرفت. با بالا و پایین بردن صدایش طیفی از احساسات گوناگون را در کسانی که به او گوش می‌سپردند پدید می‌آورد. او می‌توانست مردم را به گریه بیندازد و پس از لحظه‌ای قهقهه‌ی خنده‌شان را بلند کند. در حالی که از این طرف سکو تا آن طرف با خشم قدم می‌زد، نطق بلند بالای او علیه تبهکاری کارفرمایان بیان خشمی نیرومند بود. او ثروتمندان را تحقیر می‌کرد و به کارگران در آن واحد، هم نیروی‌شان را و هم غیرانسانی بودن شرایط زندگی‌شان را یادآوری می‌کرد.

در نوشته‌هایش نیز سبک مستقیم و صادقانه‌اش خواننده را تحت تأثیر می‌گرفت. در مقاله‌ای تحت عنوان «تمدن در کارگاه‌های جنوب» که در نشریه‌ی انترناسیونالیستی سوسیالیستی در سال ۱۹۰۱ چاپ شده، از تجربه‌ی خود در یک کارگاه پنبه سخن می‌گوید که مأموریتش در آنجا بررسی وضعیت کار در این صنعت بوده است: «بچه‌های ۷-۸ ساله را ساعت چهار و نیم صبح با سوت سرکارگر از بستر بیرون می‌کشیدند. صبحانه‌ای اندک از قهوه‌ی سیاه و نان ذرت که به جای کره به روغن پنبه آغشته شده بود به آنها می‌دادند. سپس این ارتش بردگان — از بزرگ و کوچک — به راه می‌افتادند. ساعت پنج و نیم به پشت دیوارهای کارخانه می‌رسیدند و در آنجا در فضایی انباشته مملو از جیغ و سر و صدای ماشین‌ها، لحظات جوانی‌شان را ۱۴ ساعت، همه روزه لگد مال می‌شد. وقتی در این خانواده‌ی عیالوار تأمل می‌کردی می‌توانستی به‌طور تقریب بشنوی این فریاد را که «ای چرخ‌های حریص سرمایه‌داری، یک لحظه بایستید تا ما بتوانیم یک بار هم که شده صدای آدمی بشنویم؛ یک لحظه هم بگذارید باور کنیم که تمام زندگی این نیست!»

مادر جونز در مبارزات متعدد نقش درجه‌ی اول بازی کرد، از جمله در اعتصاب معدن‌چیان آرنوت (پنسیلوانیا). او زنان معدن‌چیان را به طرزی شگفت‌انگیز در مبارزه سهیم کرد: «وقتی شرکت می‌خواست اعتصاب‌شکنان را به مصاف اعتصاب‌گران بفرستد، به مردها گفتم در خانه بمانند و بگذارند زن‌ها ترتیب «زردها» (اعتصاب‌شکنان) را بدهند. یک ارتش حسابی از زنان خانه‌دار سازمان دادم. آنها باید با جاروهاشان، با لته‌ها و اسفنج ظرف‌شویی‌شان، با سطرهاشان در نزدیکی معدن حاضر شوند. روز موعود خودم تا معدن نرفتم مبدا با دستگیری من، ارتش دچار پراکندگی شود. یک زن ایرلندی را که بیشتر قیافه‌ای تماشایی داشت برای رهبری حمله برگزیدم. او دیر از خواب بیدار شده بود و باید زود آماده می‌شد. خود را با پوشیدن دامنی قرمز رنگ روی پیراهن بلند خواب آراسته بود. جوراب بلند سفید در یک پایش بود و جورابی سیاه در پای دیگر. روی موهای سرخ و وزکرده اش یک شال سرخ رنگ انداخته بود. چشم‌های دریده‌ای داشت. به او گفتم: تو ارتش را تا در ورودی چاه معدن می‌بری. قابلمه‌ات را بردار و یک چکش. و وقتی «زردها» با قاطرهاشان سر رسیدند همگی با چکش روی قابلمه‌ها می‌کوبید و زردها را با چوب جارو می‌زنید و آنها را بیرون می‌رانید. از هیچ‌کس نترسید.»

وقتی زن‌ها شروع به زدن قابلمه‌ها کردند، رییس پلیس آمد و به زن ایرلندی گفت: «مواظب باشید خانم! شما با این کار، قاطرها را رم می‌دهید.» مادر جونز نقل می‌کند که ایرلندی چگونه او را با زدن روی قابلمه به گودال انداخته در حالی که فریاد می‌زده «برید گم شید خودتون و قاطرهاتون.» در آن لحظه به نظر می‌رسید که حتی قاطرها علیه زردها شوریده بودند و جفتک می‌زدند. زردها پا به فرار گذاشتند، در حالی که زن‌ها با چوب جارو و لته‌ی ظرف‌شویی آنها را دنبال می‌کردند.

هرچند کارفرمایان کوشیدند به نحوی خاص اعتصاب را به پایان برسانند، اما اعتصاب پیروز

ای چرخ‌های حریص سرمایه‌داری، یک لحظه بایستید تا ما بتوانیم یک بار هم که شده صدای آدمی بشنویم؛ یک لحظه هم بگذارید باور کنیم که تمام زندگی این نیست!



شد. یک شب که مادر جونز در منزل رییس سندیکای محل (به نام ویلسون) مهمان بوده ناگهان در می‌زنند. منزلی که خانواده‌ی ویلسون در آن می‌نشستند در گرو صاحبخانه بود و صاحبخانه همان صاحب معدن بود. تازه واردان برای رییس سندیکا پیشنهادی داشتند: «اگر قبول کنی که از این منطقه بروی و بگذاری اعتصاب بخوابد، خانه‌ات را از گرو در می‌آوریم و ۲۵ هزار دلار هم به تو می‌دهیم». مادر جونز می‌نویسد: «هرگز پاسخ او را فراموش نمی‌کنم که گفت: «آقایان، اگر به عنوان مهمان به خانه‌ی ما آمده‌اید قدمتان روی چشم، اما اگر برای این آمده‌اید که به درستکاری و شرافت خودم و کارگرانی که به من اعتماد کرده‌اند خیانت کنم از شما می‌خواهم که فوری اینجا را ترک کنید و هرگز به اینجا پا نگذارید». ویلسون، اعتصاب‌گرانی را که دچار مشکل شده بودند پیش خود پذیرفت هرچه داشت با آنها قسمت کرد و با اندکی که داشت می‌ساخت و قناعت می‌کرد. مادر جونز باز هم در این باره نوشته است: «او با مشکلات مبارزان پایه و عادی خوب آشنا بود. رهبرانی مثل او را دیگر این روزها نداریم.»

از سال ۱۹۰۴ مادر جونز به عنوان مسوول سازماندهی در حزب سوسیالیست آمریکا فعالیت می‌کرد و سپس در سال ۱۹۱۱ به سندیکای معدن کاران ایالات متحده‌ی آمریکا بازگشت. در ۲۱ سپتامبر سال ۱۹۱۲ در جریان اعتصاب Creek Paint و Creek Cable تظاهرات فرزندان معدن‌چیان را در خیابان‌های چارلستون رهبری کرد. پنج ماه بعد، در جریان یک تظاهرات دیگر در حالی که ۸۲ سال از عمرش می‌گذشت بازداشت شد. او را به «توطئه‌ی قتل» متهم کردند و به ۲۰ سال حبس جنایی محکوم شد. خوشبختانه در ماه مه سال ۱۹۱۳ در پی انتخاب یک فرماندار جدید آزاد شد. مادر جونز تا پایان عمر در سال ۱۹۳۰ یعنی تا صد سالگی با جنبش کارگری در ارتباط بود و می‌گفت: «اگر می‌خواهید برای آرامش روح اموات دعا کنید، بکنید، اما به خصوص به خاطر زنده‌ها مبارزه کنید!» او در گورستان سندیکای معدن‌چیان در مونت او لیو Mount Olive (کوه زیتون) نزدیک شهر سنلویی در ایالت ایلینویز به خاک سپرده شد. در کنار بنای یادبودی که برایش ساخته‌اند، روی پلاک جمله‌ای می‌خوانیم که آخرین وصیت اوست: «مبادا هیچ خائنی بر مزار من درنگ کند.»

مادر جونز در مقام مربی و سازمان دهنده‌ی اعتصاب‌های کارگری در همه جای کشور فعالیت می‌کرد. بیش از همه با اتحادیه‌ی کارگران معادن و حزب سوسیالیست آمریکا پیوند داشت. مهارت او در سازمان‌دهی اتحادیه‌ها به ویژه سازمان‌دهی زنان و فرزندان کارگران اعتصابی برای حمایت از آنها بسیار چشمگیر بود. در سال ۱۹۰۳ کودکان کارگر معادن را متشکل کرد تا با شعار «ما وقت بازی می‌خواهیم» و «می‌خواهیم به مدرسه برویم» از پنسیلوانیا تا نیویورک مقابل خانه‌ی تئودور روزولت رئیس جمهور وقت راهپیمایی کنند. هرچند روزولت از ملاقات با راهپیمایان خودداری کرد اما این واقعه بحث کار کودک را به صحنه‌ی اجتماعی جامعه کشاند. در سال ۱۹۰۲ فرماندار ویرجینیای غربی مادر جونز را که به دلیل نقض دستور ممنوعیت ملاقات با کارگران اعتصابی بازداشت شده بود خطرناک‌ترین زن آمریکا لقب داد و گفت: «او با چرخش انگشت خود بیست هزار مرد گوش به فرمان را وادار می‌دارد که ابزار کار را زمین بگذارند و بیرون بروند.»

در سال ۱۹۱۳ در جریان اعتصاب کابین گریک در ویرجینیای غربی مادر جونز به همراه چند تن از رهبران اعتصاب به اتهام توطئه برای قتل محکوم شد و تحت بازداشت خانگی قرار گرفت. دستگیری او غوغایی بپا کرد که به آزادی سریع او انجامید و پس از آن هم مجلس سنای آمریکا دستور تحقیق درباره‌ی شرایط کار در معادن منطقه را صادر کرد.

استفاده از این برچسب بیانگر این بود که این لباس‌ها توسط کودکان کارگر دوخته نشده‌اند و تنها کارفرمایانی حق استفاده از این برچسب را داشتند که اصول NCL را رعایت می‌کردند. سپس اتحادیه‌ی ملی مصرف‌کنندگان از مردم خواست که از خرید و استفاده از کالاهایی که این برچسب را نداشتند خودداری کنند به عبارتی خرید این کالاها را تحریم کنند.



«فلورانس کلی»، دختر «ویلیام کلی» نماینده‌ی کنگره‌ی آمریکا، در ۱۲ سپتامبر سال ۱۸۵۹ متولد شد. در کودکی، یک بار که پدرش قصد بازدید شبانه از کارخانه‌ها را داشت او را با خود برد. فلورانس پسران نوجوانی را دید که در کارخانه‌های تولید فلز و شیشه کار می‌کنند. شرایط سخت و خطرناک محیط کار این کودکان و کارهای دشواری که مجبور به انجام آن بودند، برای او تکان دهنده و غیرقابل تحمل بود. فلورانس کلی تحصیلات خود را در دانشگاه کرنل و زوریخ به پایان رساند. کلی با یادآوری آنچه در کودکی مشاهده کرده بود، تصمیم به ترجمه‌ی کتاب شرایط کاری کارگران انگلیس کرد. این کتاب در سال ۱۸۸۷ در آمریکا منتشر شد. پس از چندی کلی به شهر نیویورک رفت و در آنجا با یک پزشک روسی لهستانی ازدواج کرد. این ازدواج موفقیت‌آمیز نبود، به همین دلیل در سال ۱۸۹۱ وی به همراه سه فرزندش نیویورک را ترک و به شیکاگو نقل مکان کرد. در این شهر وی با عده‌ای از سوسیالیست‌های اصلاح‌طلب آشنا شد و به اعضای خانه‌ی هال پیوست. «جان پیترو آلت گلد» یکی از بی‌شمار بازدیدکنندگان خانه‌ی هال بود. در سال ۱۸۹۲ زمانی که او برای تصدی پست فرمانداری ایلینویز انتخاب شد، کلی را به عنوان اولین سربازرس کارخانجات انتخاب کرد. کلی نیز یک گروه دوازده نفری را برای این کار استخدام کرد. در سال ۱۸۹۴ کلی به همراه آلت گلد موفق شدند که هیأت قانون‌گذاری ایالت را وادار کنند که قانونی برای کنترل کار کودکان وضع کنند. براساس این قانون، کارخانجات حق نداشتند کودکان زیر ۱۴ سال را استخدام کنند و طی این قانون، ساعت کار زنان و کودکان به ۸ ساعت در روز تقلیل پیدا کرد. این قانون به مدت کوتاهی اجرا شد و در سال ۱۸۹۵ انجمن کارخانجات ایلینویز این قانون را لغو کردند.

در سال ۱۸۹۹ کلی گروهی رادیکال به نام اتحادیه‌ی ملی مصرف‌کنندگان (NCL (National Consumer League) تشکیل شد که یکی از اهداف عمده‌ی این گروه تعیین حداقل حقوق برای کارگران و محدودیت ساعت کار برای زنان و کودکان بود. کلی در شکل گرفتن این اتحادیه تلاش فراوانی کرد و به عنوان اولین رییس این جمعیت، به سراسر کشور سفر کرد و درباره‌ی شرایط کاری کارگران در ایالات متحده‌ی آمریکا سخنرانی‌های بی‌شماری کرد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که کلی انجام داد، معرفی برچسب سفیر گروه NCL بود. استفاده از این برچسب بیانگر این بود که این لباس‌ها توسط کودکان کارگر دوخته نشده‌اند و تنها کارفرمایانی حق استفاده از این برچسب را داشتند که اصول NCL را رعایت می‌کردند. سپس اتحادیه‌ی ملی مصرف‌کنندگان از مردم خواست که از خرید و استفاده از کالاهایی که این برچسب را نداشتند خودداری کنند، به عبارتی خرید این کالاها را تحریم کنند.

در سپتامبر سال ۱۹۰۵ کلی با پیوستن به «اپترل سیتکلر» و «جک لندن»، گروه سوسیالیست‌های دانشگاه‌های آمریکا را تشکیل دادند. طی سال‌های بعدی او سخنگوی دانشگاه‌های آمریکایی بود و یکی از دانشجویانی که او آموزش داد، «فرانسس پرکینز» بود که بعدها به عنوان اولین زن وزیر کابینه انتخاب شد. او کسی بود که در آمریکا مسأله‌ی کار کودکان را خاتمه بخشید.

کلی یکی از حامیان اصلی اعطای حق رأی به زنان و طرفدار حقوق انسانی زنان آفریقایی-آمریکایی بود. در سال ۱۹۰۹ او کمک کرد تا انجمن ملی پیشرفت رنگین پوستان (National Association for Advancement of colour People) تشکیل شود. او از جمله افرادی بود که با دخالت آمریکا در جنگ جهانی اول مخالفت کرد. او یکی از اعضای حزب صلح زنان (Women Peace Party) و اتحادیه‌ی بین‌المللی صلح و آزادی زنان (Womens international League for Peace & Freedom) بود. او در ۱۷ فوریه‌ی سال ۱۹۳۲ در سن ۷۴ سالگی درگذشت.



حمایت از کودکان کار: اینک بیش از همیشه



کووید-۱۹: حمایت از کودکان کار، اینک بیش از همیشه

روز جهانی مبارزه با کار کودک در سال ۲۰۲۰ به تأثیر بحران کرونا بر کار کودک می‌پردازد. بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ و شوک اقتصادی و بازار کار ناشی از آن، تأثیر زیادی بر زندگی و وضعیت معیشت مردم داشته است. متأسفانه، کودکان اغلب در صف نخست قربانیان هستند. این بحران می‌تواند میلیون‌ها کودک آسیب‌پذیر را به سمت کودک کار شدن سوق دهد. در حال حاضر، حدود ۱۵۲ میلیون کودک کار وجود دارد که ۷۲ میلیون نفر از آنها به کارهای خطرناک مشغول هستند. این کودکان اکنون در معرض خطر بزرگتری هستند: مواجهه با شرایطی دشوارتر و ساعات کار طولانی‌تر. امسال، روز جهانی در قالب یک کمپین مجازی برگزار می‌شود و به طور مشترک با راهپیمایی جهانی علیه کار کودک و مشارکت بین‌المللی برای همکاری در زمینه‌ی کار کودک در کشاورزی (IPCCLA) برگزار می‌شود. مقاله‌ی مشترک سازمان جهانی کار و یونیسف در مورد تأثیر COVID-19 بر کار کودک، که در تاریخ ۱۲ ژوئن منتشر می‌شود، به برخی از کانال‌های اصلی می‌پردازد که روند پیشرفت ریشه‌کن کردن کار کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

مبارزه با کار کودک

به‌طور تقریبی از هر ده کودک در جهان یک نفر کودک کار است. در حالی که از سال ۲۰۰۰ تعداد کودکان کار تا ۹۴ میلیون نفر کاهش یافته است، در سال‌های اخیر این نرخ کاهش دو سوم کمتر شده است. هدف ۸٫۷ در اهداف توسعه‌ی پایدار سازمان ملل متحد، خواستار خاتمه‌ی کار کودک در همه‌ی اشکال آن تا سال ۲۰۲۵ است. چگونه جامعه‌ی جهانی می‌تواند قاطعانه در جهت از بین بردن کار کودک گام بردارد؟

شیوع کار کودک

کودکان در سراسر جهان به‌طور معمول مشغول کارهایی با و بدون دستمزد هستند که برای آنها مضر نیست. اما هنگامی که کار محسوب می‌شوند که یا برای کار کردن بسیار کم‌سن و سال باشند و یا درگیر فعالیت‌های خطرناکی باشند که می‌تواند رشد جسمی، روحی، اجتماعی یا تحصیلی آنها را به خطر اندازد. در کشورهای کم توسعه یافته، اندکی بیش از یک کودک از هر چهار کودک (۵ تا ۱۷ ساله) مشغول کاری هستند که برای سلامتی و رشد آنها مضر است. آفریقا بالاترین رتبه را در بین مناطق هم از نظر درصد کودکان درگیر در کار کودک (یک پنجم آمار جهان) و هم تعداد مطلق کودکان درگیر در کار کودک (۷۲ میلیون نفر) دارد. در هر دو مقیاس، آسیا و اقیانوس آرام در رده‌ی دوم قرار دارند: ۷ درصد کودکان کار جهان معادل ۶۲ میلیون نفر در این منطقه هستند. به‌طور تقریبی از هر ده کودک کار در سراسر جهان، ۹ نفر در مناطق آفریقا، آسیا و اقیانوس آرام هستند. جمعیت باقی‌مانده‌ی کار کودک بین قاره‌ی آمریکا (۱۱ میلیون نفر)، اروپا و آسیای میانه (۶ میلیون) و کشورهای عربی (۱ میلیون) تقسیم شده است. از نظر شیوع، ۵ درصد از کودکان درگیر کار کودک در آمریکا، ۴ درصد در اروپا و آسیای میانه و ۳ درصد در کشورهای عربی هستند. در حالی که بیشترین نسبت کودکان کار در کشورهای کم درآمد یافت می‌شود، تعداد کودکان کار در کشورهای با درآمد متوسط بیشتر است. ۹ درصد کودکان در کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین و ۷ درصد کودکان در کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا درگیر کار کودک هستند. آمار مربوط به تعداد مطلق کودکان درگیر کار کودک در هر گروه‌بندی با درآمد ملی نشان می‌دهد که ۸۴ میلیون کودک درگیر کار کودک، که ۵۶ درصد از کل کودکان کار را شامل می‌شوند، در کشورهایی با درآمد متوسط زندگی می‌کنند و ۲ میلیون نفر دیگر نیز در کشورهای پر درآمد زندگی می‌کنند.

وضعیت کودکان کار ۵ تا ۱۷ ساله بر اساس آمارهای سازمان جهانی کار



ویرایشنامه روز جهانی مبارزه با کار کودکان
۱۳۹۹

آمارهای سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۶

شیوع منطقه‌ای کار کودکان

۱۶.۹ %	آفریقا
۵.۳ %	آمریکا
۲.۹ %	کشورهای عربی
۷.۴ %	آسیا
۴.۱ %	اروپا و آسیای مرکزی



از ۱۵۲ میلیون کودک کار

مشخصات سنی

۴۸ %
۱۱-۵ ساله
۲۸ %
۱۴-۱۲ ساله
۲۴ %
۱۷-۱۵ ساله

جنسیت



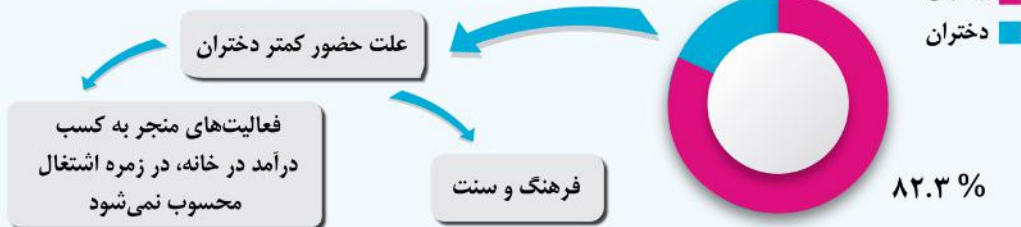
فعالیت اقتصادی

۷۰.۹ %	کشاورزی
۱۱.۹ %	صنعت
۱۷.۲ %	خدمات

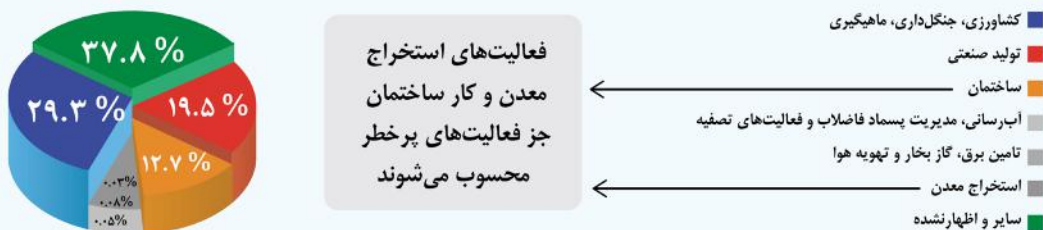
براساس آمار و داده‌های راهبردی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی سال ۹۶



ترکیب جنسیتی کودکان کار ۱۰ تا ۱۷ ساله

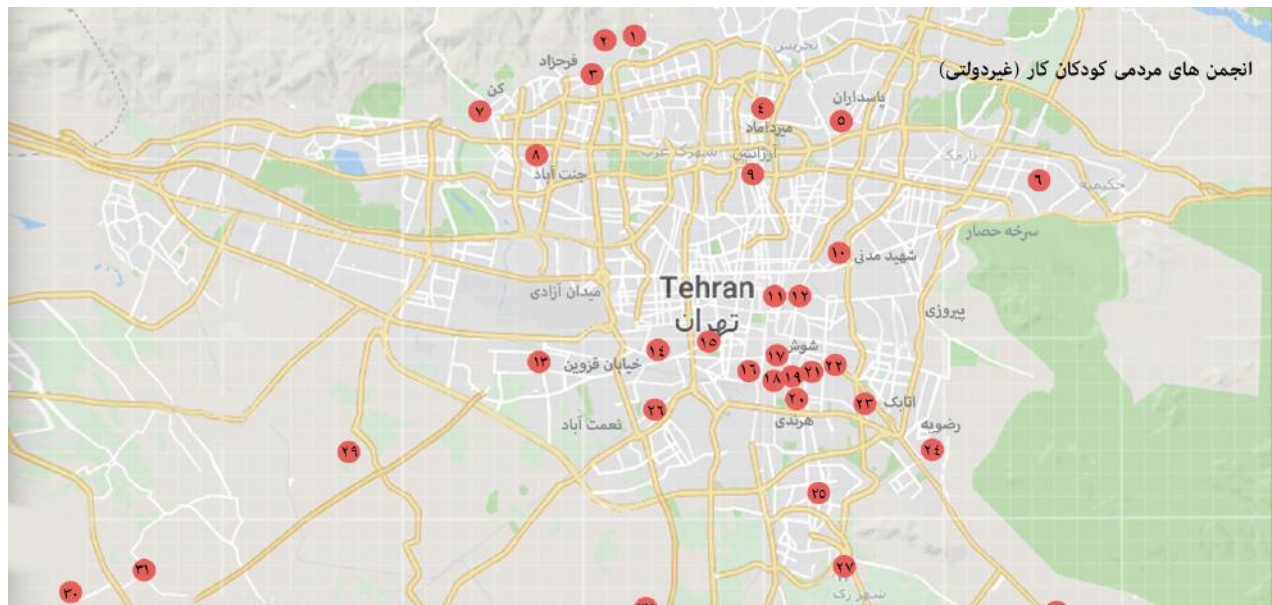


جمعیت کودکان کار ۱۰ تا ۱۷ ساله به تفکیک فعالیت اقتصادی



بیش‌ترین و کم‌ترین حضور کودکان کار ۱۰ تا ۱۷ ساله در گروه‌های عمده شغلی





نشانی انجمن های کودکان کار:

- ۱- موسسه توانمندسازی مهر و ماه - نشانی: بزرگراه یادگار امام شمالی، خیابان امام زاده داوود، کوچه عموتی، پلاک ۴ تلفن: ۲۲۳۸۳۶۶۵
- ۲- جمعیت امام علی، خانه ایرانی فرحزاد - نشانی: خیابان امام زاده داوود، کوچه جهانی، پلاک ۴ تلفن: ۹۳۵۴۷۴۸۰۹۵
- ۳- موسسه رویش نهال جوان - نشانی: بزرگراه یادگار امام، میدان فرحزاد، کوچه استخر، پلاک ۱۷ تلفن: ۲۲۱۱۹۵۳۹
- ۴- گروه تلاشگران یاری همدل (خانه کودک یاری) - نشانی: خیابان ولیعصر، بالاتر از اسکان، خیابان سرو، پلاک ۴۴، سرای محله کاوسیہ تلفن: ۸۸۶۷۸۰۷۳
- ۵- موسسه نیکوکاری مهرآفرین پناه عصر - نشانی: شریعتی، خیابان گل نی، خیابان زمره خیابان یاقوت، پلاک ۸ تلفن: ۲۲۸۹۲۳۰۰
- ۶- جمعیت امام علی، خانه ایرانی خاک سفید - نشانی: انتهای خیابان چشواره، خیابان زهدی، ۲۰ متری ولیعصر، پلاک ۳۱ تلفن: ۹۳۳۵۱۵۳۱۹۴
- ۷- انجمن پرندۀ درخت کوچک - نشانی: کن، کوهسار، خیابان ادھمی، خیابان عاصمی، خیابان مدرسه، بن پست اباصالح، پلاک ۵ تلفن: ۴۴۳۰۲۴۹۳
- ۸- انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده (حاصی) - نشانی: جنت آباد جنوبی، میدان چهارباغ، نیش شمال شرقی میدان تلفن: ۴۴۴۴۰۰۰۶
- ۹- موسسه حامی آرامش آریایی - نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان ۳۷ غربی، مرکز خدمات شهرداری منطقه ۶ تلفن: ۹۱۲۸۵۰۳۱۶۱
- ۱۰- موسسه نیکوکاری مهرآفرین پناه عصر - نشانی: مژو شهید مدنی، خیابان حسینیان، کوچه شیرین اصفهانی، پلاک ۳۲ تلفن: ۹۳۷۲۹۰۴۲۷۶
- ۱۱- انجمن دیدبان حقوق کودک - نشانی: خیابان ری، بالاتر از پل محلاتی، کوچه حمام سید ابراهیم پلاک ۲۴ تلفن: ۶۳۸۳۰۴۲۲
- ۱۲- کانون فرهنگی حمایتی کودکان کار کوشا - نشانی: خیابان امیر کبیر شرقی، کوچه جاویدی، کوچه قوام الحضور تلفن: ۳۳۱۲۱۰۰۵
- ۱۳- مهرانه قلب سفید - نشانی: چهارراه یافت آباد، میدان معلم، چهارراه قهوه خانه، میدان جانبازان، سرای محله شادآباد تلفن: ۹۱۲۵۸۵۶۲۶۰
- ۱۴- موسسه حامی آراش آریایی - نشانی: خیابان قزوین، دو راهی قیام، پارک تهرانی، مجتمع غنی پور تلفن: ۹۱۲۸۵۰۳۱۶۱
- ۱۵- بنیاد همدلان کودک و نوجوان - نشانی: میدان رازی (کمرک) پارک رازی، فرهنگسرای رازی تلفن: ۹۱۲۱۲۳۲۲۹۸ - ۶۶۸۵۷۴۴۳ - ۶۶۸۸۱۹۱۹۶
- ۱۶- جمعیت امام علی، خانه ایرانی مولوی - نشانی: خیابان مولوی، روبروی خیابان تختی، کوچه قفسلسازان، نیش بن بست مهرعلی، پلاک ۳-۳ تلفن: ۵۵۱۵۴۱۶۵
- ۱۷- جمعیت امام علی، خانه ایرانی دروازه غار - نشانی: خیابان مولوی، به سمت میدان محمدیه، خیابان قاسمی، کوچه عرب دفتر، کوچه داوود عظیم زادگان، کوچه چاووشی، پلاک ۱۰ تلفن: ۵۵۱۶۸۰۱ - ۹۳۹۶۰۰۷۱۷۸
- ۱۸- انجمن روشنگران فردای کودک (آرفک) - نشانی: میدان شوش ابتدای خیابان صاحب جمع، خیابان شهید مشهدی حسن، کوچه شهید بابا ریسی، پلاک ۲۴، تلفن ۵۵۵۹۰۶۲۲
- ۱۹- انجمن حمایت از کودکان کار - نشانی: مولوی، باغ فردوس، خیابان شهید اردستانی، کوچه شهید احمد افشاریان، دومین بن بست سمت چپ، پلاک ۴۳
- ۲۰- خانه کودک مهر - نشانی: خیابان شوش، میدان هردی (دروازه غار)، پشت فرهنگسرای خواجه کرمانی، جنب مسجد الزهراء، پلاک ۴۳ - تلفن ۵۵۸۱۰۵۷۹ - ۵۵۸۰۸۸۹۸
- ۲۱- جمعیت امام علی، خانه ایرانی شوش لب خط - نشانی: خیابان شوش شرقی، روبروی فروشگاه پارس ملل، پلاک ۱۷۹ تلفن: ۹۲۹۴۸۰۴۷۰۲
- ۲۲- انجمن حمایت از کودکان کار - نشانی: میدان خراسان، خیابان خاوران، خیابان اعظم نظامی، اداره امور اجتماعی رفاهی منطقه ۱۵، واحد کودک کار - تلفن: ۳۳۴۳۷۳۹
- ۲۳- موسسه شکوفایی استعداد های کودکان مهر - نشانی: اتابک، روبروی مسجد بنی هاشم، خیابان ابراهیمی، پلاک ۱۲ تلفن: ۳۳۰۲۴۸۶۰ - ۹۱۳۷۶۰۲۴۷۵
- ۲۴- موسسه شکوفایی استعداد های کودکان مهر - نشانی: شهرک رضویه، خیابان هنرستان، روبروی پارک افرا، پلاک ۴۱ تلفن: ۹۱۳۷۶۰۲۴۷۵
- ۲۵- انجمن دوستداران کودک پویا - نشانی: اتوبان امام رضا، سه راه سیمان، سه راه غنی آباد به سمت اسلام آباد، خیابان شهید رستگار، پلاک ۸۰ تلفن: ۳۳۸۵۱۲۵۲
- ۲۶- جمعیت دفاع از کودکان کار و آسیب های اجتماعی - نشانی: میدان سروی خیابان زمره طاهری، کوچه علیمراد، پلاک ۱-۱ تلفن: ۵۵۸۳۱۸۴
- ۲۷- جمعیت امام علی، خانه ایرانی شهرری - نشانی: شهرک علانین، خیابان مصطفی خمینی، کوچه ولیعصر، کوچه هرمز، پلاک ۵ تلفن: ۹۱۹۳۷۰۷۷۸۳
- ۲۸- انجمن دوستداران کودک پویا - نشانی: افسریه، اتوبان امام رضا، خروجی خاورشهر، روستای محمودآباد، میدان محمودآباد، پلاک ۱۷ - تلفن: ۳۳۸۵۱۲۵۲
- ۲۹- جمعیت امام علی، خانه ایرانی احمدآباد مستوفی - نشانی: احمدآباد مستوفی، خیابان ولیعصر، میدان امام حسین، خیابان مطهری، روبروی کتابخانه، پلاک ۹۹ تلفن: ۹۳۵۷۳۲۸۷۹
- ۳۰- انجمن یاری، خانه کودکیار شادشهر - نشانی: اتوبان ساه، شادشهر (علی آباد سابق)، ضلع غربی میدان امام خمینی، پلاک ۸ تلفن: ۹۳۰۶۷۶۰۳۷۷
- ۳۱- انجمن یاری، خانه کودکیار صباشهر - نشانی: شهریار، صباشهر، خ بهشتی (مخابرات)، کوچه فرهنگ تلفن: ۹۳۷۷۷۰۹۰۶۹
- ۳۲- مرکز دوستدار کودک ایلیا - نشانی: اتوبان بهشت زهرا به سمت صالح آباد شرقی، خیابان امام زاده ابراهیم یا شهرک توحید، جنب دبستان پسرانه فولاد فر تلفن: ۵۵۰۳۵۸۸۰ - ۵۵۰۱۶۴۹۹

گفت وگو: فرشته فرهمند حبیبی

از سال ۱۳۸۳ می‌شناسمش. یکی از کودکان کار، از تبار کولی‌ها بود. هیچ‌وقت چهره‌اش را بی‌لبخند ندیده‌ام، دایره‌ی واژگانش به نسبت میزان سوادِی که دارد، گسترده است. این روزها، هر بار که همدیگر را می‌بینیم، مدام از تغییر صحبت می‌کند. چیزی که طعم آن را خودش چشیده است، برای همین زمانی که می‌گوید: «...وقتی حقیقت یه سری چیزها رو می‌فهمی، سخته واست چیزایی رو قبول کنی. مثل کار کردن بچه‌ها»، از عمق نگاه و تلخی که در چهره‌اش از شفافیت لبخند روی صورتش می‌کاهد، می‌فهمی که با گوشت پوست و استخوانش این حرف را می‌زند. از سال ۱۳۷۷ به بعد به تهران آمد. الان سعید سی ساله، از سال ۱۳۹۲ مددیار سازمان پزشکان بدون مرز در محله‌ی دروازه‌ی غار تهران است. از کودکی به خاطر شرایط زندگی مجبور به کار کردن شد. به مناسبت روز مبارزه علیه کار کودک (۱۲ ژوئن)، با او که یک کودک کار دیروز است درباره‌ی دوران کار کردنش در کودکی گفت‌وگویی در دفتر انجمن حمایت از کودکان کار انجام داده‌ایم.

- سعید تا کلاس چندم تونستی درس بخونی؟
دقیقا تا سر سوم ابتدایی.

- چرا درس خوندن رو ادامه ندادی؟

خانواده‌ی من برای زندگی میان تهران. من و برادرم تو ساری با پدربزرگ و مادربزرگم زندگی می‌کردیم. من، مادربزرگم رو خیلی دوست داشتم. سال اول ابتدایی تو ساری خوندم. وقتی سال دوم ابتدایی ۶ ماهشو خوندم اون فوت شد. بعد از اون با بابابزرگم که دامداری داشت زندگی کردیم. اونجا رو هم خیلی دوست داشتم. یکی از این فامیلا‌ی ما که، همیشه نفرینش می‌کنم به بابای من که تهران بودن میگه پسران پول ندارن، میان دفتر و کتاب رو می‌فروشن که غذا بخورن در صورتی که ما اصلا پیش بابا بزرگمون بودیم و برادر بزرگتر منم داشت اونجا درس می‌خوند. کلاس سوم راهنمایی بود. این شد بابامون اومد دنبالمون که پاشید برید تهران. من گفتم نمیام ولی داداش بزرگم گفت: میرم. منم مجبور شدم بیام تهران. یکسال هم تو سال ۱۳۸۵ تا مقدماتی نهضت سوادآموزی رو خوندم.

- زندگی تو تهران چه فرقی با زندگی تو روستا برات داشت؟

تو روستا دنبال پول نبودیم، من یادمه خیلی کارتون میدیم، می‌رفتیم فوتبال، ولی تو تهران اصلا اینطوری نبود. تو تهران دوستای جدید پیدا کردم، همه‌ی دوستای من سبکشان با من فرق داشت، مثلا همه پول تو جیبشون بود من نه.

- تو روستایی که زندگی می‌کردین اون زمان چقدر معتاد وجود داشت؟
خیلی نبودن تازه سنگین‌ترینشون تریاکی بودن و سی، چهل سال به بالا سن داشتن.

- وقتی اومدی تهران، تو دروازه غار وضعیت معتادا به چه صورت بود؟
تو تهران، از هفده، هجده ساله معتاد می‌دیدم که بیشتر هرویین استفاده می‌کردن.

- اومدی تهران دیگه درس خوندن رو ادامه ندادی؟
نه، هم تنبلی کردم هم محیطم دیگه عوض شده بود. چیزای جدید می‌دیدم.

- پس چی کار می‌کردی؟
رفتم سرکار.

- چرا رفتی کار کردی از ۹ سالگی؟
وقتی که همه‌ی خانواده می‌رفتن با هم سرکار، خب من نمی‌تونستم نرم که.

- یعنی تو می‌تونستی بری مدرسه درس بخونی، ولی انتخاب کردی بری سرکار؟
تموم زندگی من، دوستای من بودن، تو محله‌ی جدید، دوستای جدید من، همه کار

بچه‌ای که تو روستا زندگی می‌کنه و تازه نترس هم بوده تو شهر به این بزرگی قرار می‌گیره و تا ۹-۱۰ شب تو خیابون، هستش، واقعا براش ترسناک میشه. می‌ترسیدم وسط خیابون بزنن منو، یکی فحش می‌داد به ما بچه‌ها یکی مهربون بود باهامون یکی کتکمون می‌زد.



می کردن البته تو همون انجمن هم می تونستم درس بخونم ولی دنبالش نرفتم.

- **خونتون برای خودتون بود؟**
نه مستاجر بودیم. هممون تو خونه‌هایی که ۹ متری بودن زندگی می کردیم. دستشویی و حمام و مشترک که هنوزم تو دروازه غار همین طوری هست.

- **شمالم خونتون همینطوری بود؟**
خب خونه شمال بزرگتر بود و مال خودمون بود.

- **وقتی سعید ۹ ساله که از روستا اومده تهران میره تو خیابون کار می کنه، تهران رو چطور می بینه؟**
بچه‌ای که تو روستا زندگی می کنه و تازه نترس هم بوده، تو شهر به این بزرگی قرار می گیره و تا ۹-۱۰ شب تو خیابون، هستش، واقعا براش ترسناک میشه. می ترسیدم وسط خیابون بزنن منو، یکی فحش می داد به ما بچه‌ها، یکی مهربون بود باهامون، یکی کتکمون می زد.

- **تنها می رفتی سرکار؟**
نه با یه جماعتی می رفتیم. فامیلا و دوستانمون.

- **سعید بعضی از مردم فکر می کنن که بچه‌ها رو یه باند یا گروه یا فرد خاصی هستند که مبارن تو خیابون می ذارن سرکار و آخر سر هم پولشون رو ازشون می گیرن؟ تجربه‌ی چنین چیزی رو داری؟**
نه. ما خودمون دسته جمعی می رفتیم.

- **چرا همتون با هم می اومدین؟**
چون هزینه‌ها کمتر در بیاد هممون جمع می شدیم تو یه ماشین. هزینه‌ها کم می شد این جوری. یه چیز دیگه هم بود وقتی همه با هم می اومدیم، جو کار کردن بهتر بود. از اول تو قومیت ما همه، همیشه با هم بودن، اصلا دوست داریم با هم باشیم.

- **چندسال تو خیابون کار می کردی؟**
از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۰ و اینا.

- **کدوم محلات کار کردی؟**
ولیعصر، نواب، تجریش، رودکی، تهرانسر، سعادت آباد و ...

- **کار می کردی پولت رو می دادی به کی؟**
بابام.



ما که دیگه گرگ شده
بودیم، تو خیابون هزار تا
خطره و آدم از دوران بچگی
هستش که یاد می‌گیره که
چیو آموزش ببینه. وقتی هم
که بچه جای مدرسه میره
خیابون چی می‌خواید یاد
بگیره؟

- بعد بابات چی کار می‌کرد؟
خرج خونه. پدر من جبهه رفته بود هم موج گرفتگی داره هم ریه‌اش مشکل داره، چون کارت پایان خدمتش هم گم شد از هیچ جا نتونست کمکی بگیره. و از سال ۱۳۸۱ به بعد نتونست کار کنه.
- چندتا بچه بودین؟
۴ تا.
- چه شغل‌هایی داشتی؟
دست‌فروشی، گردو فروشی، دستمال کاغذی، گل، بادکنک، یه بارم شیشه پاک‌کنی کردم. دو سال هم املاک کار کردم تو اون زمان، هم املاک کار می‌کردم هم پزشکان بدون مرز بودم، الانم ۳ساله کشاورزی هم می‌کنم.
- کارگاه فنی کار کردی تا الان؟
تو خیاطی بود. که پادویی می‌کردم. ریسم و بعضی همکارام بعضی وقتا بساط مواد رو می‌آوردن و استفاده می‌کردن.
- چرا کارای دیگه‌ای انجام ندادی؟
منبع درآمدش کم بود، مثلاً سال ۱۳۸۸ بود، یه بنده خدایی ما رو برد قلعه‌مرغی پیش برادر و دامادش، اونجا کارای ضایعاتی انجام می‌داد. بساط ضایعاتی می‌خريد و بهم گفت از ساعت ۹ صبح بیا، فصل گردو فروشی هم بود و ۵ بعداز ظهر هم برو به گردو فروشیت برس. ماهانه ۳۰۰ هزار تومن می‌داد، من روز اول اومدم خونه، فکر کردم. پول گردو فروشی بیشتر می‌شد و گفتم نیام. فقط به پول فکر می‌کردم و به این فکر نکردم که در آینده چه اتفاقی می‌افته، دو سال بعدش یکی از دوستان ضایعاتی زد تو مولوی و بعد از ۳ سال بار خودشو بست. بیشتر ما تو لحظه زندگی می‌کنیم. حتی من که این همه دوست دارم تغییر کنم، مطمئن باش اگه برگردم، دوباره تو جمع بچه‌های خودمون دوباره همون میشم. چون ۳۰ ساله تزریق شده به گوشت و خونمون.
- اون زمان که گردو می‌فروختی که نرفتی مغازه ضایعاتی، چند ساعت کار می‌کردی؟
اول می‌رفتم فوتبال بعد استراحت می‌کردم، ناهار می‌خوردم بعد از سه و نیم تا پنج عصر گردو می‌زدم بعد می‌رفتم تا ۱۲:۳۰ شب می‌فروختم.
- پس میزان ساعت کاریت فرقی با ضایعاتی نداشت؟
نه ولی زمانم دست خودم بود. آزاد بودم. تازه اون جواری روزی چهل تا پنجاه هزار تومن در می‌آوردم ولی تو ضایعاتی روزی ده هزار تومن.
- سعید موقعی که تو خیابون کار می‌کردی چه خطراتی وجود داشت؟
ما که دیگه گرگ شده بودیم، تو خیابون هزار تا خطره و آدم از دوران بچگی هستش که یاد می‌گیره که چیو آموزش ببینه. وقتی هم که بچه جای مدرسه میره خیابون چی می‌خواید یاد بگیره؟ غیر از فحش و...، یه نفر میاد تیکه میندازه بش، یه نفر سرشو نوازش می‌کنه دختر و پسر هم فرقی نداره. بچه که تو خیابون کار می‌کنه دیگه ایده‌پردازی نداره، فقط به فکر اینکه یه منبع درآمدی داشته باشه، از بچگی هم چون با پول سر و کار دارن، حکومت خود مختار میشن.
- زمانی که دست‌فروشی می‌کردی تا حالا شده بود شما رو بگیرن و ببرن؟
آره. شهرداری میومد جنسامونو می‌گرفت. یه بار یه نفرو خیلی دوندم نیم ساعت، تازه اونم شهرداری. بهم می‌گفت خدا به دادت برسه بگیرم، فقط می‌دویدم. اصلاً به فکر این نبودم که ماشین یه موقع بزنه به من، اصلاً. فقط می‌خواستم فرار کنم. به این فکر می‌کردم که این نگیره منو، وقتی خسته شد بهم گفت: کاریت ندارم. من به زبون خوش راضی شدم بیام، ازش پرسیدم جنسامو می‌گیری یا نه؟ گفت: به قرآن مجید نمی‌گیرم. فقط بیا خودتو کار دارم، منم رفتم. نه تنها وسایلمون رو گرفت که هیچی به

پس گردنی محکم هم بهم زد، اون موقع ۱۳ سالم بود. خلاصه مارو گرفت انداخت تو ماشین شهرداری، رسیدیم اونجا گفت وایسا تا زنگ بزnm بهزیستی بیاد ببره تو رو. این بنده خدا از این اتاق رفت تو اون اتاق، منم از پنجره در رفتم.

- **هیچ وقت اون موقع از خودت پرسیدی چرا باید در بری؟ یا بگیرنت؟**
به قول خودشون دارن تمیز کاری می کنن، شهر رو زیبا می کنن. ولی هر کاری تو ایران می خوایم بکنیم نیومدیم اصولی انجام بدیم.

- **بچه بودی از کار کردن خسته می شدی؟**
خیلی. به ما هیچکس ماهیگیری رو یاد نداد. زمانی که بچه تو تایی ها (اقوام غیرکولی ها) به دنیا میاد، مادرشون مثل یه پشتوانه ی خیلی خوب بهشون رسیدگی می کنه، باباشونم که بیرون سرکار وقتی میاد خونه یه اعصاب فولادی داره که با بچه بازی می کنه، بعد بچه که بزرگتر شد میره مهدکودک، پیش دبستانی تا دانشگاه، از قبل تولد حواسشون به بچه هست. تو قوم ما چون که زود ازدواج می کنیم، اول بچه باید بیاد، بعد دنبال زندگی بریم. تایی ها زن نگرفته دنبال اینن که آرامش پیدا کنن بعد زن بگیرن بعد از چند سالی که از ازدواجشون گذشت تازه بچه دار میشن و برنامه ی بچه رو کامل ریختن قبل از اینکه بیاد، ولی ماها اینطوری نیستیم، از اول زندگی تو یه اتاق ۹ متری که آشپزخونه هم همون تو هست. برای آشپزی و گرم کردن خونه از گاز تک شعله استفاده میشه، با کلی خطراتش، گاز گرفتگی و سوختگی و ... همه ی بچه ها کنار هم، تو اون خونه همه آسیبی وجود داره، همه چیو می بینن. از آزار و اذیت جنسی، تو سری خوردن، آزار و اذیت فردی. وقتی هم که بچه ها میرن مدرسه از همون اول هیچ کسی رو نمی تونن بیارن تو خونه هاشون و رفاقت کنن. چون تایی ها دارن تو آپارتمان زندگی می کنند که همه ی فرهنگ هاشون با مال ما فرق داره. هنوزم که هنوزه بچه های ما تو یه اتاق زندگی می کنن و فرهنگ خودشون اونجا وجود داره. این زنجیره که باعث میشه کسی نیاد و کسی نره باعث ایجاد مشکلات میشه و یکی از مشکلاتم رابطه ی جنسی برای فرزند آوردنه که مادر پدر، هر کاری کنن بازم بچه ها یه بارم شده می بینن، که خودش باعث بلوغ زودتر میشه.

- **دوست داشتی چی کار کنی به جای کار کردن؟**
تفریح کنم. برم پارک، اسباب بازی می خواستم. یه بچه رو می دیدم پشت ماشین نشسته با باباش داره میخنده حسرت میخوردم که چرا اون اونجاست من اینجام.

- **چند سالت بود این سوالا واست شکل می گرفت؟**
از بچگی

- **الان شغلت چیه؟**
مددیار سازمان پزشکان بدون مرز هستم. با بچه های غربتی بیشتر کار می کنم که بچه های خودمونن، آموزش، بهداشت یا شناسایی آسیب گروهمون. پزشکان بدون مرز کار جالبی که کرده از تو هر جامعه ای یه نفر رو برداشته آورده، مثلاً برای کار ترک اعتیاد یکی از بچه هایی که قبلاً مصرف کننده بوده رو گذاشته تا بتونه ارتباط موثری برقرار کنه.

- **چیکار می کنی؟**
تا حدودی، آموزش بهداشت فردی، برای گروه غربتی ها. و اگه تو اون گروه کسی رو بخوان، تو اون جامعه من بهتر می تونم پیدا کنم. یا اینکه بگم تو کجای محله بچه های غربت می شنین، کجاش خلافاکاره و...

- **به قوم خودتون میگی غربتی؟**
کولی بهشون میگن غربت بهشون میگن، خیلی ها میگن از هندی می ولی من به شخصه قبول ندارم، چون هیچ وقت ایران نیامد به راحتی شناسنامه بده و یکی رو بپذیره. پس اینکه از هند اومدیم مشهد و از مشهد اومدیم سبزهوار و بعد اومدیم شمال، یه پروسه ای هست که توش خیلی حرفه و به شخصه قبول ندارم. الان افغانستانی ها رو نیگا کنین.

چیز ساده‌ای که میشه گفت اینه؟ الان چندساله تو ایران هستن؟ هنوز اتباع حساب میشن و دولت به راحتی بهشون شناسنامه نداده. بچه‌های ما خودشون رو می‌چسبونن به هندی و نمیدونن با اینکار اصلتشونو از دست میدن، من ۴ تا ۵ نسلمو دارم و میدونم چه کسی هستن، کارمون چوب بوده. با آهنگری و از این شهر به اون شهر می‌رفتیم ولی از هند نیستیم من میدونم ۱۵۰ ساله تو مازندرانیم.

اگه بخوای یه ذره از سطح خودت بالاتربری و واقعیت‌ها رو بگی خیلی تو سری می‌خوری. وقتی حقیقت یه چیزایی رو می‌فهمی، سخته دیگه واست یه سری چیزا رو قبول کنی.

- این که موضوعی هست که با مطالعه درست یا نادرستی رو می‌تونی تشخیص بدی. ویژگی کولی‌ها چیه؟ طایفه‌های متفاوتی دارن، بخشی‌شون کارشون با چوب بوده برخی کارشون آهنگری بوده یه بخششون هم کلا کارشون کشاورزی بوده.

- خودشون زمین داشتن؟ نه رو زمین بقیه کار می‌کردن، بیشتر کارگر بودن. کلا با کارگری پول در میاریم. با کارهای ساده و دستمزد پایین.

- چرا خودشون زمین نداشتند؟ به فکر این چیزا نبودن بیشتر خوشگذرون بودن و به فکر فردا نبودن. یکی از دلایلی که باعث شده به فکر چیزی نباشن بحث اون سواد هست. از جامعه‌ی دورن خودمون یه زنجیره درست کردیم و نه فرهنگ میومد و نه می‌رفته بیرون. و بیشتر وصلت‌هامون با خودمون بوده و یه قرن عقب هستیم، چرا که از نظر روابط اجتماعی، کار هنوز تو همون دوره گیر کردیم و هنوز مرد سالاری خیلی حرفه برای خودش. تا زمانی که توی خانواده فرد باسوادی نباشه، نباید انتظار داشته باشیم، بچه باسواد بار بیاد. چون در نهایت اون بچه به بزرگترش نگاه می‌کنه.

- کولی بودن خوبه یا بده؟ از اینکه بچه‌ها هیچی نمی‌بینن بده.

- شما ازدواج می‌کنید خانم‌ها تون باید کار کنن؟ یه بخشیشون آره. بستگی به طایفه‌ها دارن. ما نمی‌تونیم با تایی‌ها وصلت کنیم. مثلاً من می‌خوام برم یه زن تایی بگیرم. حساب کتاب می‌کنن خیلی ساده. اگه من این تایی رو گرفتم و من رو قبول کرد بعد چی بهش بگم. بلاخره میاد منو تو قومیتیم میبینه دیگه. تو سری خور میشم. چقد میتونم دووم بیارم؟! اگه بخوای یه ذره از سطح خودت بالاتربری و واقعیت‌ها رو بگی خیلی تو سری می‌خوری. وقتی حقیقت یه چیزایی رو می‌فهمی، سخته دیگه واست یه سری چیزا رو قبول کنی.

- مثل چی؟ کار کردن بچه‌ها.



- **حقیقتش چیه؟**
متنفر شدم از اینکه بچه بره سرکار، چرا نتونه رفیقاشو بیاره خونه کلی رفیق خوب داشته باشه. بچه باید بتونه چیزای مختلف داشته باشه. بتونه بازی کنه، درس بخونه.
- **بچه‌ی خودت سرکار میره؟**
نه
- **هیچ وقت نرفته سرکار؟**
نه
- **ممکنه بره؟**
اگه خدا راضی بشه دوس ندارم هیچوقت بره
- **چند سالشه؟**
۶ سال
- **چیکار می‌کنه؟**
درس می‌خونه. روی درسش هم خیلی حساس هستم. پیش دبستانی هست. ژیمناستیک هم میره. تا جایی که تونستم عقده‌هایی که خودم داشتم، جاهایی که نرفتم سعی کرد ببرمش. مثل کوه، سفر، تا اونجایی که بتونم و وقت کنم میبرمش. هرچیزی رو باید تو سن خودش به دست بیاری.
- **۱۰ سال دیگه چشم‌انداز زندگیت چطوره؟**
دلم می‌خواد برم شهرستان یه کار رو شروع کنم. دلم می‌خواد مرغداری درست کنم. الان طرز فکرم اینه. شایدم کلا از غربت رفتم. اولویت اول من درسه، بچه‌ی من باید درس رو از من ببینه. چون من تا دوسال دیگه میتونم به سوالاتش جواب بدم و سه سال بشه دیگه از لحاظ علمی نمی‌تونم.
- **فکر می‌کنی که برای کولی‌ها چه کار میشه کرد تا تغییر به وجود بیاد؟**
من واقعا دلم می‌خواد بیایم دست به دست هم بدیم تا زندگی ما هم مثل باقی مردم بشه. چون زندگی کردن تو شرایطی که باقی مردم می‌کنن، خیلی خوبه. خیلی چیزا از اینکه فرهنگ ما هنوز به سطح روال عادی نرسیده، مساله میشه. یارو هنوز میگه تا پنجم ابتدایی درس می‌خونه، خیلیه. سطح علمی بچه‌ها خیلی پایینه. تو خانواده‌ها باید بیایم از خود بزرگترها شروع کنیم. مثلا از دهه‌ی هفتادی‌ها شروع کنیم. چون می‌پذیره، با هزار و یک چیز باید بتونیم انجامش بدیم، تایم طولانی باید واسش بذاریم. تا تغییر تو زندگی ما هم به وجود بیاد.
- **آرزوت چیه؟**
دوست دارم قوم غربت مثل باقی مردم زندگی کنن. تو قوم غربت حکومت دست باباست پولاً همه دسته اون میاد. البته بعضی‌هاشونم پول دارن ولی بحث من اون فرهنگه هست که ندارن. من دوست دارم هر کسی میاد برای غربت‌ها کار کنه یه فن و یا فعالیتی رو به اونا یاد بده.



در جست و جوی نان با دبستانی کوچک

لیلا عبدالکریمی؛ مدیر داخلی مرکز همه کودکان

اهمیت دوره‌ی پیش دبستانی

دوره‌ی پیش دبستانی به دوره‌ای اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی ۶ سال را تحت پوشش برنامه‌های تربیتی قرار می‌دهد. شش سال اولی‌های زندگی کودک سال‌هایی حساس هستند زیرا میزان رشد در این سال‌ها نسبت به مراحل دیگر رشد، سرعت بسیار بیشتری دارد. پیش دبستانی یکی از مقاطع تحصیلی مهم برای کودکان است که در آن به کودکان مفاهیم و مطالب مورد نیاز برای ورود به مدرسه آموزش داده می‌شود. در گذشته والدین کلیه‌ی فرآیند آموزش کودکان را بر عهده داشتند؛ در حالی که امروزه با توجه به مشغله‌ی والدین و اهمیت آموزش؛ مراکز تاسیس شده‌اند که خدمات آموزش به کودکان را بر عهده دارند. خانواده‌های مناطق تحت پوشش مراکز انجمن اغلب از نظر فرهنگی و اقتصادی نیاز به حمایت دارند. به همین دلیل لزوم این مقطع تحصیلی در بین خانواده‌های تحت پوشش بیشتر محسوس است. در برنامه‌ی پیش دبستان انجمن، می‌بایست به فرهنگ بومی، محلی توجه شود. وقتی کودکان خردسال به مراکز آموزش و پرورش دوره‌ی پیش از دبستان راه می‌یابند، خواهران بزرگتر آنها نیز آزادی بیشتری دارند و بدون نگرانی برای سرپرستی و مراقبت از آنها می‌توانند در مدارس عادی حضور پیدا کنند. بنابراین، آموزش و پرورش دوره‌ی پیش از دبستان به طور غیرمستقیم تاثیر مثبتی بر ورود به مدارس دختران خواهد داشت. از طرفی والدین کودکان مناطق محروم که اکثریت بی‌سواد هستند و محدودیت‌های بیشتری را متحمل می‌شوند، به ضرورت آموزش و پرورش برای کودکان بیشتر پی می‌برند. والدینی که توانایی تعامل موثر و مفید با کودکان خود را ندارند و نمی‌توانند به رشد مطلوب و مناسب گفتار و مهارت‌های شناختی کودک خود کمک کنند.

اهداف دوره‌ی پیش دبستانی

هدف اصلی از برگزاری آموزش پیش از دبستان رشد همه‌ی جنبه‌ی کودکان است؛ به همین دلیل این دوره باید از برنامه و فعالیت‌هایی تشکیل شود که در کنار پر کردن اوقات فراغت کودکان، باعث رشد ذهنی، رشد جسمی و حرکتی و رشد اجتماعی آنها شود. یکی از اهداف پیش دبستانی‌ها بهبود فرآیند رشد جسمی کودکان است. رشد جسمی و حرکتی کودکان به طور معمول تحت تاثیر عواملی اعم از شرایط عمومی بدن، وضعیت تغذیه، تحرک و تمرینات ورزشی قرار دارد. با توجه به معاینات پزشکی چند سال اخیر در مرکز همه‌ی کودکان، کم خونی، کمبود ویتامین D، کمبود کلسیم و پوسیدگی‌های دندانی از مشکلات رایج کودکان در این منطقه است. رسیدگی زود هنگام به وضعیت تغذیه بهداشت عمومی، واکسیناسیون و رشد جسمی کودکان، در سلامت بزرگسالی و روند تحصیلی آنان تاثیر به سزایی خواهد داشت.

کودکان در دوره‌ی پیش دبستانی می‌آموزند تا چگونه با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار کنند و خود را با جامعه تطبیق دهند. همچنین کودکان در این سنین علاقه بیشتری به ارتباط با بزرگترها نشان می‌دهند. از طرفی نحوه‌ی برخورد با کودکان در این دوران در اعتماد به نفس آنها نیز تاثیر زیادی دارد. یکی از اهداف کلی آموزش در پیش دبستانی‌ها افزایش اعتماد به نفس و رشد اجتماعی و عاطفی کودکان است. شرایط اجتماعی این منطقه از نظر نوع سکونت، تعداد افراد خانوار، بی‌سوادی والدین، کمبود آموزش‌های محیطی، محدودیت‌های شغلی و اجتماعی والدین و کار کردن کودکان در این خانواده‌ها در این زمینه بسیار موثر است. آموزش‌های این دوره می‌تواند آمادگی رشد را در دوره‌ی ابتدایی تسهیل کند. به طور کلی می‌توان گفت آموزش پیش از دبستان بر سازگاری عاطفی و اجتماعی کودکان به طور چشمگیری موثر است.

کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن

اغلب کودکانی که در مرکز همه‌ی کودکان تحت پوشش قرار گرفته اند، به دلیل سن کم با یکی از اعضای خانواده و در خیابان‌ها مشغول به دست‌فروشی هستند. بنابراین ساعات کاری مشخصی ندارند و حتی گاهی اوقات از صبح تا ساعات پایانی شب را در خیابان می‌گذرانند.

بارها اتفاق افتاده است که جست و جوی نان آن هم با دبستانی کوچک در لابه لای خودروها با حادثه‌ی مرگبار رقم خورده است. حادثه‌ها برای کودکانی کوچک از این دست کم نیست و از همه مهمتر آسیب‌هایی است که آینده‌ی فکری آنان را تباه می‌کند.

آسیب‌های ناشی از آن عبارتند از:

- ۱- از دست رفتن فرصت‌های آموزشی
- ۲- مهیا شدن فضا برای استفاده از کودکان در فعالیتهای اقتصادی خانواده
- ۳- بروز مشکلات جسمی و بی‌توجهی به بهداشت کودک به دلیل شرایط محیطی خارج از منزل (گرما و سرما، حوادث، تصادفات و آلودگی‌های محیطی)
- ۴- قرار گرفتن در معرض رفتارهای پر خطر و سوء استفاده‌های جسمی



کودکانی که در خیابان کار می‌کنند اغلب رفتارهای کینه‌توزانه و یا خصمانه از خود نشان می‌دهند. آنها خود را با کودکان درون اتومبیل مقایسه می‌کنند و زمینه‌ی خشم در آنها نسبت به افرادی که در ماشین‌های خود بر سر چهارراه‌ها توقف کرده‌اند و از آنها حمایتی نمی‌کنند، ایجاد می‌شود. همچنین زمینه‌ی ایجاد اختلال شخصیت ضد اجتماعی در سطوح بالاتر در این کودکان وجود دارد، گاهی کودکان کار با قوانین سر جنگ دارند و یا به فکر آسیب رساندن به دیگران هستند، در واقع احساس حقارتی را تجربه می‌کنند که برای پوشش دادن به این احساس حقارت دست به رفتارهایی می‌زنند که مثبت و پسندیده نیست.

بارها اتفاق افتاده است که جست و جوی نان آن هم با دستانی کوچک در لابه لای خودروها با حادثه‌ی مرگبار رقم خورده است. حادثه‌ها برای کودکانی کوچک از این دست کم نیست و از همه مهمتر آسیب‌هایی است که آینده‌ی فکری آنان را تباه می‌کند. اغلب این کودکان دارای والدینی هستند که مشکلات مالی دارند و از نظر فرهنگی به مشکلات و آسیب‌های کار کردن کودکان واقف نیستند. بنابراین ندانسته از کودکان‌شان سوءاستفاده مالی می‌کنند. تا زمانی که عواملی که در گسترش فقر تأثیرگذارند و باعث می‌شوند کودک در این سن مجبور شود به خیابان بیاید و به صورت طولانی مدت کار کند و آسیب جسمی و روحی ببیند، مدیریت نشود، ما به اشکال مختلف کودکان کار را در خیابان خواهیم داشت. این در حالی است که کودکانی که در محیط‌های بسته مشغول به کارند، شرایط بدتری خواهند داشت که از چشم دیگران هم پنهان خواهد ماند. در این صورت برای این کودکان خیابان امن‌تر از جاهای دیگر خواهد بود. نگاه واقع‌بینانه این است که کودک باید در دوران کودکی بچگی کند، و این در حالی است که کودکان کار، کودکی را تجربه نکرده‌اند، بنابراین طبیعی است که در آینده کمتر بتوانند در چرخه‌ی توسعه‌ی کشور نقش موثر، سازنده و پایداری داشته باشند.



در شهر بم، مساله‌ی کار کودکان در گذر از حادثه‌ی زلزله، دوران بازسازی و تبعات ناگزیر از بحران که بر شهر بم اثرگذار بود، شدت یافت. به نظر می‌رسد بعد از بحران‌ها، کمیت کودکان کار نیز به دلیل شکل‌گیری اقامتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌های شهر افزایش می‌یابد، انجمن از روزهای آغازین زلزله‌ی بم در این شهر تاسیس شد و خدمات آن تاکنون جاری است، بحران خون‌بار بم و حوادث اجتماعی ناگزیر پس از بحران، شرایطی مغایر با سایر نقاط کشور در این شهر رقم زد و به‌طور عموم کودکان، به دلایل مختلفی از جمله: فقر، عدم وجود فضای بازی و نشاط، آموزش، خانواده‌های افسرده و داغ‌دیده درگیر با چندین مساله‌ی اجتماعی شدند که شرایط جغرافیایی خاص منطقه از جمله قرار گرفتن در مسیر ترانزیت مواد مخدر آن را شدت بخشید و متأسفانه برخی از والدین معتاد، تعدادی از کودکان را به ورطه‌ی اعتیاد نیز کشاندند، که خوشبختانه انجمن تعداد زیادی از این کودکان را از این سیلاب نجات داده است. در حال حاضر انجمن حمایت از کودکان کار در مرکز بم تعداد ۲۶۹ کودک را در رده‌ی سنی ۶ تا ۱۸ سال تحت پوشش قرار داده و به‌طور مجموع از این تعداد ۱۷۰ کودک کار و مابقی کودکان در معرض آسیب و کار هستند کودکان کار تحت حمایت در مرکز بم در حال حاضر در کارهای فروشندگی، جمع‌آوری و بسته‌بندی خرما و پرتقال کارهای مربوط به درخت خرما (گرد افشانی، هرس کردن و خوشه‌بندی)، قالی‌بافی، جمع‌آوری ضایعات، شاگرد تعمیرگاه و متأسفانه تکدی‌گری مشغول هستند.

به‌طور عموم افراد آسیب‌دیده‌ی اجتماعی درگیر اعتیاد، آزار جسمی و جنسی، افسردگی و روان‌پریشی هستند و در این راستا تمرکز انجمن بر آموزش‌های اجتماعی و تلاش برای عدم بازماندن از تحصیل، پیشگیری از سوء تغذیه و آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی کودک و آموزش خانواده‌ها است.

مهم‌ترین نیاز انجمن حمایت از کودکان کار در شهر بم، حمایت نیکوکاران از پیشرفت برنامه‌های آموزشی و حمایت‌های تحصیلی، تامین شادی و فضای بازی کودک، تامین مکان آموزشی، تجهیزات و امکانات لازم اداری و آموزشی، حمایت از خوراک کودک، تامین غذای گرم، هزینه‌های تامین نیروی انسانی و متخصص به‌خصوص در حوزه‌ی روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی و تامین هزینه‌های جاری و درمانی کودکان است.

کودکان کار تحت حمایت در مرکز بم در حال حاضر در کارهای فروشندگی، جمع‌آوری و بسته‌بندی خرما و پرتقال کارهای مربوط به درخت خرما (گرد افشانی، هرس کردن و خوشه‌بندی)، قالیبافی، جمع‌آوری ضایعات، شاگرد تعمیرگاه و متأسفانه تکدی‌گری مشغول هستند.



کودکان کار در کارگاه با مشکلاتی چون درآمدهای ناچیز فقدان ایمنی در محیط کار اضافه کاری اجباری، خشونت فیزیکی و لفظی از طرف کارفرما و کارگران ماهر (ضربه به سر پرتاب قیچی و هر نوع شی دیگری، فحش و ناسزا از طرف ایشان) در زمانهایی که کودک قادر نشده تا کار خود را به خوبی انجام دهد.

از یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۶، مرکز بازار انجمن حمایت از کودکان کار با هدف حمایت از کودکان کار مشغول به کار در محدوده بازار تهران تاسیس شده و سیزده سال سابقه‌ی خدمات‌رسانی به کودکان کار تحت حمایت خود را در کارنامه‌ی کاری خود دارد. چهار معلم و یک مددکار اجتماعی، یک روانشناس، یک مسوول آشپزخانه و خدمات، یک نفر مدیر داخلی یعنی ۹ نفر منابع انسانی موظف به ارائه‌ی خدمات به کودکان کار هستند. همچنین ۱۷ نفر عضو داوطلب نیز در کنار پرسنل انجمن در بخش‌های مختلف به کودکان ارائه خدمات می‌کنند.

کودکان کار دارای طیف سنی ۱۲ الی ۱۸ سال مشغول به کار در فعالیت‌های کارگاه‌های تولیدی، مراکز فروش، انبارها و کودکانی که به کار چرخ‌کشی یا باربری در بازار می‌پردازند. از مهم‌ترین گروه‌های هدف مرکز بازار هستند که به‌طور عموم از ساعت هشت صبح الی ده صبح به مرکز بازار مراجعه می‌کنند و در کلاس‌های درسی حاضر شده، در زمان استراحت بین کلاس صبحانه می‌خورند و به صورت مستمر از خدمات بخش مددکاری و روان‌شناسی استفاده کرده و در میان روز نیز مجدد به مرکز مراجعه کرده و ناهار گرم میل می‌کنند. نظر به اینکه کودکان مشغول در محدوده بازار تهران پس از ساعت ده صبح به هیچ عنوان امکان حضور در مرکز را ندارند دو ساعت اول صبح همه‌ی فضاهای آموزشی به ایشان اختصاص داده شده است و سایر کودکان کار که شغل‌های دیگری دارند در این ساعت پذیرش نمی‌شوند.

کودکان باربر یا چرخ‌کش

کودکان باربر یا چرخ‌کش در سطح بازار تهران اغلب بدون خانواده هستند و همراه یک بزرگسال که اغلب پدر یا فردی از اقوام وی هستند در محیط‌های انبار و نگهداری پاساژهای موجود در بازار شب‌ها اسکان دارند. محدودیت ساعت زمانی از مهم‌ترین مشکلات خدمات‌رسانی به کودکان کار این مرکز است زیرا برخی از ایشان بایستی از ساعت ۹ صبح در محل کارشان حضور یابند و کارفرماها همکاری لازم را با آنان ندارند و مخالف حضورشان در محیط آموزشی هستند. همچنین آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از کار دوری از خانواده، محروم بودن از حقوق شهروندی، رفاه خانه و سایر آسیب‌ها متوجه آنها است. کودکانی که به کار باربری و چرخ‌کشی مشغول هستند، روزانه بارهای بسیار سنگینی را جا به جا می‌کنند که به مچ دست، کمر و زانوهای آنها بسیار فشار می‌آورد. ایشان دستمزد خیلی کمی دریافت می‌کنند و مجبورند بار بیشتری را حمل کنند تا مبلغ دریافتی بیشتر شود بنابراین فشار جسمی وارد شده بیشتر می‌شود. گرمای هوا در فصل تابستان با حمل بار سنگین فشار وارده را مضاعف کرده و همچنین در برخی اوقات کارفرماها دستمزد مقرر شده را پرداخت نکرده و به چالاش و خشونت منجر می‌شود. همچنین سرعت بار و یا چرخ ایشان و مسوولیت پاسخگویی به صاحب مال مسروقه و صاحب چرخ از دیگر مشکلات این کودکان است. سبک زندگی ایشان تمرکز بالایی بر کار کردن دارد و تا پاسی از شب منتظر و آماده‌ی انجام کار هستند و فعالیت دیگری فکر نمی‌کنند و سایر جنبه‌های شخصیتی و فکری و مهارتی ایشان غیرفعال و راکد می‌ماند و هویت شکل گرفته نیز به عنوان باربر همیشه ثابت و غیرقابل تغییر می‌ماند. در این راستا انجمن می‌بایستی تلاش بسیاری کند تا بتواند این نوع ذهنیت و یا سبک زندگی را تغییر بدهد.

کودکان کار در کارگاه

گروه دیگری از کودکان کار در محدوده بازار تهران کودکانی که در کارگاه‌های تولیدی لباس، کیف، کفش و ... مشغول به کار هستند که ساعت کاری ایشان از ساعت هشت صبح تا هفت عصر است. که به‌طور عموم تا ساعت ۹ یا ده صبح قادر به تحصیل در انجمن هستند. با مشکلاتی چون درآمدهای ناچیز، فقدان ایمنی در محیط کار، اضافه کاری اجباری، خشونت فیزیکی و لفظی از طرف کارفرما و کارگران ماهر (ضربه به سر، پرتاب قیچی و هر نوع شی دیگری، فحش و ناسزا از طرف ایشان) در زمانهایی که کودک قادر



نشده تا کار خود را به خوبی انجام دهد. همچنین مصرف مواد مخدر توسط افراد معتاد و شیرهای در کارگاه‌های سرپوشیده مقابل چشمان کودکان انجام می‌شود و موجب بوخوره شدن کودکان شود. بوخوره شدن یعنی پس از اینکه مدت طولانی بوی مواد را استشمام می‌کنند کودک تمایل پیدا می‌کند که این کار را تجربه کند و متأسفانه تجربه می‌کند. کودک سال‌های زیادی به پادویی و وسط‌کاری در کارگاه‌ها می‌گذراند و آسیب‌های زیادی را متحمل می‌شود تا برخی اوقات بتواند در رشته‌ی خاصی در کارگاه مذکور مهارت کسب کند و به استاد کاری برسد. کارفرماها به‌طور معمول بعضی مهارت‌ها را آموزش می‌دهد تا کودک همواره به آنها وابسته و نتواند به استقلال کاری و حرفه‌ای دست یابد و به صورت روز مزد حداقل دستمزد را به ایشان پرداخت می‌کنند.

کودکان دست‌فروش

سایر کودکان کار دارای طیف سنی ۹ الی ۱۵ سال که به شغل‌های گل‌فروشی و فال‌فروشی و دست‌فروشی در محدوده‌ی بازار و نواحی نزدیک به آن یا سایر نواحی شهر تهران مشغول هستند از ساعت ۱۰ تا ۱۴ در مرکز پذیرش می‌شوند و خدمات مشابه گروه قبلی را دریافت می‌کنند. نظر به اینکه ساعت کاری در اختیار خود ایشان است می‌توانند در ساعت یاد شده از خدمات حمایتی و آموزشی مرکز استفاده کنند. این گروه از کودکان همراه خانواده‌ی خود در خانه، زندگی می‌کنند. آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از کار در سطح شهر و محروم بودن از دوران خوش کودکی و حقوق شهروندی متوجه ایشان است. مهم‌ترین مشکلات این گروه ساعات طولانی کار در خیابان‌ها و قرار گرفتن در معرض آسیب‌های متعدد است. آسیب‌هایی چون: سوء استفاده‌ی جنسی توسط رهگذران و خودروهای عبوری که با اغفال کودکان و پرداخت پول به آنها صورت می‌گیرد و در برخی موارد استمرار نیز دارد این مورد در خصوص کودکان دختر به تأیید رسیده است. نوجوانان و بزرگسالانی که در خیابان‌ها و چهارراه‌ها نیز کار دست‌فروشی می‌کنند از عوامل سواستفاده جنسی و آزار کودکان خردسال هستند. کودکانی که در خیابان‌ها کار می‌کنند خیلی زود با مصرف سیگار آشنا می‌شوند و به اختیار خود یا به اجبار همسالان به مصرف سیگار، استنشاق بنزین و چسب می‌پردازند. استعمال سایر مواد مخدر نیز به پیرو آن ایجاد می‌شود. از سایر آسیب‌هایی که متوجه این گروه از کودکان کار است می‌توان دعوت خودروهای عبوری از ایشان برای صرف غذا در مکانی خاص مثل رستوران و منزل و یا دور زدن در خیابان‌ها اشاره کرد که آسیب‌های مختلفی چون سواستفاده‌ی جنسی، تغییر فرهنگ مصرفی کودکان در خوراک و پوشاک، حس تضاد طبقاتی و انجام تجربه‌هایی است که کودک می‌آموزد که می‌تواند بیرون از کانون خانواده و در خیابان‌ها نیز می‌تواند شب‌ها را گذرانده و آغازگر فرار از منزل توسط کودکان باشد. از دیگر تجربیات کودکان در خیابان‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد که برخی از مردم کودکان کار را به فروشگاه‌هایی می‌برند تا مایحتاج زندگی برای ایشان خرید کنند و پس از انجام خریدهایی با قیمت‌های بالا و بازگشت فرد خریدار در برخی اوقات فروشنده، کالاها را از کودکان بازستانده و یا سایر فروشگاه‌ها به صورت نیم‌بها آنها را از کودکان می‌خرند و کودکان با مسائلی دیگر مواجه می‌شوند. همچنین مهم‌ترین آسیبی که کودکان دست‌فروش در سطح شهر تحمل می‌کنند تعقیب و گریزهای انجام شده توسط ماموران شهرداری که چنانچه به دستگیری کودک منجر شود با خشونت و ضرب و شتم فجیعی منجر شده و گاهی اوقات با دریافت پول کودک را آزاد کرده و یا با زور با خود برده و به بهزیستی تحویل داده می‌شوند. در برخی اوقات کودک وحشت کرده و با اقدام به فرار سریع دچار تصادف و آسیب دیدگی شدید می‌شود. به گفته‌ی کودکان بهزیستی شبیه به زندان است و امکانات رفاهی حداقلی دارد.

گاهی اوقات خانواده‌های کودکان کار کودکان دست‌فروش را با اختیار و موافقت ایشان به کار می‌فرستند و گاهی با اجبار و ضرب و شتم این کار را می‌کنند. در چنین مواردی چنانچه کودک شب‌ها نتواند با پول به خانه برگردد توسط والدین تنبیه شده و یا به منزل راه داده نمی‌شوند. بنابراین کم‌کم می‌آموزد که چنانچه نتواند پول لازم را در بیاورد به خانه بازنگشته و کارتن خواب می‌شود.

متأسفانه برخی از کودکان کار که به کار دست‌فروشی و تکدی‌گری مشغول هستند و آسیب‌های جسمی و روحی شدیدی را تجربه کرده‌اند به واسطه‌ی ارتباط با برخی گروه‌های بزهکار و ناباب و عضویت در این گروه‌ها به کارهایی چون سرقت، جیب‌بری، کیف‌قاپی



سرقت موبایل و ... می‌پردازند. با خطراتی چون دستگیری توسط پلیس، تصادف و مرگ یا قطع اعضای بدن در اثر افتادن از روی موتور و ضرب و شتم توسط مردم و یا آسیب دیدن توسط گروه‌های بزهکار مواجه هستند.

کودکان زباله‌گرد

عده‌ای دیگری از کودکان کار بچه‌های زباله‌گرد هستند که از صبح تا پاسی از شب در خیابان‌ها با سرک کشیدن به سطل‌های زباله اقدام به جمع‌آوری کارتن، قوطی، پلاستیک و ... می‌کنند و پس از جمع‌آوری مقادیر قابل توجهی آنها را در قبال دریافت مبلغ ناچیزی به افراد خاصی که در این خصوص فعالیت می‌کنند تحویل می‌دهند. این گروه نیز با آسیب‌های جسمی و روحی و جنسی و بیماری‌های ناشی از آلودگی‌های زباله‌ها یا فرو رفتن سوزن سرنگ و ضایعات عفونی بیمارستان‌ها مواجه می‌شوند که سلامت آنها را به خطر می‌اندازد.

کودکان کار بازار گل

گروه دیگری از کودکان کار که در بازار گل مشغول به کار هستند و دارای طیف سنی ۹ الی ۱۵ سال هستند و از ساعت ۴ صبح تا ساعت ۱۳:۳۰ به کار مشغول هستند در شیفت سوم مرکز یعنی از ساعت ۱۴ الی ۱۶ در مرکز حضور داشته و از خدمات حمایتی و آموزشی موجود استفاده می‌کنند این گروه از کودکان نیز اغلب بدون خانواده و همراه یک نفر بزرگسال که پدر یا فردی از اقوام است زندگی می‌کنند. آسیب‌های جسمی و روحی و دوری از خانواده و محرومیت از حقوق شهروندی متوجه ایشان است. کودکان یاد شده نیز با بزرگسالان در اتاق‌های کوچک به صورت گروهی زندگی می‌کنند و حتی شب‌ها نیز فاصله‌ی بسیار کمی در محل خواب خود با بزرگسالان می‌خوانند و هر نوع مشکلی برایشان ممکن است پیش آید. این کودکان کار به کار حمل گل در بازار توسط چرخ می‌پردازند. مسوولان در قبال لباس فرمی که به آنها می‌دهند پول زیادی می‌گیرند و آنها را اذیت می‌کنند. در بسیاری موارد دستمزد آنها پرداخت نمی‌شود و یا بسیار کم پرداخت می‌شود. در هنگامی که با کارفرماها یا افراد ایرانی دعوایشان می‌شود نمی‌توانند حقشان را بگیرند.

گزارش مددکاری اجتماعی مرکز بازار انجمن حمایت از کودکان کار

تعداد کودکان تحت حمایت این مرکز در سال تحصیلی جاری تا کنون ۱۸۱ کودک است. که از این تعداد ۱۳۸ کودک در مرکز مشغول به تحصیل هستند و ۴۳ کودک پس از تحصیل در مقاطعی از انجمن موفق به ثبت نام در مدارس دولتی شده و از سوی مرکز نیز حمایت می‌شوند.

از میان کودکانی که مشغول به تحصیل در مرکز (۱۳۸ کودک) هستند ۱۳۱ نفر کودک کار هستند و ۷ کودک در معرض آسیب هستند. که دارای شغل‌های متعددی چون شاگرد خیاطی، شاگرد مغازه، دست‌فروشی، اسپند دودکنی، شیشه پاک‌کنی، چرخ‌کشی، حمل بار، کارگر ساختمانی، پادویی و ... هستند. هر یک از شغل‌های یاد شده آسیب‌های خاص خود را برای کودکانی که در کارگاه‌ها مشغول به کار بوده و دارای کار به نسبت مشخصی هستند، دارد. با توجه به موقعیت‌هایی که دارند. به شرح ذیل می‌توان مسایل و مشکلات آنها را مطرح کرد:

رعایت نکردن ضوابط و قوانین و مقررات قانون کار از جمله پرداخت نکردن حقوق به‌موقع نداشتن ابزار ایمنی در محیط کار، نداشتن بیمه، رعایت نکردن ساعت کاری، اضافه‌کاری اجباری، پرداخت حقوق ناچیز، بد رفتاری و توهین همراه با کتک زدن کودک از طرف استاد کار و کارفرما موجب آسیب روحی و روانی کودک می‌شود. خستگی مضاعف از کار زیاد، نداشتن محیط کاری مناسب و بهداشتی، جلوگیری از تحصیل کودک توسط کارفرما، آسیب‌هایی را به کودک وارد می‌کند که شامل اعتیاد کودک و آزار و اذیت و در بعضی مواقع مورد تجاوز قرار گرفتن کودک توسط استاد کارها در کارگاه‌ها است. عمده‌ی مشکلات کودکان نداشتن مدارک هویتی از جمله پاسپورت، کارت اقامت، کار طاقت‌فرسا و اضافه‌کاری اجباری، پایین بودن دستمزد و ساعت کار بالا، آزار جنسی و روحی و روانی و جسمی، محروم شدن از تحصیل به علت کار کردن و خستگی ناشی از کار است.



گزارش روان‌شناسی مرکز بازار انجمن حمایت از کودکان کار

با توجه به مصوبات منع کار کودک در کشور برای حمایت از کودکان و نوجوانان و پیشگیری از هر گونه آزار روانی و جسمی که در فرآیند رشد کودک آسیب وارد می‌کند، باید توجه ویژه انجام شود و در این راستا مرکز بازار انجمن حمایت از کودکان کار، طبق ضرورت‌های مورد نیاز کودکان و بررسی‌های انجام شده، مصاحبه و مشاوره‌های متعددی که برای رفع مشکلات و ارتقای سلامت روان کودکان انجام می‌گیرد.

همان‌طور که می‌دانیم مشکلات اقتصادی و فقر فرهنگی در بدو ورود کودکان به مرکز قابل رویت است که در گفتار و عدم شناخت‌های ابتدایی مانند آشنا بودن به احساسات خود و عدم شناخت رنگ‌ها و شکل‌ها و ... دیده می‌شود که با برگزاری کارگاه‌های کلاسی و مشاوره‌های گروهی برای تامین نیازهای اولیه‌ی شناخت خود و خودآگاهی و خودابرازی انجام می‌گیرد. این آموزش‌ها بعد از چندین جلسه‌ی تئوری و عملی به شکل نمایشی و کار گروهی در کودکان درونی شده و می‌تواند موفقیت و این توانمندی را بعد از شش ماه در کودک به‌طور کامل مشاهده کرد.

و یکی از معضلاتی که انجمن با آن درگیر است، معضلات اجتماعی بوده، که در جامعه به شکل فساد اخلاقی افراد سودجو است. گاهی اوقات کودکان، با ترغیب و توجه افراد غیراخلاقی در سطح جامعه آسیب جدی و جبران‌ناپذیری می‌بینند. از جمله‌ی این آسیب‌ها عورت‌نمایی، نشان دادن فیلم‌های پورنوگرافی است که بیشتر واکنش کودکان سکوت است. به دلیل فقر فرهنگی خانواده و رفتارهای سنتی، برای مصون ماندن از رفتارهای خشونت‌آمیز خانواده، کودکان سکوت می‌کنند. این مسئله با توجه به عدم مهارت‌های کنترل هیجانات و حل مساله نیازمند آموزش‌های تربیتی و سبک فرزندپروری به خانواده‌هاست که متأسفانه به‌دلیل مشکلات اقتصادی خانواده برای حضور مستمر در کارگاه‌ها به سختی می‌توانند حضور یابند.

از مشکلات دیگر کودکان از بین رفتن عزت نفس با توجه به نوع کارشان است. مانند شیشه پاک‌کنی، دست‌فروشی (تکدی‌گری).

تجربه‌ی بحران بلوغ و بحران هویتی از آسیب‌هایی است که کودکان باربر یا چرخی با آن مواجه هستند و اضطراب جدایی از والدین و دوری از خانواده و آسیب‌های ناشی از آن از مشکلات مهم کودکان مشغول به کار در بازار گل است.



اثر بخشی محیط‌های حمایتی و آموزشی بر کودکان کار

معصومه نوری؛ مدیر داخلی مرکز خاوران انجمن حمایت از کودکان کار

ارایه‌ی این خدمات از طریق
انجمن می‌تواند موجب افزایش
اثر بخشی و عزت نفس کودکان
کار و افزایش میزان حمایت
اجتماعی، مشارکت اجتماعی
و احترام اجتماعی برای این
کودکان شود که مجموع این
عوامل باعث افزایش توانمندی
اجتماعی و توانمندی روانی
در کودکان کار و در نهایت
توانمندسازی آن‌ها می‌شود.

کودکان و جوانان نقش مهمی در رشد و پیشرفت خود و همچنین توسعه‌ی جوامع‌شان ایفا می‌کنند، به‌طوری که تأثیرگذاری آنان بسیار فراتر از حرف و سخن یا حضوری نمادین و سمبولیک است، بلکه در حقیقت عاملی فعال برای تغییر محسوب می‌شوند. بنابراین حفظ حقوق، توسعه‌ی فردی و اجتماعی و فراهم آوردن زمینه‌ی رشد همه جانبه‌ی این گروه از افراد از اهمیت دو چندانی برخوردار است. در این صورت است که کودکان می‌توانند مراحل کودکی خود را به سلامت طی کرده و در زمینه‌های مختلف اجتماعی، تحصیلی و حرفه‌ای برای زندگی آینده، آمادگی کامل را کسب کنند. اما در این بین به دلیل بروز پاره‌ای از مسایل و نابسامانی‌های اجتماعی و پدیده‌هایی هم‌چون فقر، حاشیه‌نشینی، نابرابری‌های اجتماعی، جنگ، مهاجرت و ... برخی از کودکان در جامعه از امکان ادامه‌ی روند رشد طبیعی و زندگی باز می‌مانند و به ناچار در شهرهای بزرگ و مکان‌های پر تردد به کار و یا زندگی در خیابان رو می‌آورند. این نوع زندگی، آنان را در معرض مخاطرات بسیاری چون سوء تغذیه، محرومیت از تحصیل، محرومیت از بهداشت و سلامت، استثمار و مرگ قرار داده و از طرفی جامعه را نیز دچار مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی می‌کند.

به دلیل اهمیت کودکان به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه و ناتوانی دولت‌ها در حل مشکلات فزاینده‌ی آن‌ها، در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از سازمان‌های مردم نهاد با هدف حمایت از آنان به وجود آمدند.

بی‌تردید بدون توجه به توانمندسازی کودکان و سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در امر آموزش مهارت‌آموزی، بهداشت و ارتقای سطح زندگی آنان امیدی برای دستیابی به دنیایی بهتر وجود ندارد. با توجه به چالش‌های مطرح شده، توانمندسازی کودکان کار از جمله اقدامات اجتماعی است که می‌تواند منافع بسیاری به دنبال داشته باشد. توانمندسازی، مجموعه فعالیت‌هایی است که توسط نهادهای، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دولتی و غیردولتی تعریف شده و شامل آموزش کودکان در زمینه‌های مورد نیاز، حمایت از این کودکان در حوزه‌های مختلف و مشارکت کودکان در روند توانمندسازی آنان می‌شود.

نقش‌های مختلف سازمان‌های مردم نهاد در حوزه‌ی کودکان کار

سازمان‌های مردم نهاد در حوزه‌ی کودکان کار دارای نقش‌های متعددی هستند که به طور کلی عبارتند از:

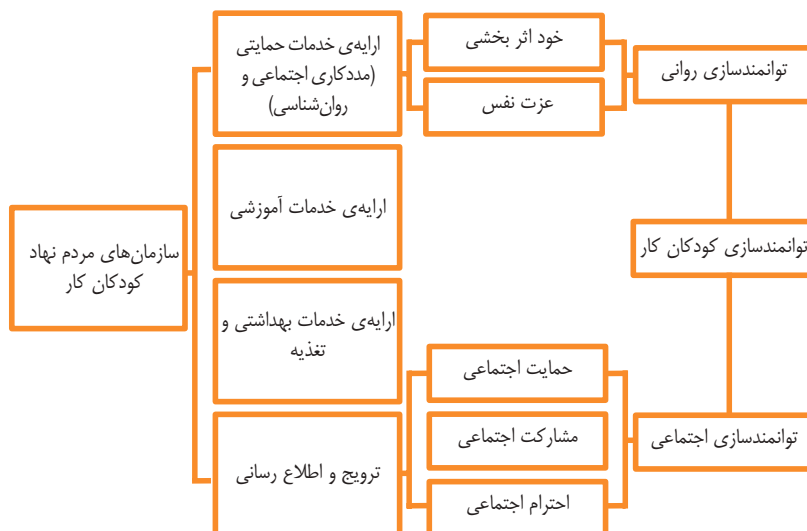
۱. کمک به توسعه‌ی انسانی و اجتماعی از طریق پاسخ‌گویی به نیازهای رشد و پرورش همه جانبه و سلامت کودکان با توجه به مفهوم توسعه‌ی پایدار و متوازن
۲. ایجاد زمینه برای مشارکت‌های مردمی و بسیج آنان در زمینه‌ی حمایت از کودکان
۳. تعامل با دولت به عنوان پل ارتباطی بین مردم و دولت برای تحقق حقوق کودکان با توجه به راهبردهای انتقاد سازنده، جهت دادن، فشار آوردن، تعدیل کردن، کار مشترک و سایر شیوه‌ها براساس وضعیت موجود



۴. نظارت بر فعالیتهای سازمانهای دولتی مربوط به کودکان
۵. برنامه ریزی برای اجرای فعالیتهای مناسب در زمینهی نیازهای کودکان با توجه به اهداف خود
۶. توانمندسازی گروههای هدف (کودکان و خانوادهها) از طریق آموزش در زمینههای مورد نیاز
۷. کمک به فرهنگ سازی و ایجاد تغییرات مناسب در حوزهی فعالیتهای خود در ارتباط با کودکان
۸. کمک به ارتقای سلامت اجتماعی با توجه به اهمیت آن در توسعهی اجتماعی
۹. ارایهی الگوهای موفق در حمایت و ارایهی خدمات به کودکان در زمینههای گوناگون به ویژه در ارتباط با کودکان با نیازهای خاص
۱۰. کمک به ترویج فرآیندهایی چون کار گروهی، شیوههای برقراری ارتباط مناسب گفت و گو، مشارکت، تفاهم، مدارا و اعتماد با توجه به ضرورت این فرآیندها در زندگی اجتماعی و مشکلات و کمبودهای موجود در این موارد
۱۱. کمک به ایجاد ابتکار، خلاقیت، اعتماد به نفس در مردم در پاسخگویی به نیازهای کودکان
۱۲. کمک به ترویج آزادی و دموکراسی در جامعه به عنوان پیش نیاز شکل گیری سازمانهای غیردولتی
۱۳. کمک به فقرزدایی در حوزهی کار کودکان

در مواردی دیده شده، سازمانهای غیردولتی فعال در زمینهی مسایل کودکان، فعالیتهای خود را بر خدمات رسانی استوار کرده اند. البته این امر به دلیل کمبود منابع مالی و تسهیل جمع آوری کمکهای مالی از طریق مراکز خدمات رسانی که به صورت مستقیم و مستمر با گروهی از کودکان آسیب دیده در ارتباط هستند تا حدودی قابل توجیه به نظر می رسد اما نتیجهی این امر عدم فعالیت سازمانهای غیردولتی در جایگاه اصلی خود یعنی فشار آوردن به نهادهای دولتی زیربط برای مسئولیت پذیری و فعالیتهای ترویجی است. بر این اساس لازم است تاکید شود که بستر سازی و حمایت از راه اندازی سازمانهای غیردولتی و اجتماع محور با هدف توانمندسازی جامعهی محلی، آگاه سازی جامعه و مسئولیت پذیر کردن نهادهای دولتی زیربط در مورد حمایت از کودکان کار می تواند نقش موثری در بهبود شرایط این کودکان داشته باشد.

اثر بخشی انجمن حمایت از کودکان کار به عنوان نهادی حمایتی بر کودکان کار



ارایهی این خدمات از طریق انجمن می تواند موجب افزایش اثربخشی و عزت نفس کودکان کار و افزایش میزان حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و احترام اجتماعی برای این کودکان شود که مجموع این عوامل باعث افزایش توانمندی اجتماعی و توانمندی روانی در کودکان کار و در نهایت توانمندسازی آنها می شود.



آموزش مهارت‌های مختلف به کودکان تحت حمایت مرکز خاوران در سال تحصیلی ۹۸-۹۹

عنوان برنامه	تعداد شرکت کننده
گل‌دوزی	۵
آموزش ساخت عروسک با خمیر سبک کنکو	۲۵
ملیله کاغذی	۱۲
ورزش	۱۰۰
فوتبال	۹
کامپیوتر	۴۲
زبان انگلیسی	۱۰۰
طراحی و نقاشی	۱۷
کارگاه خودشکوفایی	۵
کارگاه عزت نفس	۲۲
تئاتر	۱۲

تغییر کیفیت زندگی کودکان کار بر اساس مهارت‌آموزی

ردیف	مهارت	تعداد	پایه تحصیلی	توضیحات
۱	فوتبال	۲	ابتدایی	۲ کودک مستعد فوتبال که به جمع‌آوری ضایعات و دست‌فروشی مشغول بودند با حمایت انجمن در مدرسه‌ی فوتبال بیرانوند ثبت‌نام شدند.
۲	آرایشگری	۲	متوسطه	ثبت‌نام ۲ دختر نوجوان علاقمند به آرایشگری در کلاس آرایشگری
۳	خیاطی	۳	متوسطه	۳ دختر نوجوان که به کار خانگی مشغول بود پس از کسب مهارت خیاطی در کارگاه خیاطی و در منزل به کار خیاطی مشغول شدند.
۴		۸	متوسطه	۸ کودک پسر که به دست‌فروشی اشتغال داشتند با حمایت انجمن به حرفه‌هایی چون کانال‌سازی، خیاطی، صحافی و ... مشغول شدند.
۵	کامپیوتر	۱	متوسطه	آموزش مهارت کامپیوتر به یک دختر نوجوان که در دفتر خدمات کامپیوتری مشغول به کار شد.

با توجه به پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک که آموزش و بازی را از حقوق کودک می‌شمارد انجمن به صورت جدی وارد حوزه‌ی حرفه‌آموزی نشده است و بیشتر در کنار آموزش به هنرآموزی پرداخته است.

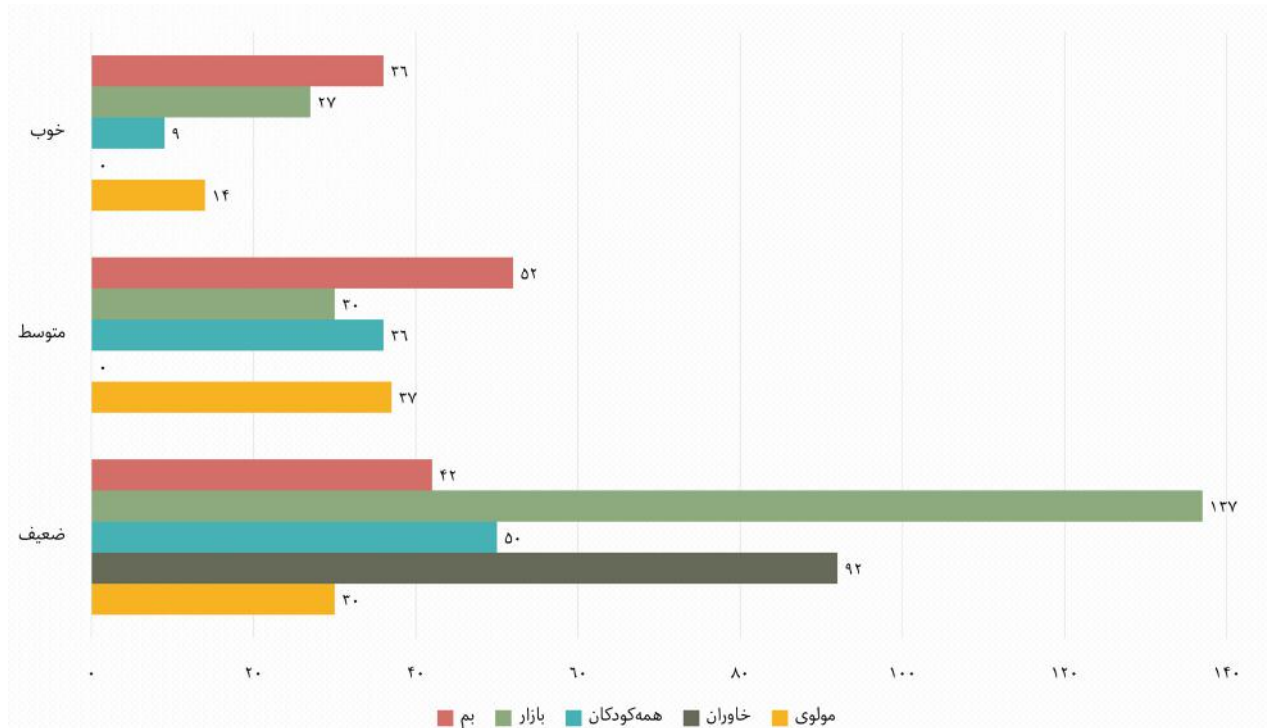


ویژگی‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
۱۳۹۹ خردادماه

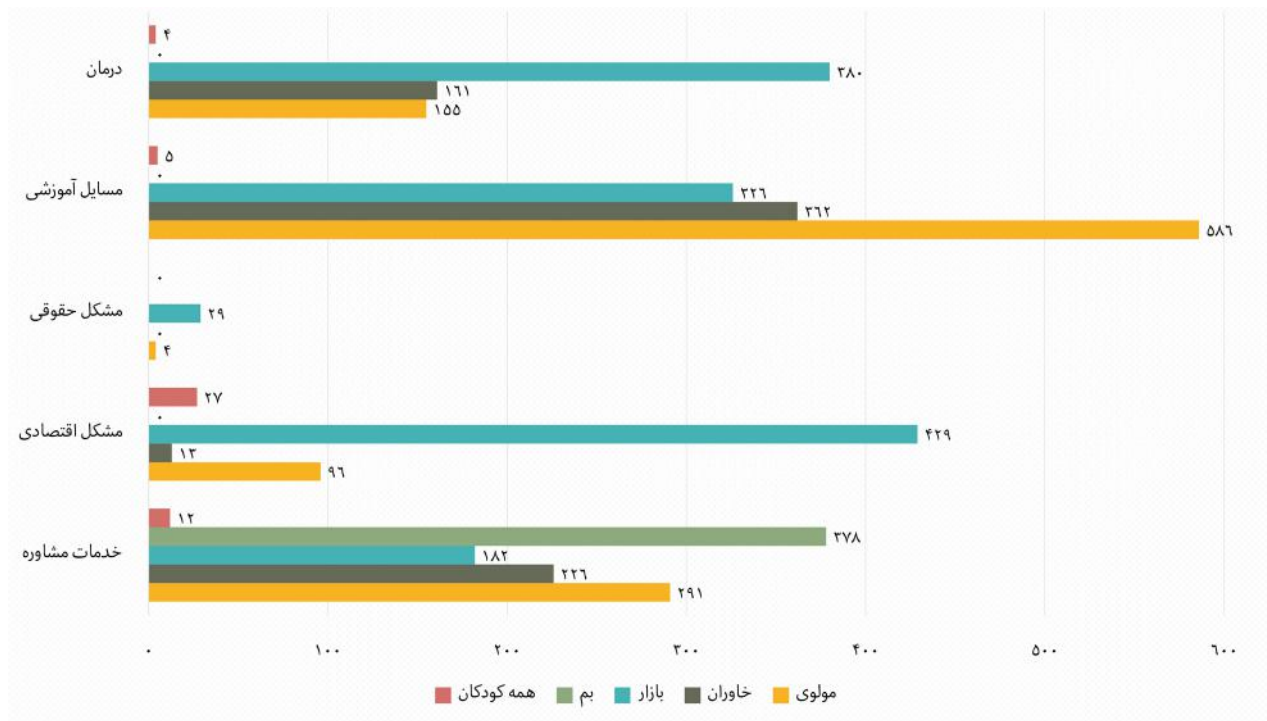
گزارش عملکرد سال ۱۳۹۸ انجمن حمایت از کودکان کار

گزارش عملکرد مددکاری اجتماعی:

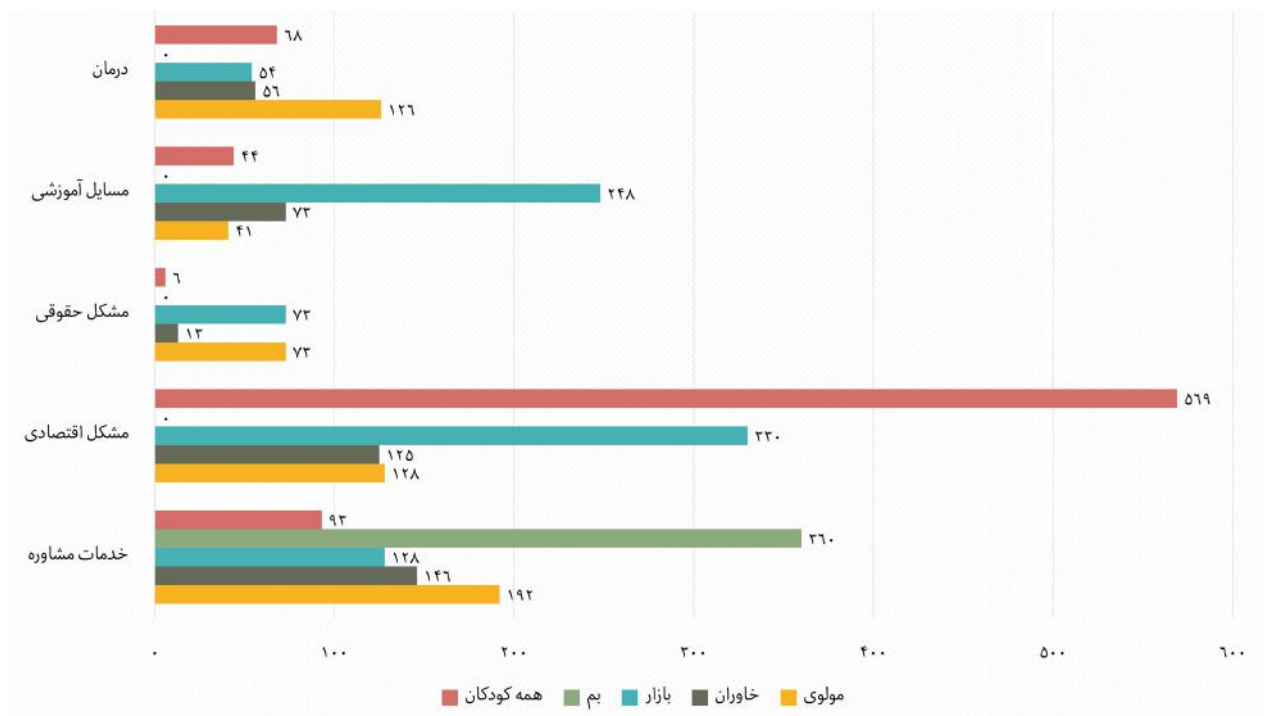
شاخص وضعیت اقتصادی به تفکیک مراکز



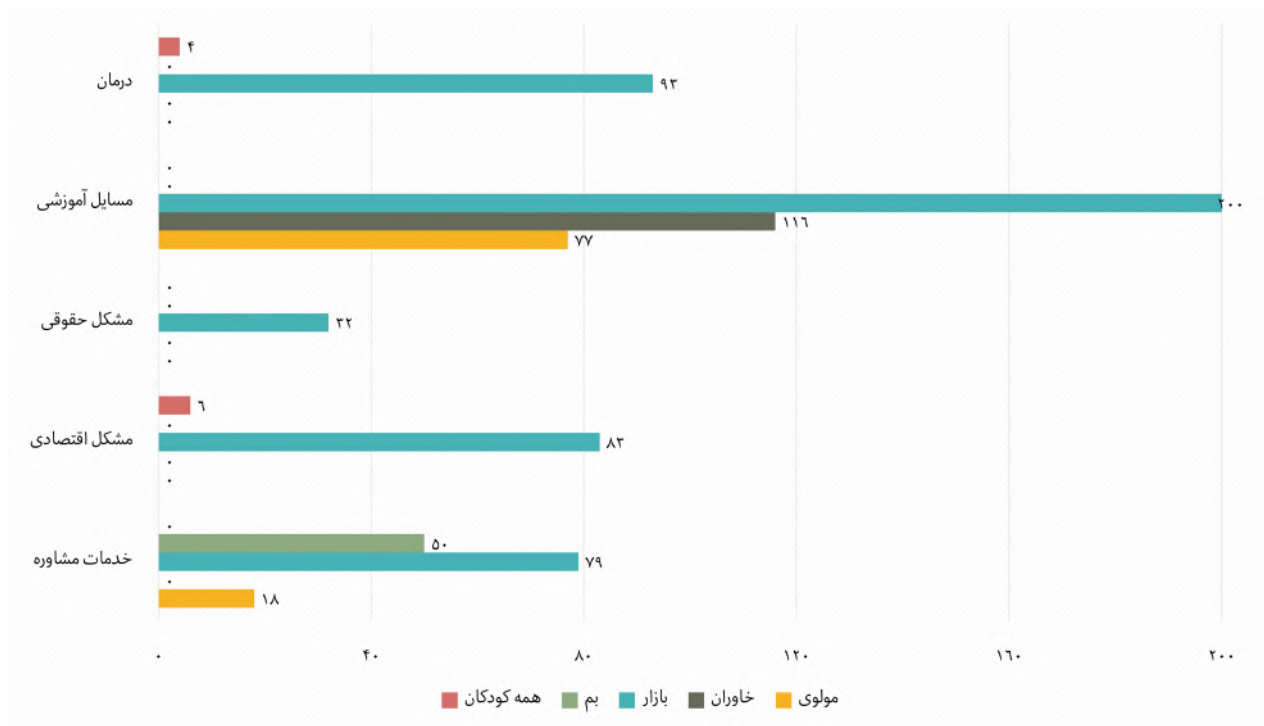
تعداد مراجعات کودک به واحد مددکاری اجتماعی



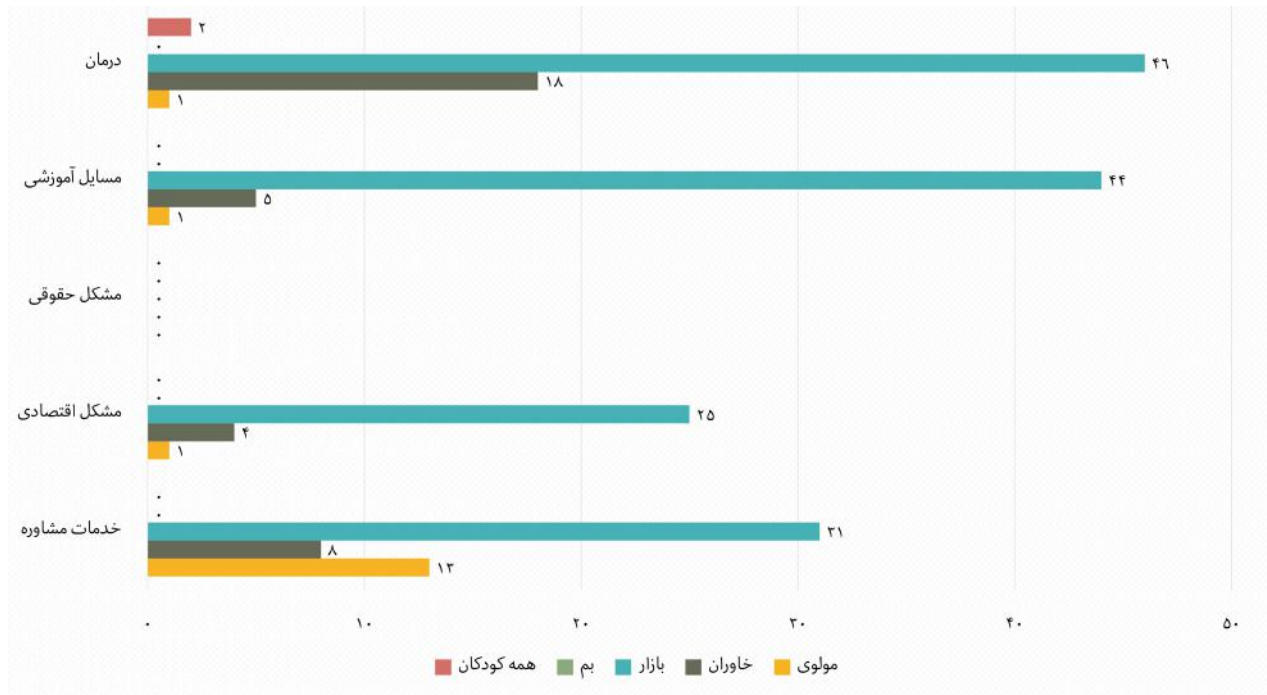
تعداد مراجعات خانواده به واحد مددکاری اجتماعی



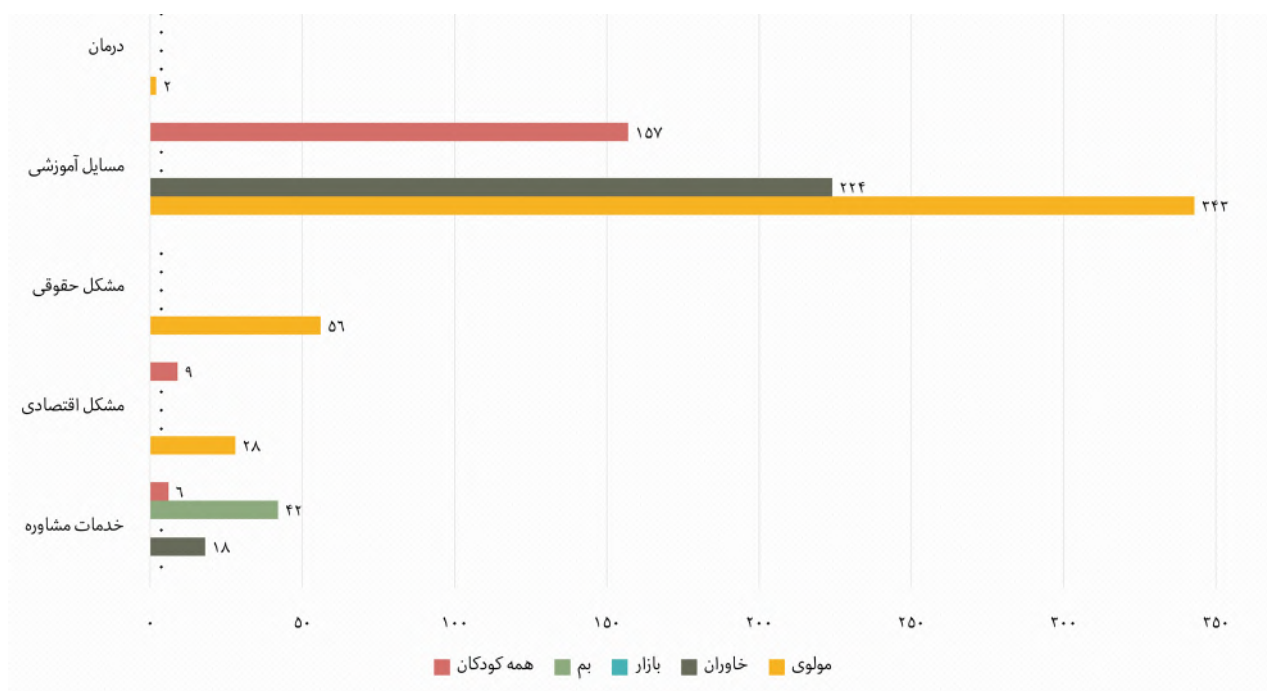
تعداد ارجاع از واحد آموزش به واحد مددکاری اجتماعی



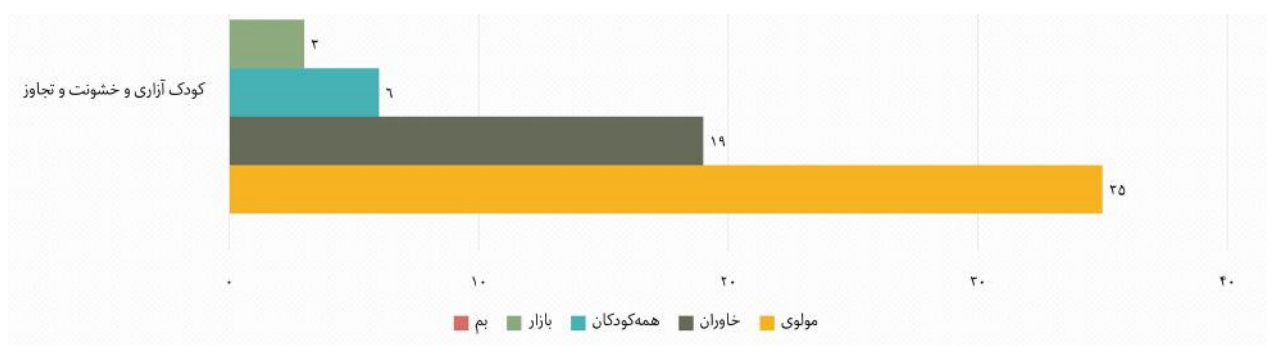
تعداد ارجاع از واحد روان شناسی به واحد مددکاری اجتماعی



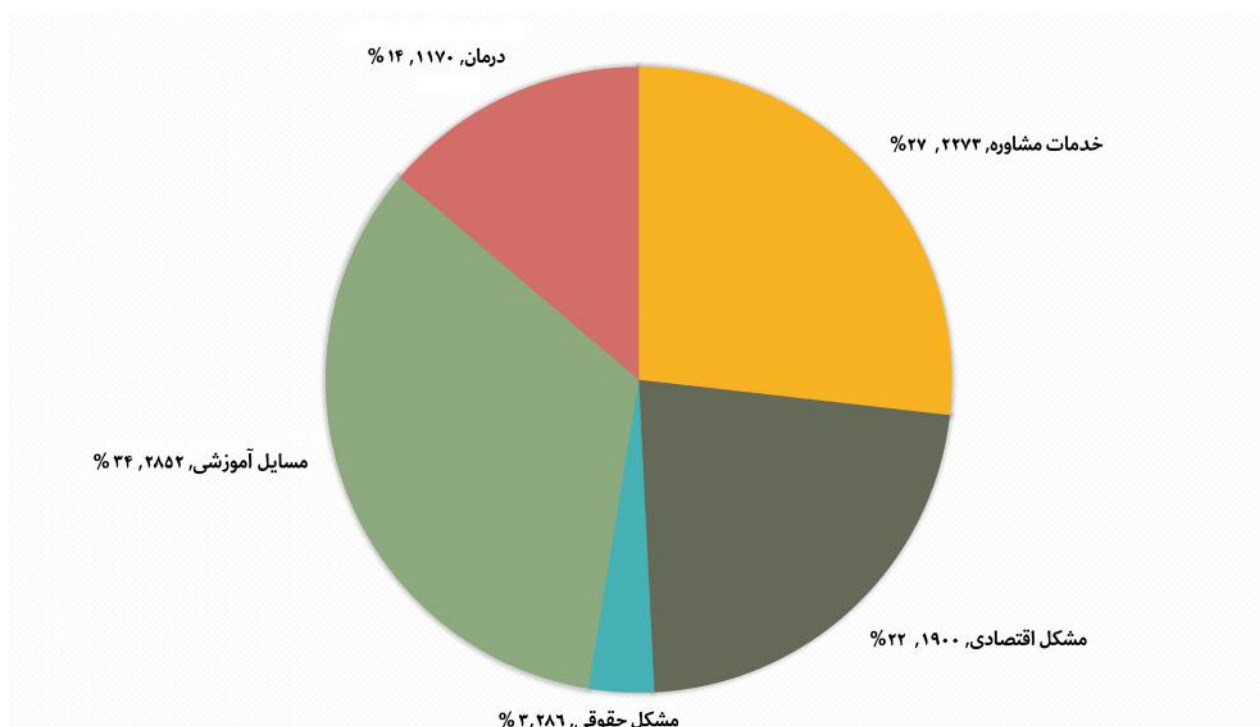
تعداد مراجعات جدید به واحد مددکاری اجتماعی



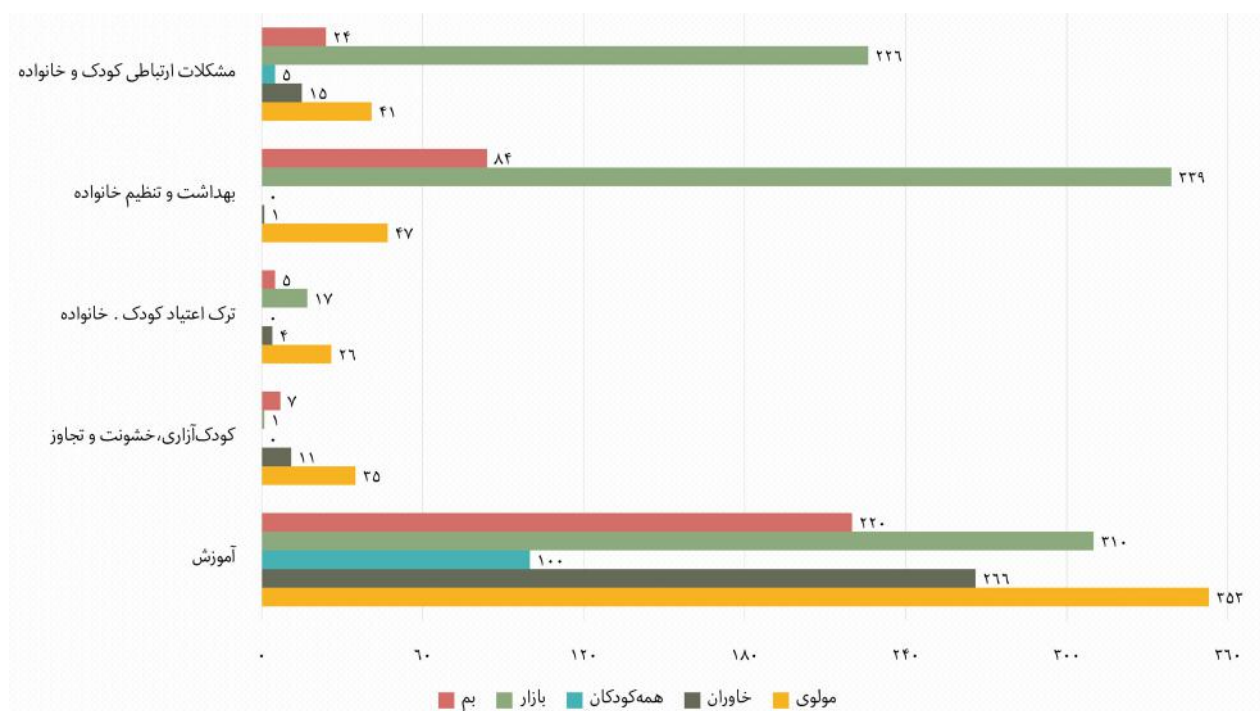
شاخص کودک آزاری، خشونت، تجاوز به تفکیک مراکز



پراکندگی مراجعات به واحد مددکاری اجتماعی در همه مراکز به تفکیک موضوع



تعداد خدمات مشاوره‌ای تخصصی به تفکیک موضوع و مراکز انجمن

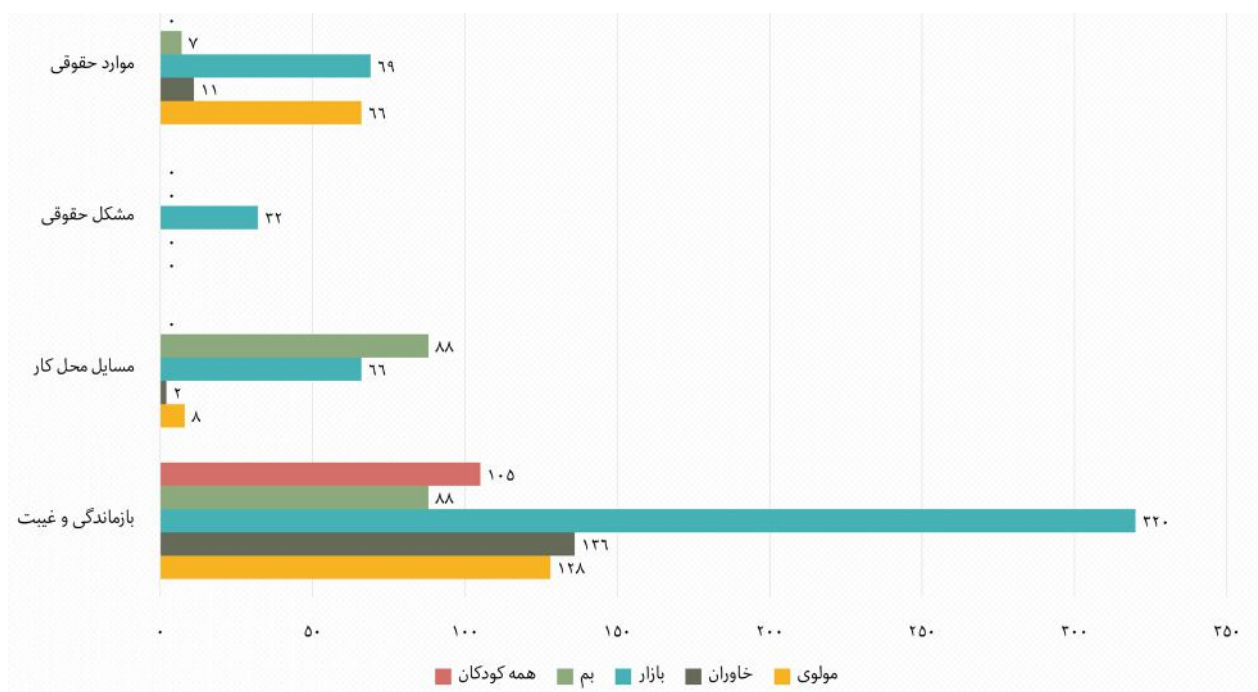


ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹

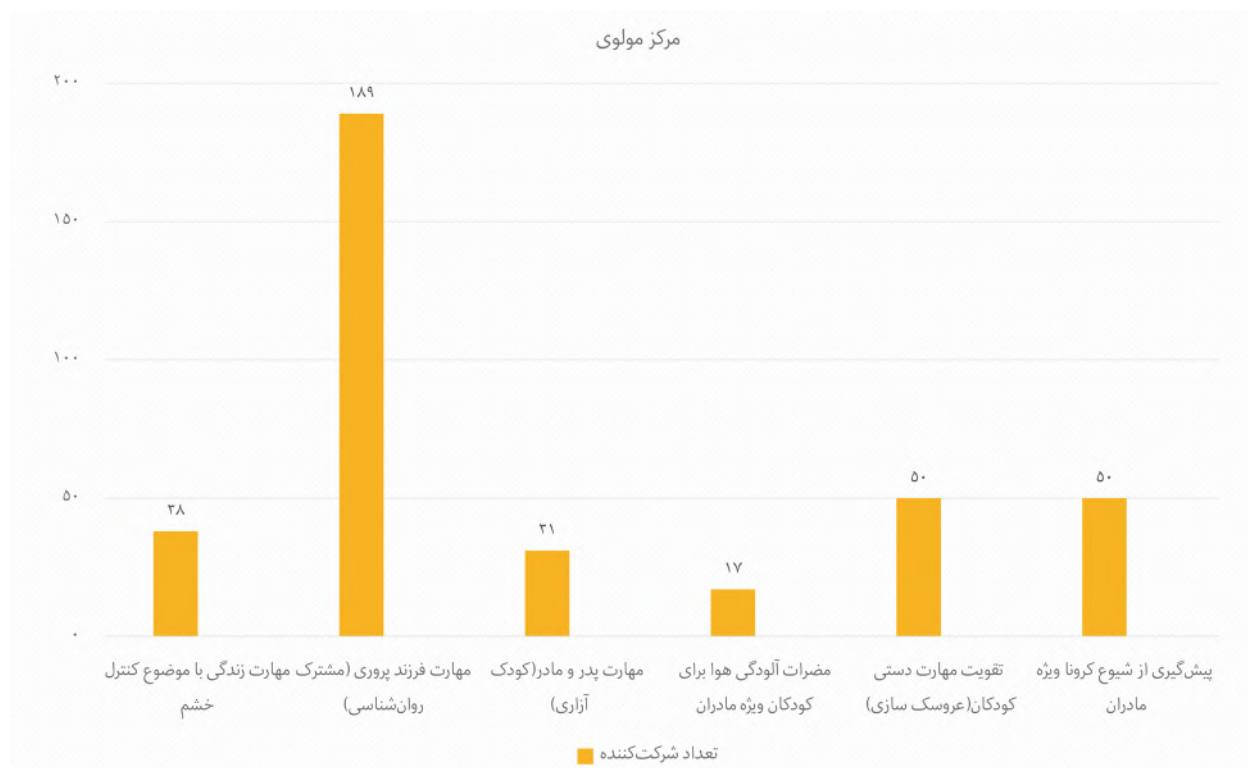
بازدیدهای انجام شده به تفکیک مراکز انجمن



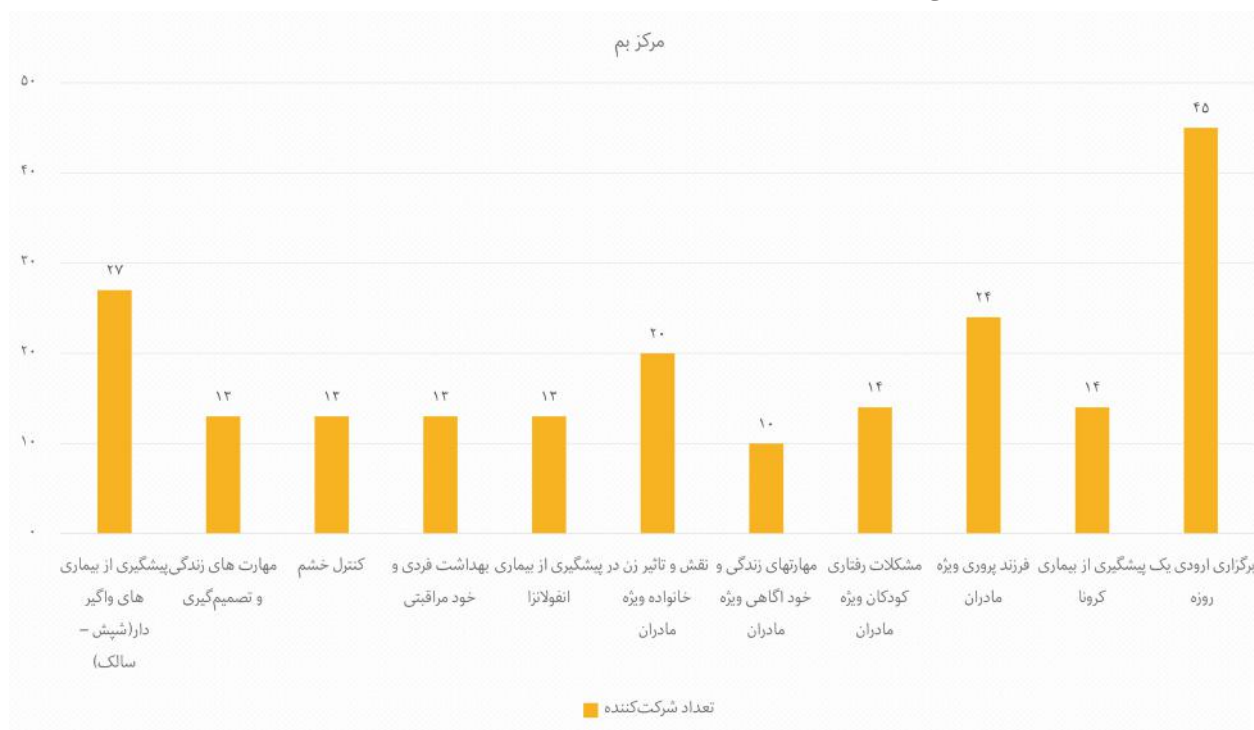
خدمات پیگیری مددکاری اجتماعی به تفکیک موضوع و مراکز انجمن



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی انجام شده در مرکز مولوی

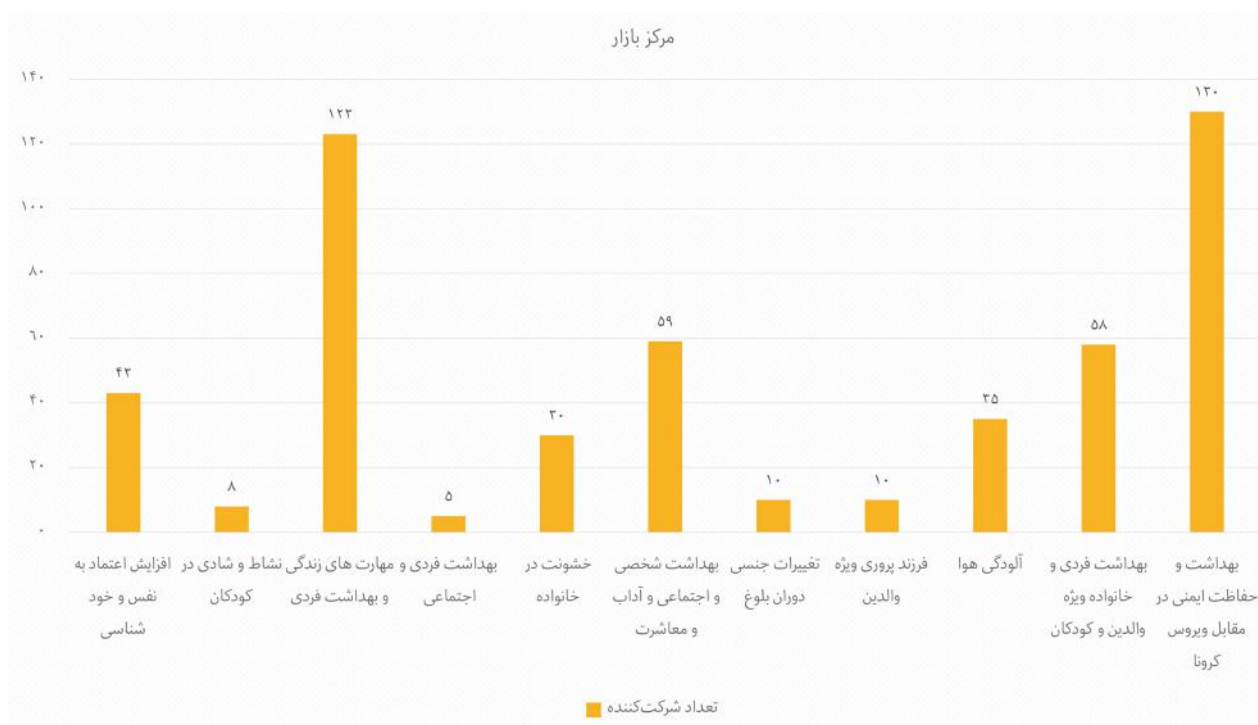


کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی انجام شده در مرکز بیم

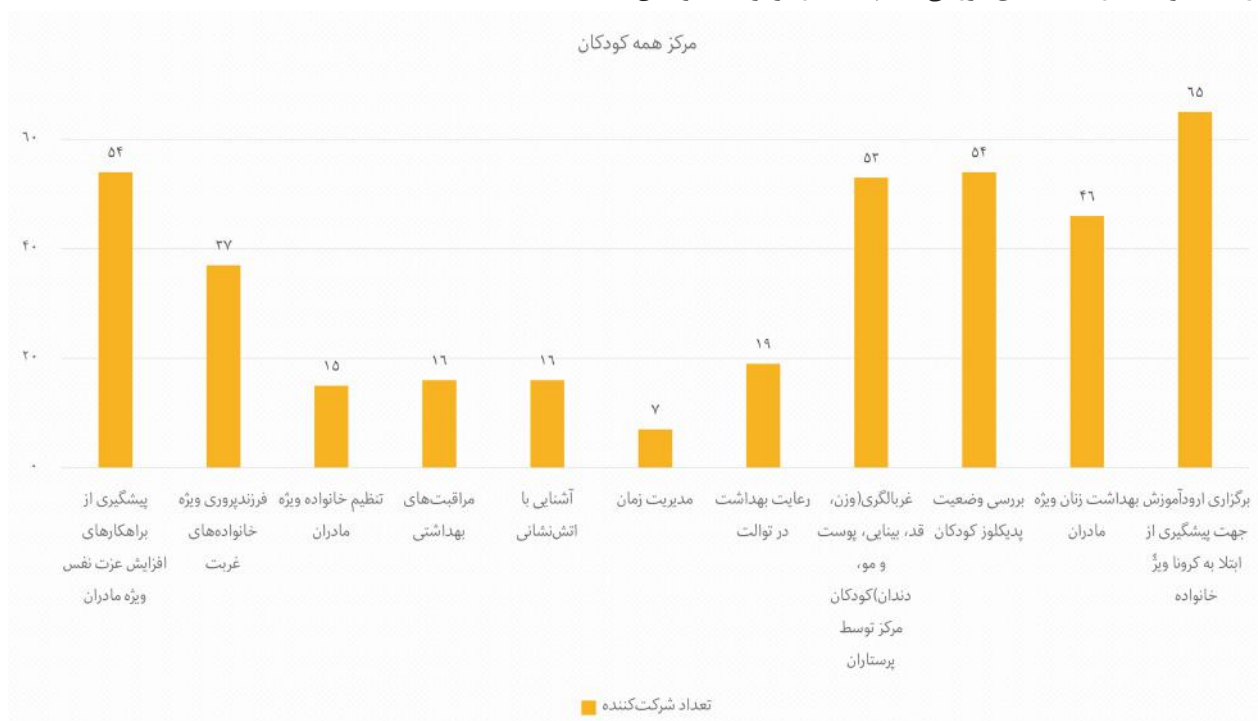


ویژگی‌های روز جهانی مبارزه با کار کودکان
۱۳۹۹ خردادماه

کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی انجام شده در مرکز بازار



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی انجام شده در مرکز همه کودکان

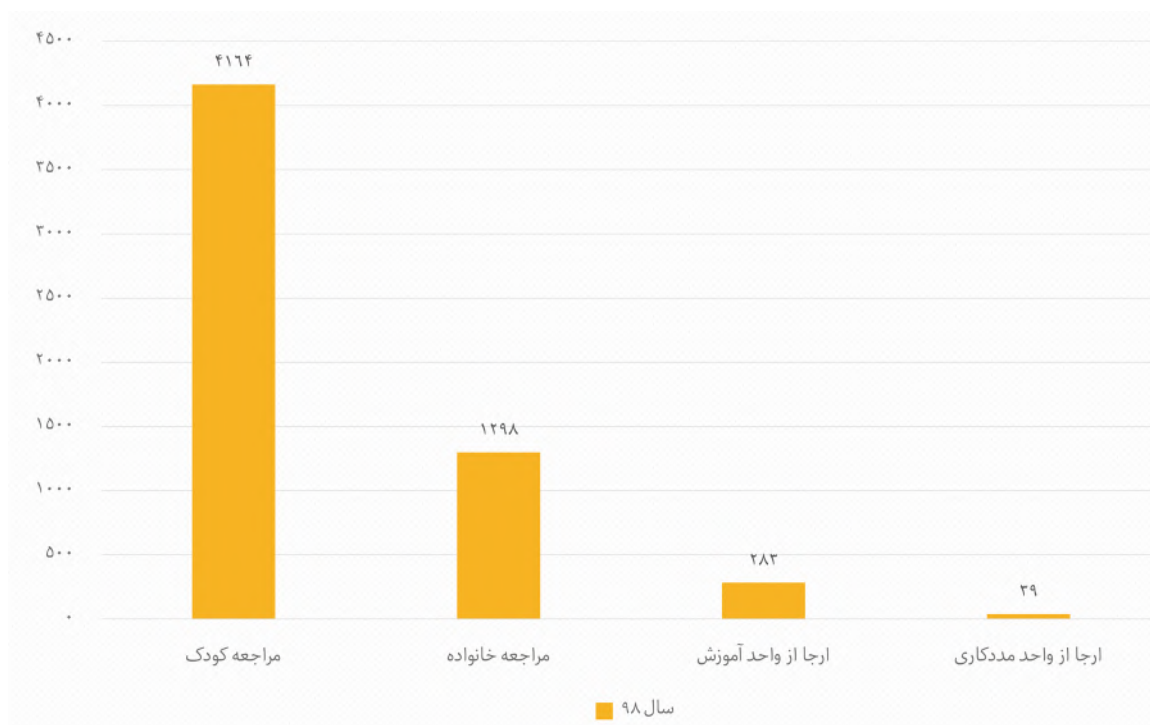


کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی انجام شده در مرکز خاوران



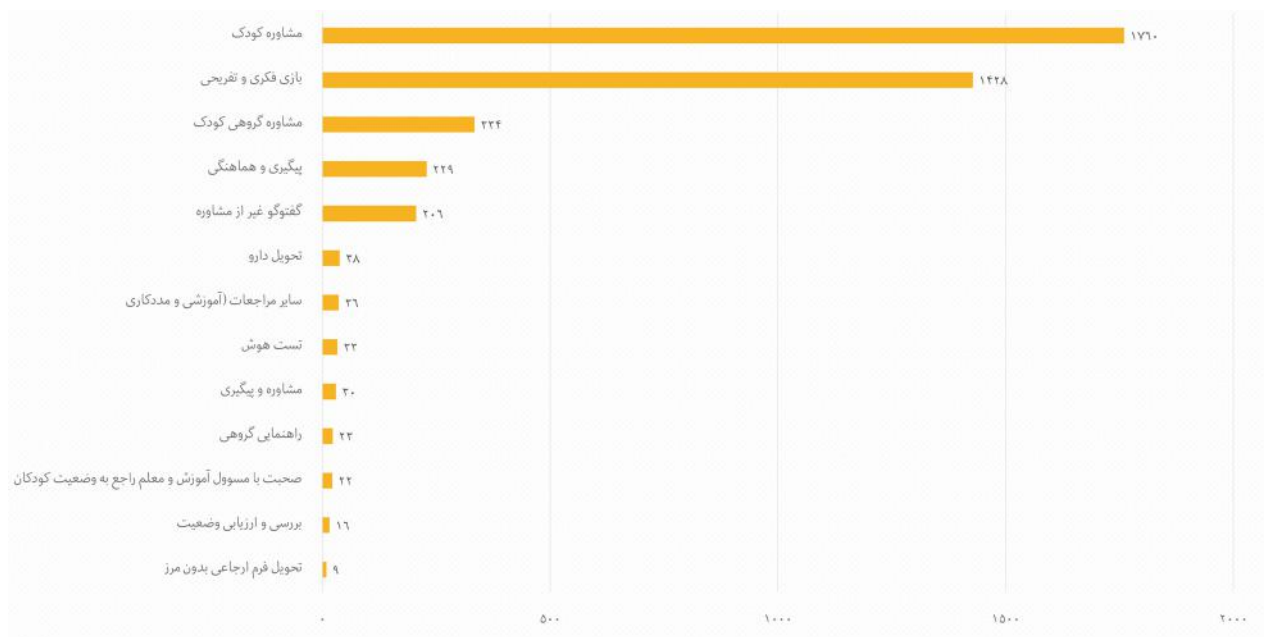
گزارش عملکرد روان‌شناسی:

مراجعات واحد روان‌شناسی

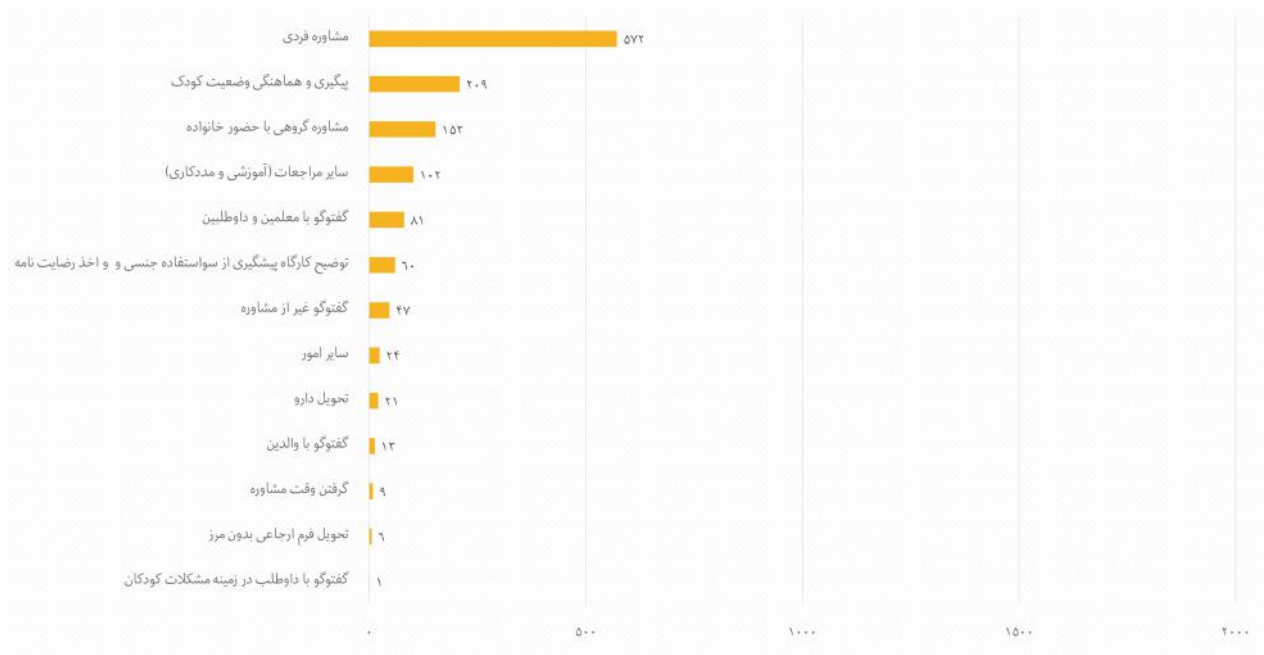


ویژه‌فصلنامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹

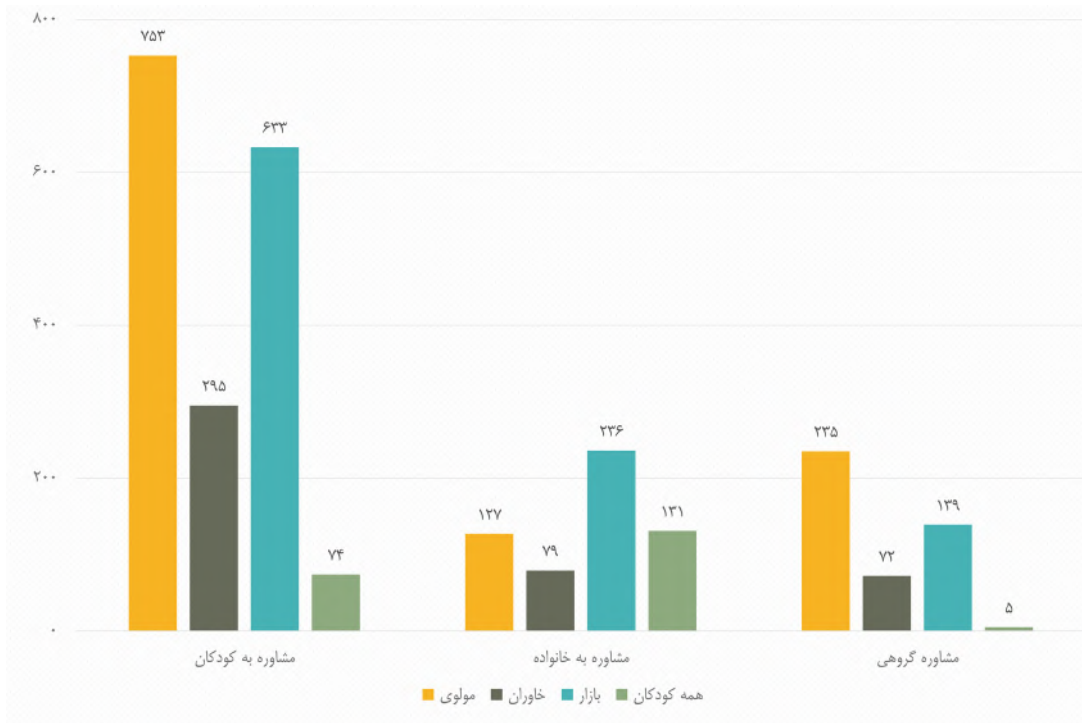
خدمات ارایه شده ۴۱۶۴ مراجعه کودک به واحد روان‌شناسی



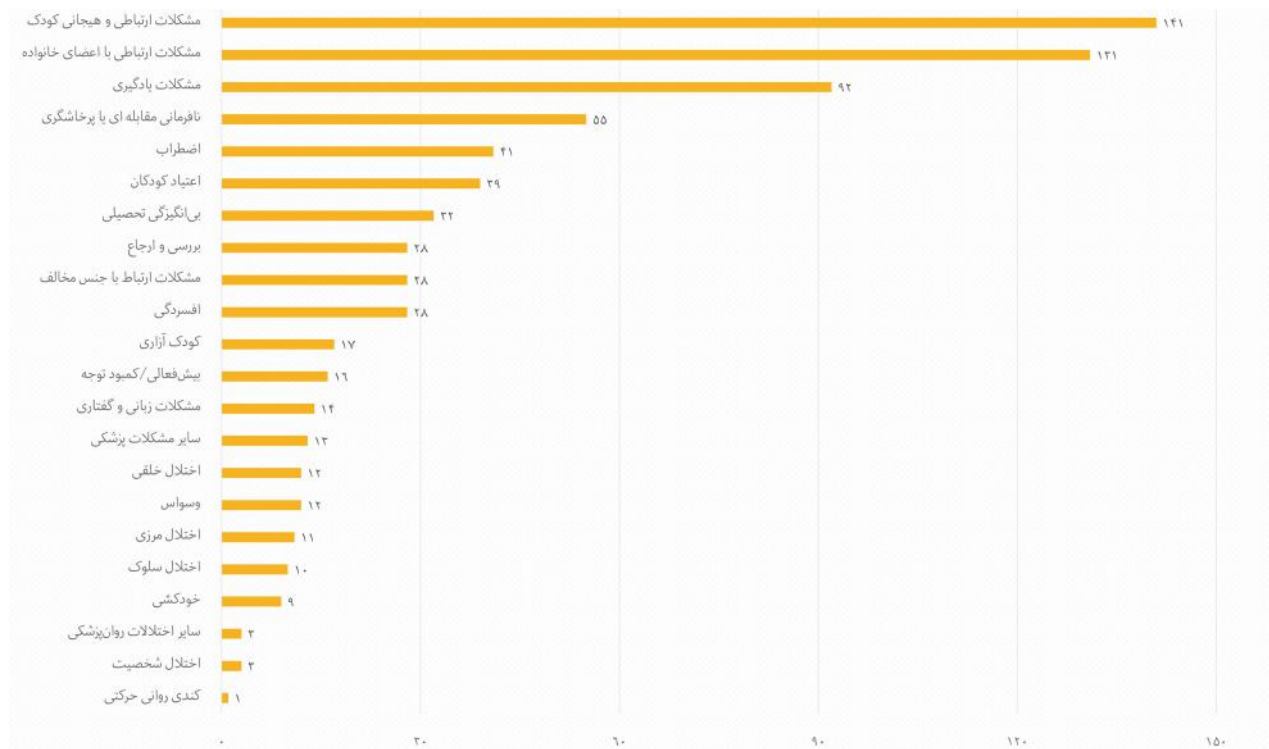
خدمات ارایه شده ۱۲۹۸ مراجعه خانواده به واحد روان‌شناسی



مشاوره‌ی تخصصی به تفکیک مراکز



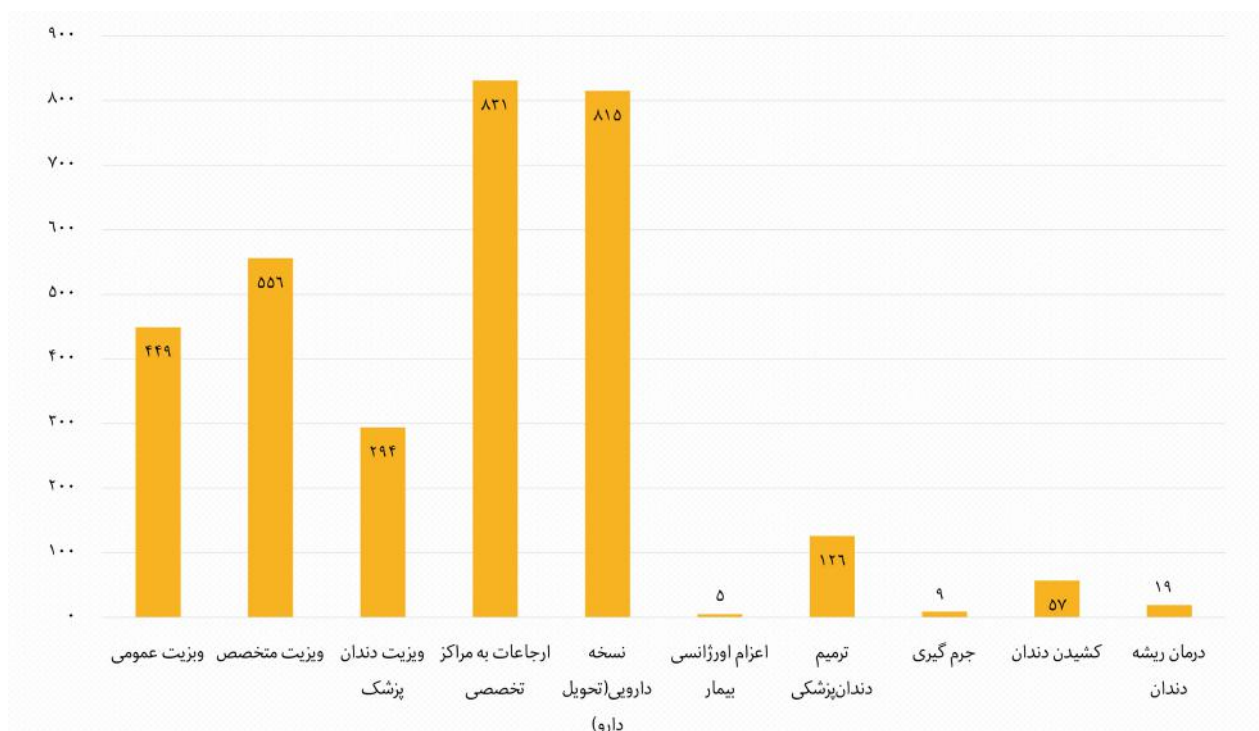
مهم‌ترین مشکلات روان‌شناسی در پرونده‌ها



ویژمنه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
۱۳۹۹ خردادماه

گزارش عملکرد بهداشت و درمان:

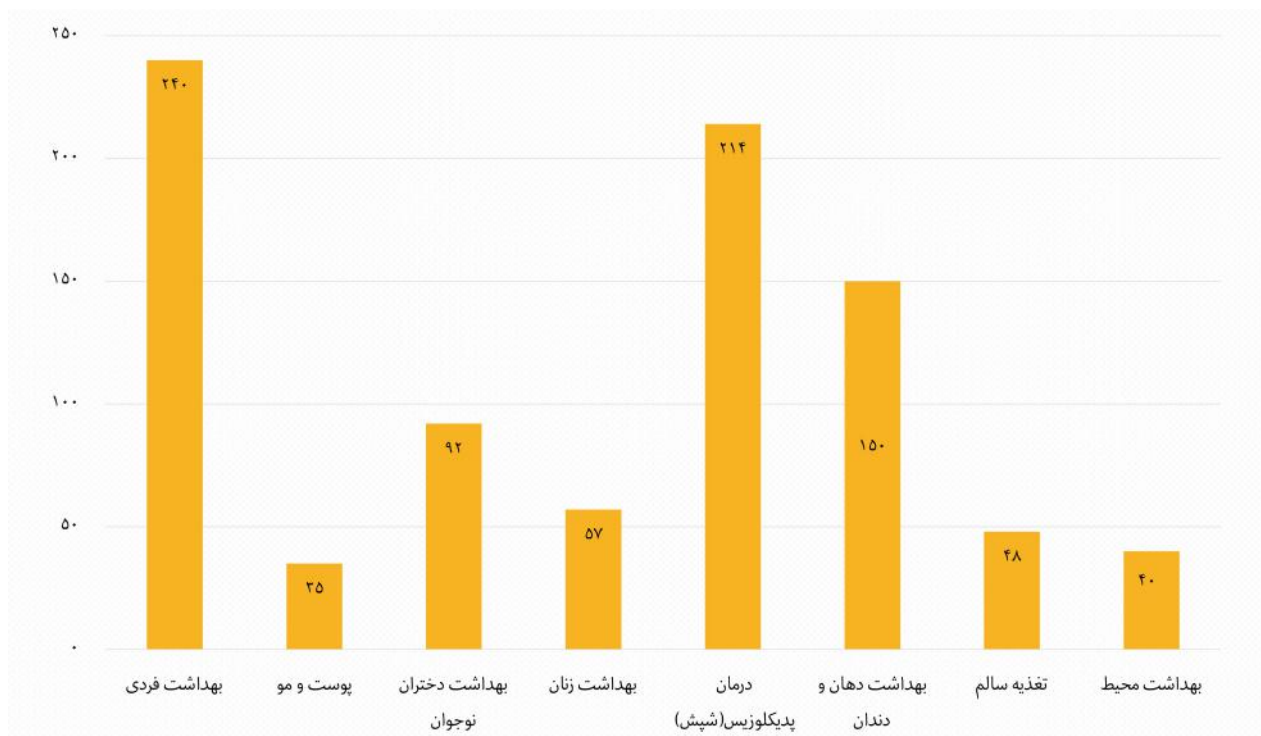
تعداد خدمات درمانی ارائه شده در انجمن



بیماری های شایع

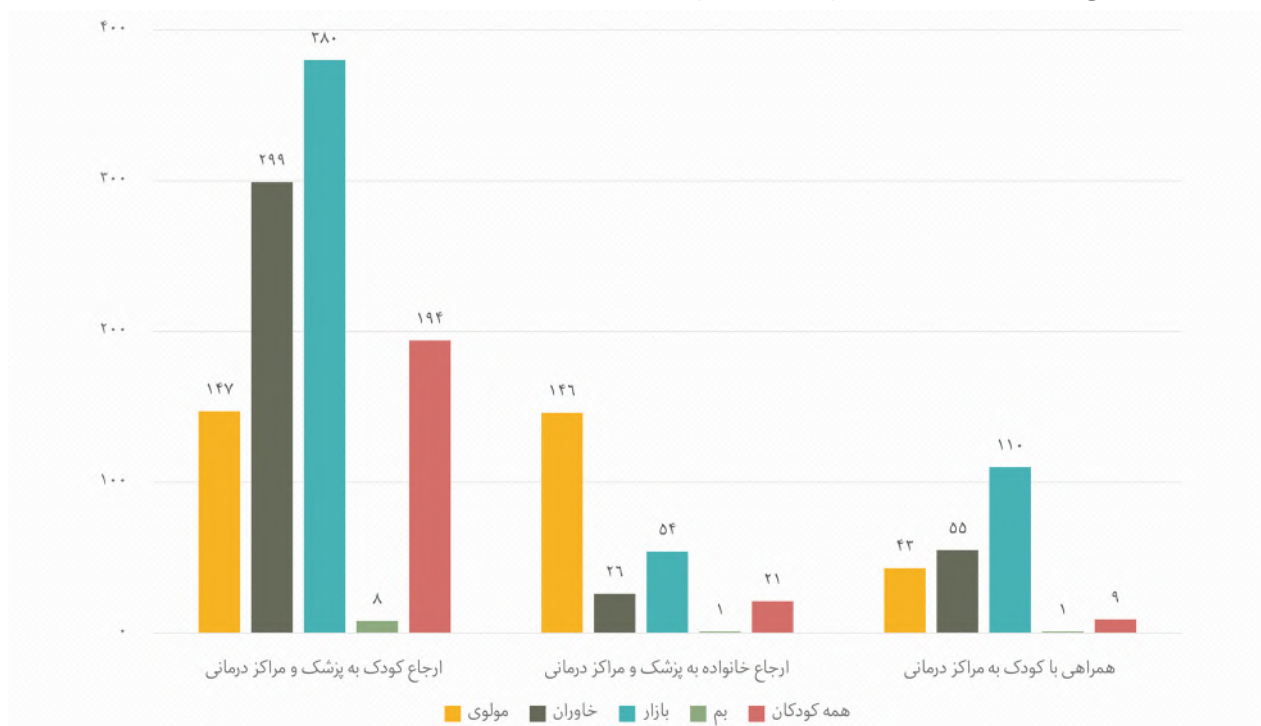
• پایین بودن و ضعف ایمنی بدن • رعایت نکردن بهداشت (سواد بهداشتی پایین و عدم آموزش و نظارت خانواده ها)	سرماخوردگی
• فقر اقتصادی و فرهنگی • بهداشت پایین و نامناسب بودن سرویس های بهداشتی	بیماری های انگلی
• بویژه در میان دختران به دلیل استحمام کمتر، اشتراک لوازم شخصی، فرهنگ رایج (عدم کوتاهی موی دختران)	بیماری شپش سر
• به دلیل فقر پروتئینی و عادات اشتباه کودکان یا والدین	کم خونی خفیف
• عدم رعایت بهداشت دهان و دندان توسط کودکان و خانواده ها (مسواک نمی زنند-نخ دندان استفاده نمی کنند)	مشکلات و بیماری های لثه و دهان
	عفونت و بیماری های زنان
	بیماری قارچی و عفونت ادراری

کارگاه‌های آموزشی بهداشتی

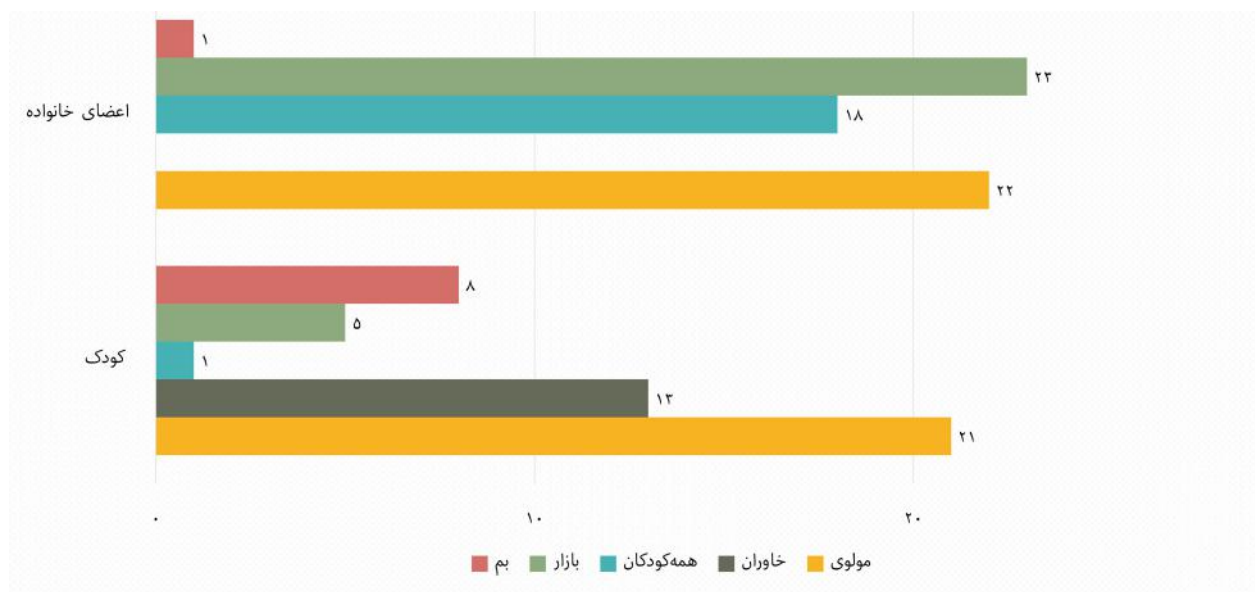


ویژمنه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹

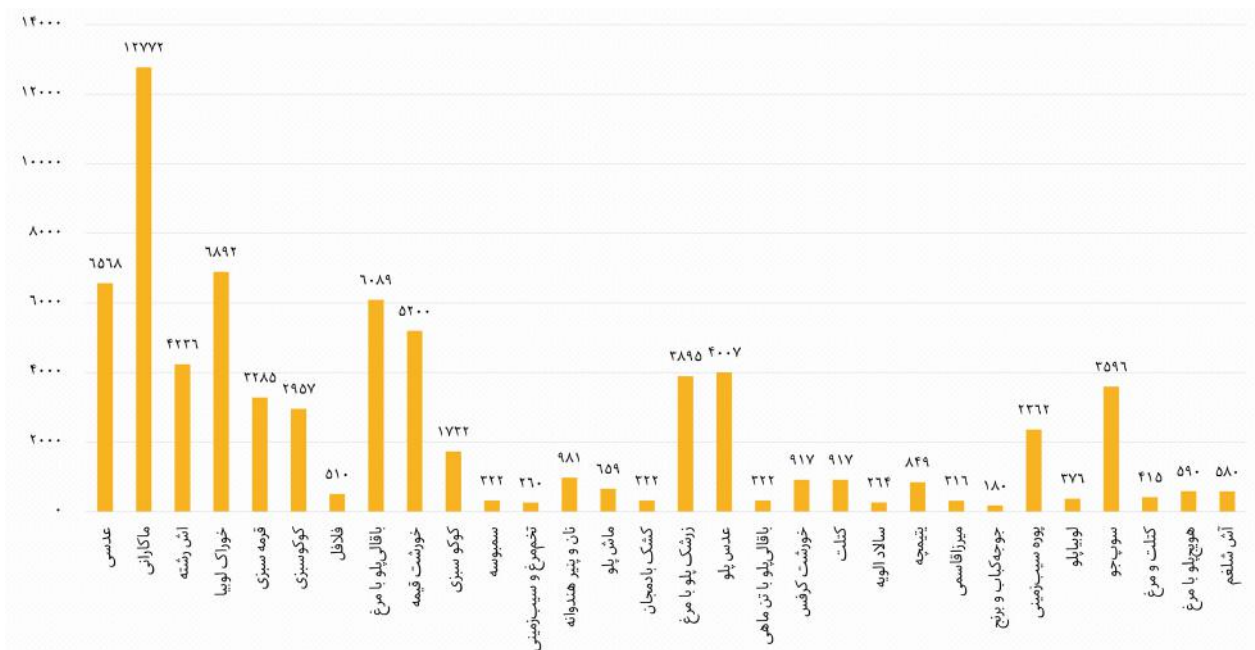
تعداد خدمات درمانی ارائه شده به تفکیک موضوع و مراکز انجمن



شاخص بیماری به تفکیک مراکز

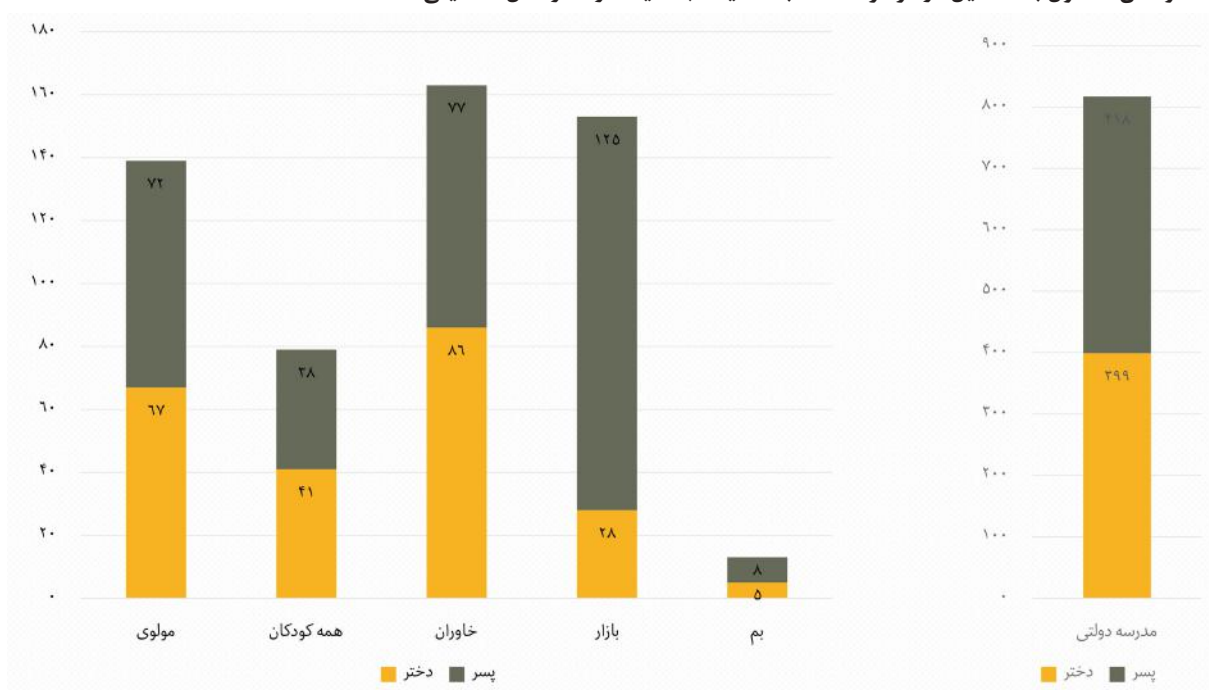


انواع و تعداد غذاها

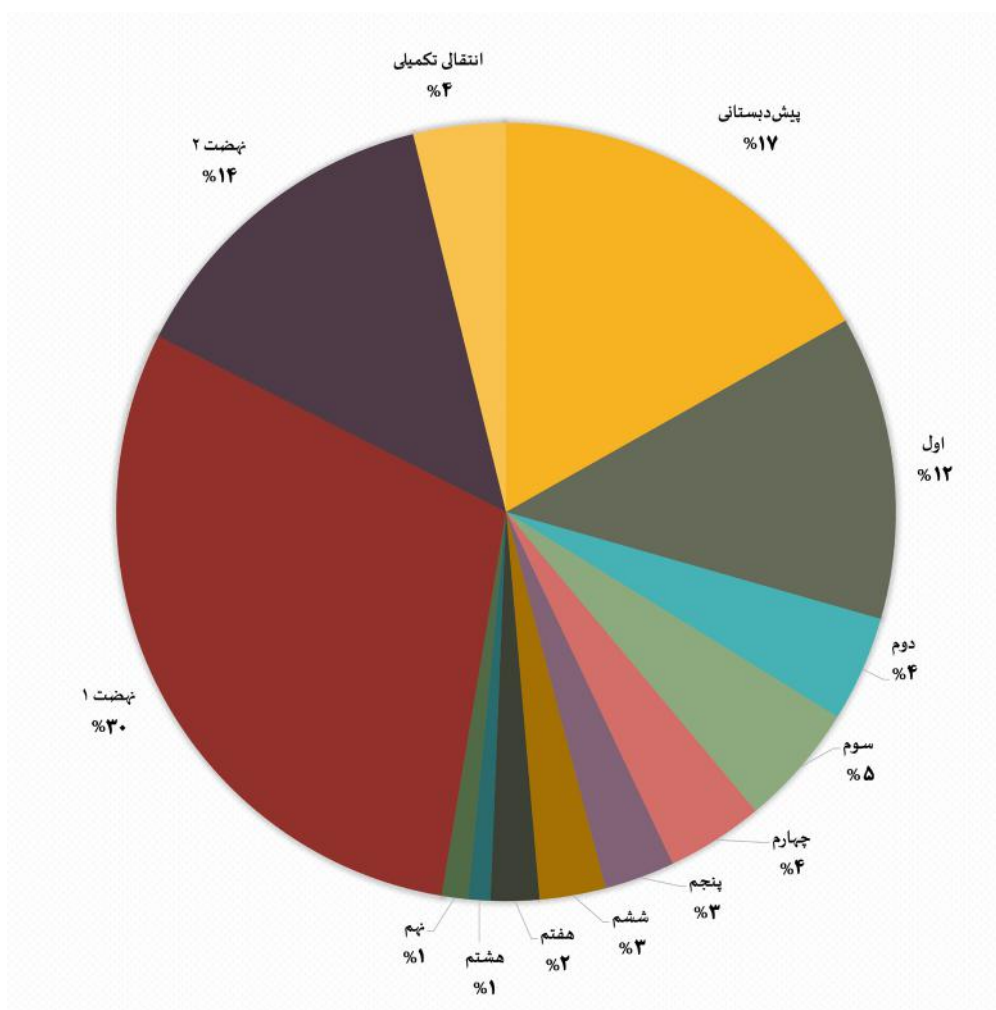


گزارش عملکرد آموزش:

تعداد کودکان مشغول به تحصیل در مراکز مختلف به تفکیک جنسیت در آغاز سال تحصیلی

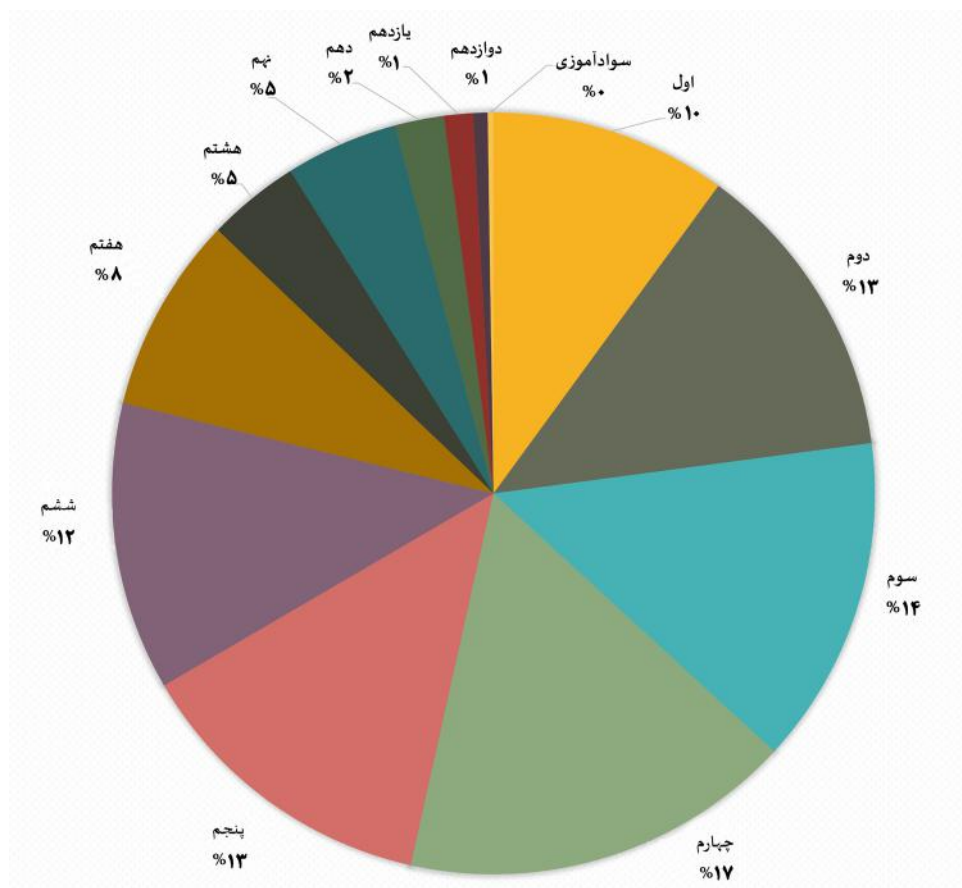


درصد کودکان مشغول به تحصیل به تفکیک پایه در مراکز انجمن در آغاز سال تحصیلی

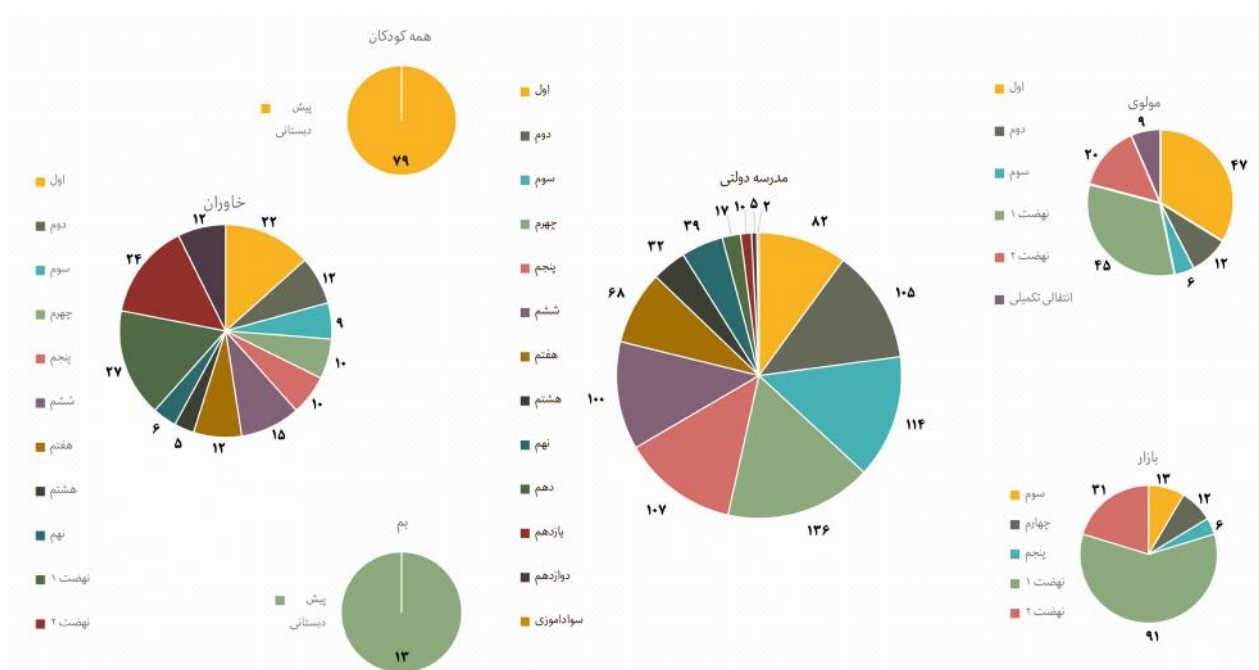


ویژگی‌های روز جهانی مبارزه با کار کودک
۱۳۹۹ خردادماه

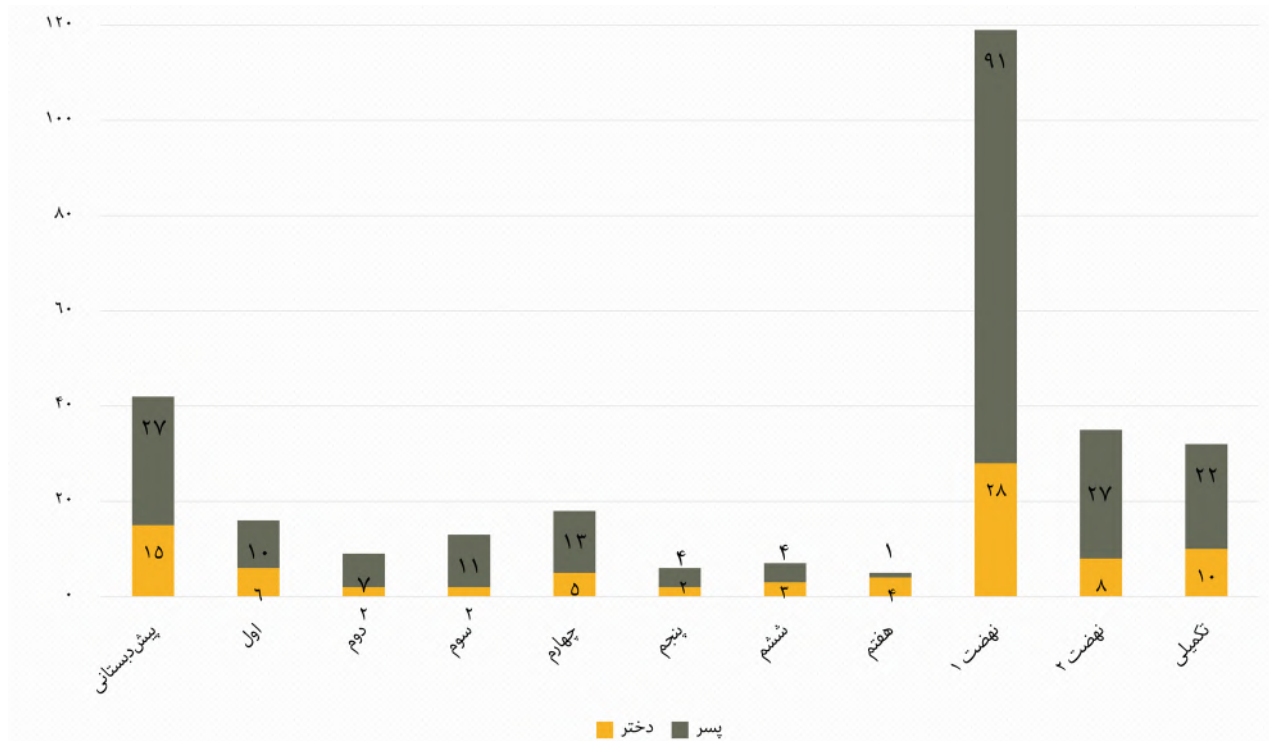
درصد کودکان مشغول به تحصیل به تفکیک پایه در مدرسه دولتی در آغاز سال تحصیلی



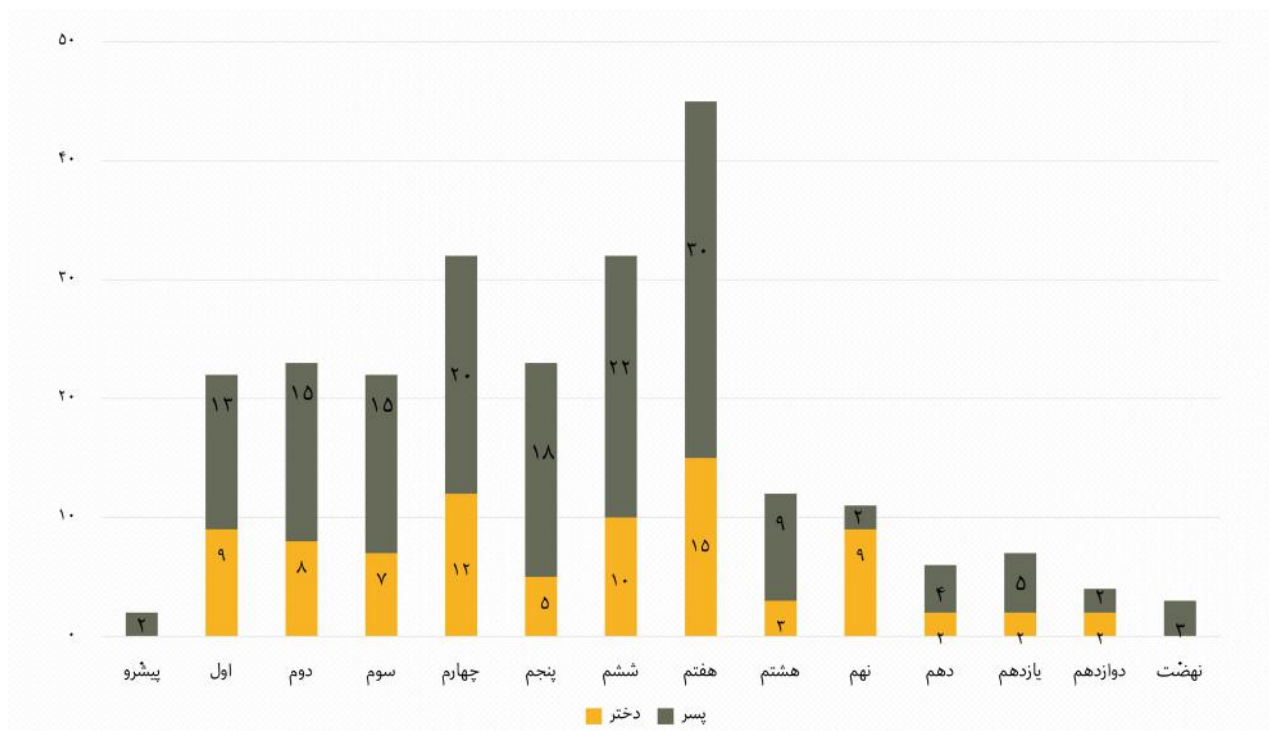
تعداد کودکان مشغول به تحصیل در هر پایه در هر مرکز



تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل هم‌زمان به تفکیک پایه تحصیلی در مراکز انجمن

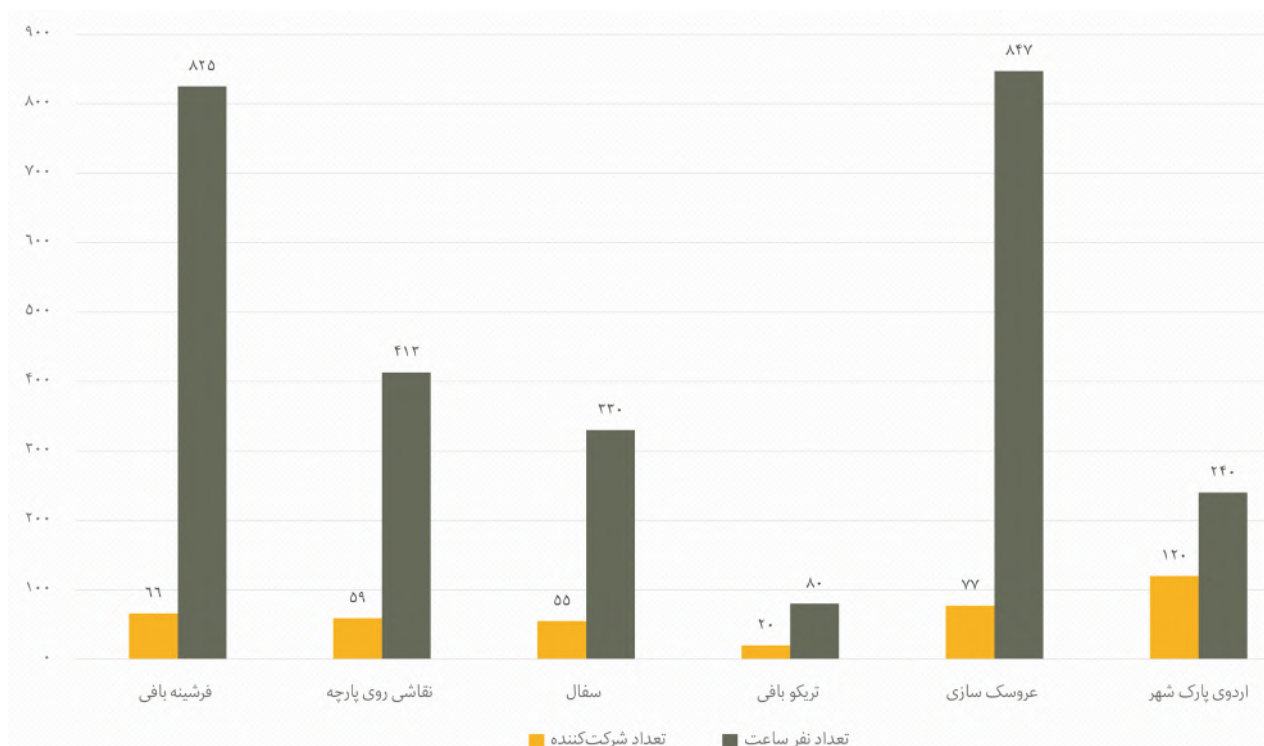


تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل هم‌زمان به تفکیک پایه تحصیلی در مدارس دولتی

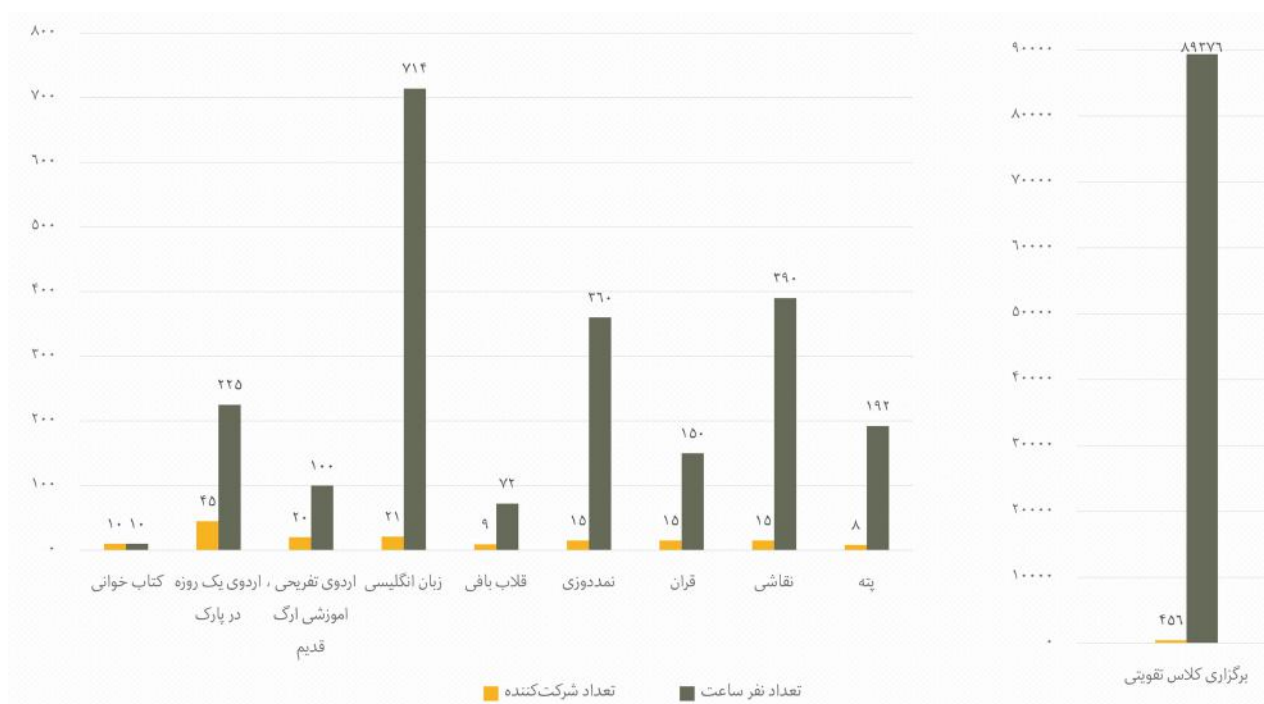


ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹

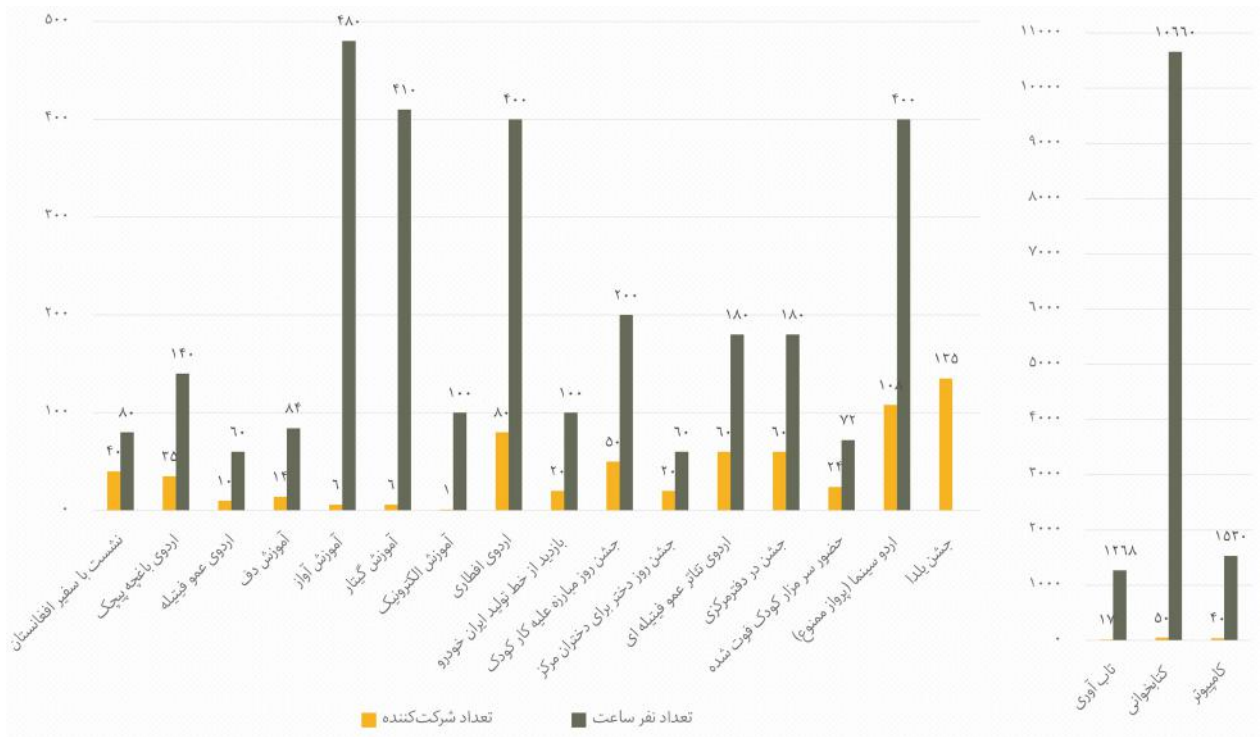
کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز مولوی



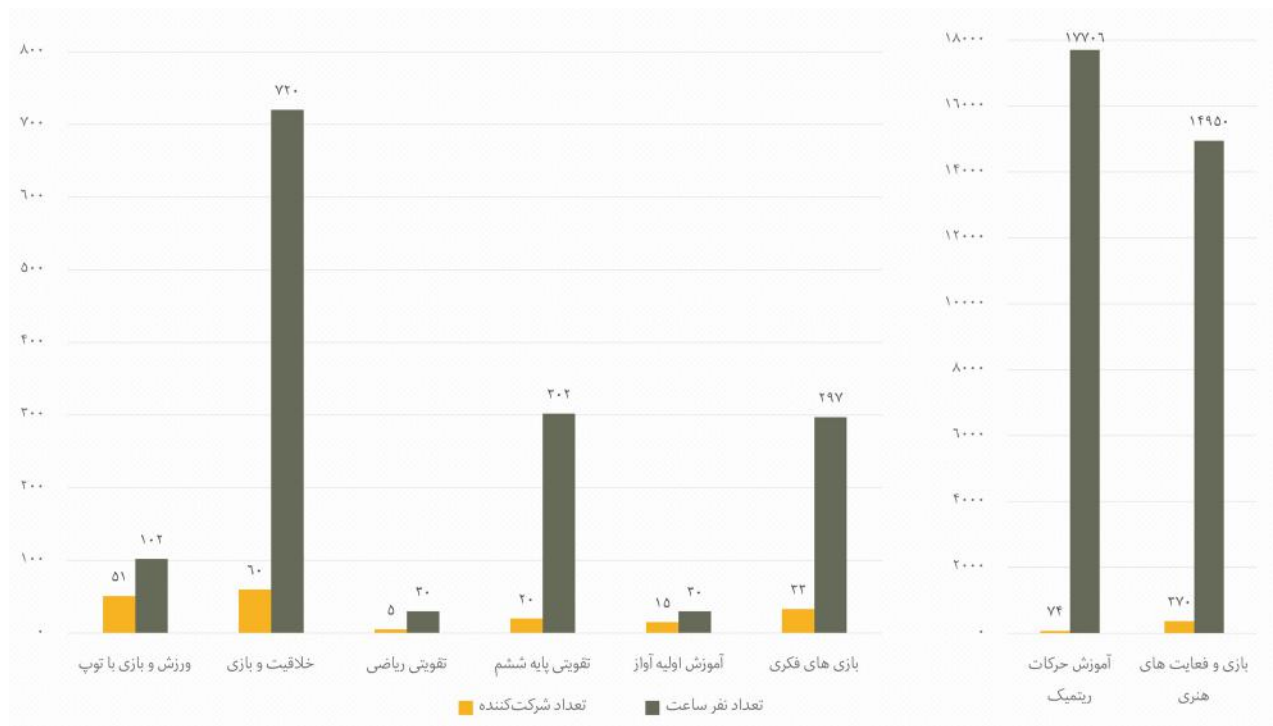
کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز بيم



کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز بازار

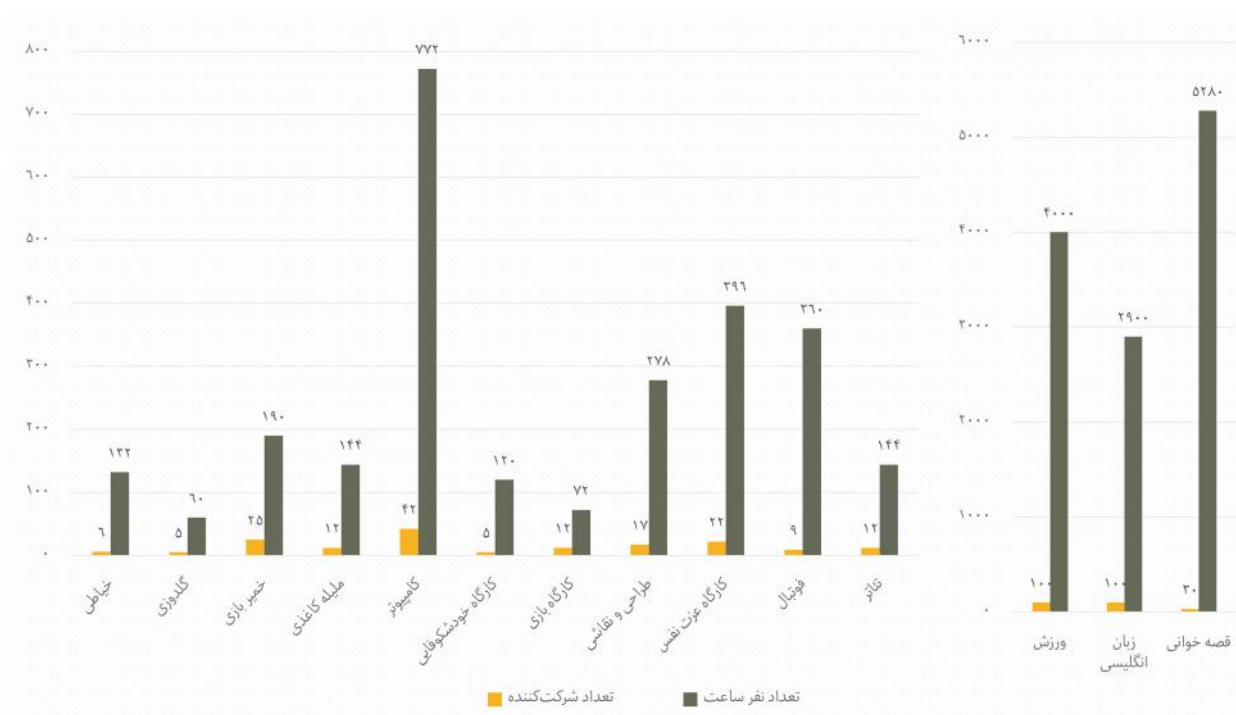


کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز همه کودکان



ویدئو نمایی روز جهانی مبارزه با کار کودک
۱۳۹۹ خرداد ماه

کارگاه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز خاوران



آموزش، حق همه‌ی کودکان است.

مریم قربانی؛ معاون آموزشی انجمن حمایت از کودکان کار



آموزش کودکان در انجمن حمایت از کودکان کار شامل پنج بخش سوادآموزی، حرفه‌آموزی مهارت‌آموزی، هنرآموزی و فعالیت‌های ورزشی است.

اولین تعریفی که از سواد در اوایل قرن بیستم ارایه شد، تنها به توانایی خواندن و نوشتن زبان مادری معطوف بوده است. اما جدیدترین تعریف از سواد این است که فرد بتواند با استفاده از خوانده‌ها و آموخته‌های خود در زندگی تغییری به وجود آورد.

از آنجایی که کودکان کار در معرض آسیب‌های اجتماعی و روانی هستند اهمیت سوادآموزی برای این کودکان بیشتر احساس می‌شود چرا که با آموخته‌های خود می‌توانند در مسیر ساخت زندگی بهتر قدم بردارند و این همان تغییر در زندگی است.

در انجمن حمایت از کودکان کار مقطع سوادآموزی به علت بازمانده بودن کودکان از تحصیل و کبر سن که مانع از ادامه‌ی تحصیل آنها در سیستم آموزش رسمی کشور می‌شود بسیار حایز اهمیت است. چرا که کودکان با تحصیل به مدت ۱۸ ماه می‌توانند از بی‌سوادی به پایه‌ی ششم ابتدایی ارتقا یابند و در صورت جبران کبر سن در مدارس دولتی مشغول به تحصیل شوند.

در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در این مقطع ۲۳۵ کودک مشغول به تحصیل هستند. مقطع سوادآموزی دارای سه پایه‌ی تحصیلی نهضت ۱، نهضت ۲ و انتقال است که پایه‌های (نهضت ۱ و ۲) و انتقال هر کدام به مدت ۹ ماه تدریس می‌شود. پایه‌های تحصیلی در انجمن علاوه بر سوادآموزی، پیش‌دبستانی و ابتدایی را نیز شامل می‌شود. در مقطع پیش‌دبستانی ۱۰۲ کودک و در مقطع ابتدایی ۱۶۲ کودک و در مقطع متوسطه ۱۶ کودک مشغول به تحصیل هستند.

حرفه: به موضوع کاربردی و کارشناسی یک شغل اطلاق می‌شود که پیرامون آن امکان آموزش تخصصی و ایجاد کسب و کار وجود دارد.

از مشخصات یک حرفه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. امکان اشتغال تمام‌وقت

۲. دارا بودن رشته‌ی دانشگاهی و آموزش کلاسیک دانشگاهی

۳. دارا بودن انجمن‌ها و صنف‌های حرفه‌ای مربوط به آن در این حوزه محدودیت‌هایی وجود دارد که مانع از اقدام موثر می‌شود.

۴. از دسترس خارج شدن کودکان به علت مهاجرت و بی‌انگیزگی و فشار اقتصادی و کار... است.

۵. عدم وجود اوراق هویتی که امکان دادن مدرک فنی و حرفه‌ای به هیچ عنوان برای کودکان اتباع وجود ندارد و این امر برای کودک دلسرد کننده است و مانع از جذب کودکان در محیط‌های معتبر کاری می‌شود.

رشته‌های قابل یادگیری در بخش حرفه‌آموزی در انجمن عبارتند از: خیاطی، گل‌دوزی کامپیوتر، نمددوزی، تریکوبافی، عروسک‌سازی، پته‌دوزی، نقاشی روی پارچه، فرشینه‌بافی و ... است.



• مهارت، یک توانایی است که ما برای رسیدن به نتیجه‌ای که از قبل تعیین شده تلاش زیادی می‌کنیم. مهارت ذاتی نیست، بلکه اکتسابی است پس برای دستیابی به آن به آموزش خاصی نیاز داریم که به آن مهارت‌آموزی می‌گویند. مهارت‌ها شامل دو دسته هستند؛ مهارت‌های حوزه‌ی عمومی مانند مدیریت زمان، کار گروهی، رهبری و مهارت‌های حوزه‌ی تخصصی مانند مهارت‌های فنی و حرفه‌ای خاص هر شغل.

انجمن با توجه به امکانات موجود سعی در برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی کرده است. مهارت‌آموزی در رشته‌های قصه‌گویی، داستان‌نویسی، تئاتر، سفالگری، آواز، دف، گیتار ساخت گیفت‌های خمیری، مليله كاغذی از جمله اقدامات انجمن بوده است.

• ورزش یک جز حیاتی از رشد هر کودکی است که پایه‌های زندگی سالم را در بر می‌گیرد. ورزشی که با بازی همراه باشد باعث افزایش اعتماد به نفس در کودکان می‌شود. انجمن طی این سالیان به‌صورت پراکنده آموزش و فعالیت‌های ورزشی را داشته اما نزدیک به دو سال است که در قالب بازی با کمک داوطلبان شکل گرفته و برنامه‌ریزی آن به صورت هدفمند از اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ رقم خورد.

در این برنامه برای کودکان مرکز خاوران آموزش دو رشته‌ی ورزشی فوتبال و والیبال (روزهای یکشنبه) و برای مرکز مولوی آموزش دو رشته‌ی راگبی و فوتبال (روزهای سه شنبه) در نظر گرفته شده است.

ماحصل تلاش کمیته‌ی ورزش به سرپرستی «مناسمی‌نیا»؛ سرپرست ورزشی انجمن انتخاب دو نفر از کودکان کار برای مدرسه فوتبال بیرانوند بوده است که هر هفته ۵ شنبه و جمعه با حضور داوطلب به محل تمرینات اعزام می‌شوند. در این مدت تعدادی از بچه‌های مستعد در رشته‌ی فوتبال از مرکز خاوران و مولوی و بازار انتخاب شدند و ۳ جلسه در طرح استعدادیابی شرکت کردند که برای این کودکان لباس و کفش ورزشی تدارک داده شد.

• فعالیت‌های هنری به منظور شناسایی و شکوفایی استعدادهای نهفته‌ی کودکان مان در هنر و فراهم کردن شرایط مناسب برای مهارت‌آموزی با هدف پرورش خلاقیت و ارتقای اعتماد به نفس ایشان در فضایی شاد و به یاد ماندنی اجرا می‌شود، این فعالیت‌ها موجب تقویت حس تعاون و کمک به فرآیند اجتماعی شدن در کودکان کرده و اهمیت نظم در زندگی را به صورت عملی انتقال می‌دهد. کارگروه هنر به سرپرستی «نگار ماهر»؛ سرپرست هنری انجمن، برنامه‌ای با رویکرد پرورش مهارت و تولید آثار هنری توسط کودکان به شرح ذیل را در نظر گرفته است:

۱. گزینش کودکان مستعد، خلاق و علاقه مند به هنر
۲. انتخاب مربی متعهد، توانمند و مهربان از داوطلبان انجمن
۳. برگزاری جلسه برای هم اندیشی و تبادل نظر و تفویض مسئولیت
۴. تأمین ابزار و ادوات مورد نیاز
۵. آغاز آموزش یکپارچه و موازی در تمامی مراکز انجمن
۶. بررسی و پایش چگونگی پیشرفت فعالیت کودکان و عملکرد مربیان



از آنجایی که کودکان کار در معرض آسیب‌های اجتماعی و روانی هستند اهمیت سوادآموزی برای این کودکان بیشتر احساس می‌شود چرا که با آموخته‌های خود می‌توانند در مسیر ساخت زندگی بهتر قدم بردارند و این همان تغییر در زندگی است.

فاطمه ابره‌دري؛ مدیر داخلی مرکز مولوی انجمن حمایت از کودکان کار

اگر امکان مبارزه‌ی بنیادی با فقر نیست و یا اگر مسیر این مبارزه طولانی است، برای نجات کودکان درگیر در فقر و شرایط پرآسیب مناطق حاشیه‌ای باید به راه‌هایی متوسل شد که در حد مقدور بر مسیر رشدی کودکان تأثیری تاب‌آورانه داشته باشد.

به چند دلیل کودکی مهم‌ترین دوره‌ی رشدی فرد است زیرا سرعت رشد در این دوره سریع است و چون کودک قادر به تامین نیازهای اساسی و احقاق حق و حقوق خود نیست هرگونه کاستی ممکن است منجر به آسیب‌های غیرقابل جبران و برگشت‌ناپذیر شود. این جوامع و حکومت‌ها هستند که مکلف به تامین، رعایت و حمایت از کودکان هستند.^۱ کشورهای توسعه نیافته و یا درحال توسعه اغلب قصوراتی در زمینه‌ی تکالیف فوق دارند و به تبع آن کودکان به این خاطر آسیب می‌بینند. اما آیا اثرات این نقیصه در سطح خانوادگی یا اجتماعی همیشه مترادف کژرفتاری و نابه‌هجاری‌های رفتاری خواهد شد؟ و آیا این نابه‌هجاری‌ها دیرپا و پایدار خواهد بود؟ اگر پاسخ منفی است چه عواملی در پایداری یا عدم پایداری آن موثر خواهد بود؟ «ورنر» و «اسمیت» پژوهشی طولی را از سال ۱۹۸۲ آغاز کردند و در گزارش عملی خود آوردند از هر سه کودکی که در معرض خطرات جدی بوده، یک نفر در ۱۸ سالگی به جوانی دارای عملکرد بسیار خوب تبدیل شده بود.

ورنر و اسمیت در ۱۹۹۲ در گزارش مراحل بعدی تحقیق نیز عنوان کرده‌اند که دو سوم از دو سوم باقیمانده که تصور می‌شد در معرض آسیب جدی باشند در ۳۲ سالگی به بزرگسالانی سالم و مسئولیت‌پذیر تبدیل شدند.

یکی از نظریات اولیه‌ی آنها در نتیجه‌گیری تحقیق آن بود که انسان‌ها دارای توانایی «خود به سازی» هستند. این نویسندگان از این پژوهش ۳۰ ساله نتیجه‌گیری کردند که برخی از عواملی را که به خود به سازی منجر می‌شوند، وجود رابطه‌ی مستمر و حمایتی با حداقل یک بزرگسال است. این بزرگسال به‌طور لزوم یکی از اعضای خانواده نیست و الزامی برای حضور مستمر فیزیکی او وجود ندارد بلکه در بسیاری از موارد ممکن است معلم، درمانگر یا یکی از بستگان، مدیر یا یک دوست خانوادگی ایفا کننده‌ی این نقش باشد.

این نوع روابط حسنه، مورد حمایت بودن را برای کودک به ارمغان می‌آورد و به ایجاد یا رشد ظرفیت‌های خود به سازی منجر می‌شود.

به اعتقاد آنان گذر از حس ناکامی و ناامیدی به حس کامیابی و شکوفایی، تدریجی و زمان‌بر است. این یافته‌ها و یافته‌های پژوهش‌هایی که در مورد رفتار ضد اجتماعی کودکان انجام دادند همسویی دارد.^۲

«ساتچر» با مرور پژوهش‌هایی که در مورد جوانان انجام شده بود اعلام کرد که اکثر کودکان بسیار پرخاشگر یا دارای اختلالات رفتاری به افراد آزارگر تبدیل نمی‌شوند (۲۰۰۱، ۹). به همین ترتیب اکثر پرخاشگری‌های دوران جوانی به تعقل و رفتارهای بالغانه ختم می‌شوند. این یافته‌ها تاکید دارد هنگامی که کودکی در محیط آسیب زندگی می‌کند و شرایط محیطی از تغذیه، اقلیم، فرهنگ تا روش‌های فرزندپروری، فقر، سبک زندگی، مشکلات شخصی و غالب بودن فرهنگ فقر باعث ناکارآمدی خانواده و فقدان الگوی مناسب برای کودکان است، مراکز یاورانه یا حمایتی این خلا را پر کرده و به رشد کودکان کمک می‌کند. از این‌روست که اگر امکان مبارزه‌ی بنیادی با فقر نیست و یا اگر مسیر این مبارزه طولانی است، برای نجات کودکان درگیر در فقر و شرایط پرآسیب مناطق حاشیه‌ای باید به راه‌هایی متوسل شد که در حد مقدور بر مسیر رشدی کودکان تأثیری تاب‌آورانه داشته باشد. سازمان‌های مردم نهاد متشکل از افرادی هستند که به صورت داوطلبانه به طور غیرانتفاعی و عام‌المنفعه در موضوعات متنوع اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، حقوق کودک و امثال آن فعالیت می‌کنند و اهداف آنان بهبود وضعیت موجود در جامعه، حفاظت از منافع ملی و مصالح عمومی است.

انجمن حمایت از کودکان کار و موسسات مدنی فعال در زمینه‌ی کودکان به غیر از ارایه‌ی خدمات تخصصی و تامین بخشی از نیازهای بنیادین کودکان با استفاده از منابع موجود نهادهایی تأثیرگذارند از این رو که الگوهای نقش و سبک زندگی متفاوت و بارزتری را در اختیار کودکان در معرض آسیب قرار می‌دهند.

کودکان کار هم به عنوان بخشی از این قشر محروم می‌توانند از این دست ساز و کارهای مدنی و حمایت‌گرانه برخوردار باشند اگر مردم و شخصیت‌های بالغ سالم در کنار آنان و در مسیر راه پر تلاطم آنان قرار گیرند.



روزنامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹

۱. محسنی، لطفاله، کار کودک در ایران، انجمن حمایت از کودکان کار
۲. گلپکن، مورلی، ترجمه یزدانی، عباسعلی و محمدی، الهام، مددکاری اجتماعی در قرن ۲۱ (رفاه اجتماعی، مسایل اجتماعی و حرفه مددکاری اجتماعی)

کار کودک و پیامدهای روان‌شناختی نگران‌کننده‌ی آن

لطف‌اله محسنی؛ عضو هیات امناء و رییس هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار

اثرات روان‌شناختی کار کودک در جهان سوم به علت فقر، میزان کم سواد و رفتار نامناسب با کودکان در مقایسه با سایر کشورهای جهان شدیدتر است. عوارض روان‌شناختی کار کودک به همان وخامت و شدت اثرات جسمی آن است اما متأسفانه این موضوع تنه از اواخر قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است.

افسردگی، ناامیدی، شرم، احساس گناه، از دست رفتن اعتماد و اضطراب برخی از پیامدهای عاطفی ناگوار کار کودک هستند که منجر به افزایش احتمال بیماری روانی و رفتار ضداجتماعی می‌شوند. برای کاهش عوارض روان‌شناختی کار کودک، آگاهی و آموزش مناسب جوامع ضرورتی جدی است.

کار کودک مسئله‌ای شایع و عمومی است که از مسئله‌ای منطقه‌ای و اضطرابی ملی به بحثی بین‌المللی تبدیل شده و به توجه و سیاست‌گذاری جهانی نیاز دارد. در این زمان به ناچار باید برای فائق آمدن بر مسائل بی‌شمار، درک کاملی از عوامل و ریشه‌های کار کودک عوارض و پیامدهای آن و چگونگی پیش‌گیری بدون آسیب به کودکان متأثر از این پدیده حاصل شود.

مسئله‌ی کار کودک به روشنی وابسته به فرهنگ و موقعیت جغرافیایی است، به‌طور مثال نسل جوان‌تر در کشورهای جهان سوم قربانیان اصلی هستند. بر اساس آمار یونسف، حدود یک سوم جمعیت کودکان در کشورهای در حال توسعه هیچ‌گاه آموزش دوره‌ی ابتدایی را به پایان نمی‌رسانند و در نتیجه در شرایط ورود به کار کودک قرار می‌گیرند.

یکی از دلایل بنیادینی که کودکان را به سمت کار سوق می‌دهد شرایط ضعیف اقتصادی-اجتماعی خانواده‌های آنان است. در بسیاری از موارد، کار این کودکان بدون پرداخت مزد و صرفاً در ازای محل خواب و زندگی است. کار کودکان زیان‌های زیادی برای سلامت جسمانی کودکان به دنبال دارد اما ناگوارترین اثرات در واقع عوارض روان‌شناختی هستند. کودکانی که درگیر انواع مختلفی از کار می‌شوند هیچ فرصتی برای رشد طبیعی روانی اجتماعی ندارند و حدود ۴۰ درصد آنان با رشد غیر طبیعی روان‌شناختی مواجه‌اند. (Jordan, 2012).

اغلب، والدین و کودکان از میزان مخاطراتی که کودکان در معرض آن قرار دارند آگاهی ندارند. در برخی موارد، والدین در این مورد آگاهند ولی راه جایگزینی برای کسب درآمد خانواده ندارند. برای کاهش کار کودک، تلاش‌ها باید معطوف بر ایجاد محیطی باشد که مدرسه رفتن و تحصیل کودکان را تسهیل کند و مانع از الزام به کار کودکان توسط والدین تا قبل از اتمام آموزش‌ها و تحصیلات پایه شود.

در سال ۱۹۸۹، سازمان ملل مجموعه‌ی کاملی از حقوق کودک را در قالب کنوانسیون حقوق کودک ارایه کرد و سازمان بین‌الملل کار نیز در قالب دو کنوانسیون حداقل سن کار کودک (کنوانسیون شماره‌ی ۱۳۸ سال ۱۹۷۳) و کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک (کنوانسیون شماره‌ی ۱۸۲ سال ۱۹۹۹) به مسایل اختصاصی کار کودک پرداخت. این حقوق برای محافظت از کودکان در مقابل استثمار و هرگونه کاری که سلامت جسمی روانی، اخلاقی، معنوی و یا اجتماعی آنان را به مخاطره می‌اندازد تدوین و ارایه شدند.

در نهایت، کار کودک مشکلی اجتماعی و اخلاقی است که به صورتی مداوم به اجتماع آسیب وارد می‌کند. برای درک و کاهش این مسئله ابتدا باید درک کاملی از دلایلی که کودکان را به بازار کار می‌کشاند و نتایج کار کودک و اثرات آن بر جامعه را به طور کامل درک کنیم و سپس لازم است که به دنبال پیدا کردن رویکردهایی مناسب برای منفعک کردن کودکان از کار و بازگرداندن آنان به مدرسه باشیم.





شاخص و معیار سازمان بین‌المللی کار برای «کار مخاطره‌آمیز» کاری است که کودکان را در معرض آسیب جسمی، استثمار جنسی و عوارض روان‌شناختی قرار می‌دهد. همان‌طور که پیش از این ذکر شد، دلیل اصلی آن که والدین کودکان را به سمت کار سوق می‌دهند فقر اقتصادی خانواده است. در اغلب موارد، خانواده‌ی کودک حتی قادر به تامین نیازهای اولیه‌ی غذایی و مسکن نیست و در نتیجه نمی‌تواند کودک را برای تحصیل و آموزش‌های اولیه تامین کند. دلایل بی‌شماری پشت این فقر خانوادگی قرار دارد از جمله‌ی آن عوامل و دلایل ملی، سنتی، تاریخی و فرهنگی است.

دلیل دیگری که ممکن است منجر به کار کودکان شود آشفستگی خانواده است (به‌طور مثال طلاق) یا نگرش‌های منفی نسبت به دختران که آنان را از درس خواندن و تحصیل دلسرد و در سنین پایین به دنیای بزرگسالی وارد می‌کنند چه با کار و یا با ازدواج زود هنگام. کارفرمایان علاقه دارند از کار کودکان استفاده کنند زیرا کودکان نیروی کار ارزان و فرمانبرند. قوانین ناکافی و ناکارآمد و فقر آموزشی، فرصت‌های بیشتری را برای کار کودکان در جامعه فراهم می‌کند.

تا سال ۱۹۹۸، اغلب مطالعات ملی و بین‌المللی بر عوارض جسمانی کار کودک متمرکز بود. در مقایسه با عوارض جسمانی، کودکان نسبت به مخاطرات روان‌شناختی و اجتماعی آسیب‌پذیرترند (Mayers, 1998 and Leng). کودکان به علت عدم رشد کافی جسمی و روانی همیشه به کارهایی ابتدایی و بسیار سطح پایین گمارده می‌شوند.

مطالعه‌ی دیگری که مشکلات روان‌شناختی و رفتاری کودکان کار و دیگر کودکان را با هم مقایسه کرده است نشان می‌دهد که رشد در کودکان کار به‌طور تقریب متوقف شده است. این پژوهش که توسط ماتالکا (Matalqa) در سال ۲۰۰۴ در خیابان‌های اردن انجام شد نشان داد که کودکان کار مهارت‌های سازگاری کمتری دارند، سلامت جسمی شان کمتر است و رفتارهای اجتماعی نامطلوبی دارند.

استفاده‌ی کودکان کار از کلمات زشت و نامناسب، نشان دادن عواطف و هیجان بالا با خلاقیت پایین و استفاده‌ی غیرمعمول از سیگار و الکل نیز از نتایجی است که توسط دیمور (Dmour) در سال ۲۰۰۶ گزارش شد. قاچاق کودکان که از بدترین اشکال کار کودک محسوب می‌شود عوارض روان‌شناختی دیرپایی بر قربانیان دارد.

کودکان جدا شده از خانواده، منزل و جامعه به‌طور مستمر تحت سوء رفتار جنسی و ضربه‌های عاطفی قرار می‌گیرند. افسردگی، ناامیدی، شرم، احساس گناه، بی‌اعتمادی اعتماد به نفس پایین و اضطراب از پیامدهای بسیار بدی است که کودکان قربانی قاچاق با آن مواجهند.

این شاخص‌های منفی و بدبینانه احساسات آنان را متاثر می‌سازد و آنان را وارد چرخه‌ی سرزنش خویش می‌سازد. سوءرفتار روان‌شناختی خودپنداره، اهداف فردی و ارتباط با دیگران را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد و بهزیستی عاطفی کودک را دچار آسیب می‌سازد. کودکانی که مورد سوءرفتار جنسی قرار گرفته‌اند به احتمال بیشتر پیامدهای عاطفی و هیجانی مجرمانه مانند علائم اختلالات پس-آسیبی (PTSD) و خودکشی را تجربه می‌کنند.

کودکانی که قربانی مکرر این تجارب هستند بیشتر در معرض خطر ابتلا به بیماری روانی هستند. بزرگسالانی که چنین اشکالی از کار کودک را تجربه کرده‌اند به احتمال بیشتر به خشونت متوسل می‌شوند و رفتارهای ضداجتماعی نشان می‌دهند (Gordon Betcherman, Jean Fares, Amy Luinstra, and Robert Prouty, July, 2004).

در نهایت، کار کودک مشکلی اجتماعی و اخلاقی است که به صورتی مداوم به اجتماع آسیب وارد می‌کند. برای درک و کاهش این مسئله ابتدا باید درک کاملی از دلایلی که کودکان را به بازار کار می‌کشاند و نتایج کار کودک و اثرات آن بر جامعه را به طور کامل درک کنیم و سپس لازم است که به دنبال پیدا کردن رویکردهایی مناسب برای منفک کردن کودکان از کار و بازگرداندن آنان به مدرسه باشیم.

برای آینده‌ای بهتر و جامعه‌ای حمایت‌گراانه چندین اقدام هماهنگ برای کاهش کار کودک لازم است. دولت‌ها و همچنین سازمان‌های متولی در سراسر جهان باید محیطی فراهم کنند که ادامه‌ی تحصیل در مدرسه حداقل تا پایان دوره‌ی ابتدایی را برای مردم فقیر تسهیل کنند و آگاهی و دانش جامعه را در مورد کار کودک و عواقب آن افزایش دهند.



قاسم حسنی؛ عضو هیات امنای انجمن حمایت از کودکان کار

کار کودک در ایران، عنوان کتابی است که به مناسبت روز جهانی مبارزه با کار کودک رونمایی شده و به زودی راهی بازار نشر و کتاب خواهد شد. همان‌گونه که از نام این اثر ارزشمند پیداست، موضوع آن بررسی زمینه‌ها و ابعاد کار کودک در ایران و نیز تاثیر آن بر زندگی کودکان است. وجود فقر و نابرابری و نابسامانی‌های اقتصادی حاکم بر جوامع، ناتوانی والدین در تامین شرایط مطلوب زیستی کودکان، وجود برخی باورها و خرده فرهنگ‌ها در جوامع، در کنار عواملی همچون مهاجرت‌های ناشی از جنگ، منازعات قومی، خشکسالی و غیره سبب شده، کودکان بسیاری از حقوق اساسی خود محروم مانده و زود هنگام وارد چرخه‌ی کار شوند.

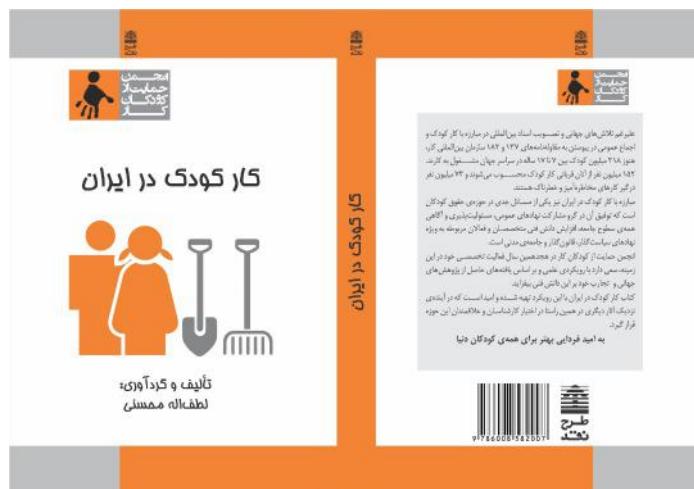
این اجبار زود هنگام به کار، نه تنها به صورت مستقیم کودکان را در مخاطره قرار داده و سرنوشت و سلامت آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد، بلکه در چرخه‌ی باز تولید فقر و خشونت و آسیب، سرنوشت جوامع را نیز تحت تاثیر قرار داده و حجمی از ناملایمات و مشکلات اجتماعی را سبب می‌شود.

از این‌رو، مبارزه با این پدیده هم به دلیل ضرورت نگاهیانی از حریم شکننده‌ی کودکان و هم به دلیل حفظ سلامت جمعی جوامع، در کانون توجه سیاست‌گذاران اجتماعی و فعالان عرصه‌های انسانی قرار گرفته است و بدیهی است حرکت در این مسیر در بدو امر مستلزم شناخت مسئله و آشنایی با ادبیات شکل گرفته‌ی بومی و جهانی پیرامون آن قرار دارد. کتاب کار کودک در ایران که با اهتمام آقای «لطف‌اله محسنی» در بستر دسترسی و اقدامات میدانی انجمن حمایت از کودکان کار شکل گرفته، اقدامی به موقع در راستای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی برنامه‌ریزان و فعالان عرصه‌ی مبارزه با کار کودک در ایران است.

این کتاب که پس از اقدام ارزشمند دکتر «پیام روشنفکر» در انتشار کتاب وضعیت اجتماعی کودکان کار در ایران، دومین اقدام صورت گرفته در این عرصه با نگاهی اجتماعی و ریشه‌گراست. ضمن گردآوری، مصوبات و قوانین داخلی و بین‌المللی در این عرصه، تلاش کرده با نگاهی عملگرا و مبتنی بر تجارب عملی و بومی در عرصه‌ی آموزش و حمایت از کودکان کار، اطلاعات کاربردی و مفیدی در زمینه‌های زیر ارائه دهد:

- بررسی ریشه‌های کار کودک
 - تعاریف بومی و بین‌المللی موجود از پدیده‌ی کار کودک
 - بدترین اشکال کار کودک
 - اسناد بالا دستی و منابع داخلی و بین‌المللی موجود در این زمینه
- کتاب کار کودک در ایران توسط انتشارات نقد به چاپ رسیده و بی‌شک بدون حمایت مالی آقای «دکتر مهدی سلطان محمدی» صورت نمی‌گرفت. همچنین این اثر توسط حامی محترم به انجمن حمایت از کودکان کار اهدا شده تا در مسیر آموزش و حمایت از کودکان کار هزینه شود.

کتاب کار کودک در ایران که با
اهتمام آقای «لطف‌اله محسنی»
در بستر دسترسی و اقدامات
میدانی انجمن حمایت از
کودکان کار شکل گرفته، اقدامی
به موقع در راستای پاسخ‌گویی
به نیازهای اجتماعی برنامه‌ریزان
و فعالان عرصه‌ی مبارزه با کار
کودک در ایران است.



متقاضیان برای تهیه‌ی کتاب می‌توانند با روابط عمومی انجمن حمایت از کودکان کار تماس حاصل فرمایند.



مبارزه با کار کودک



Latest Global Estimates (1)

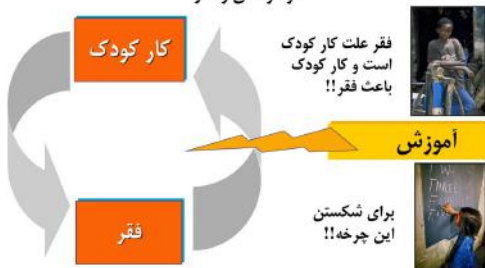
از ۱۵۲ میلیون کودک کار



کدام کار کودک باید حذف شود



کار کودکان و فقر



شرکا و هم پیمانان



برنامه نوا

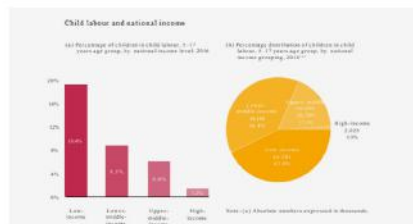


Latest Global Estimates (1)

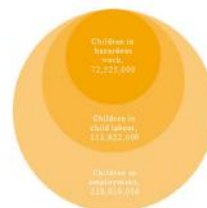
آمارهای وزارت جهانی کار در سال ۲۰۱۶



کار کودکان و درآمد ملی



تعداد مطلق کودکان مشغول به کار، کودکان کار و کارهای مخاطره آمیز کودکان ۵-۱۷ ساله (۲۰۱۶)



فلسفه و اهداف: IPEC



روزنامه ای روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۳۹۹

بیانیه‌ی کودکان انجمن حمایت از کودکان کار به مناسبت روز جهانی مبارزه با کار کودک ۱۳۹۹

ما کودکان نباید برای پول کرایه‌ی خانه کار کنیم.
ما کودکان نباید وقتی شب، می‌خواهیم بخوابیم به گرسنگی مادرمان فکر کنیم.
چرا ما کودکان کار نباید مثل باقی کودکان زندگی کنیم و مجبور به کار کردن باشیم.
ما کودکان کار باید به اندازه‌ی کافی بخوابیم و استراحت داشته باشیم.
کودکان نباید کار کنند و باید درس بخوانند.
کودکان باید بتوانند بازی کنند.
کودکان باید شادی کنند و خوشحال باشند.
ما کودکان کار می‌دانیم که کودکان نباید کار کنند ولی چون می‌دانیم خانواده‌ی ما به کمک نیاز دارد، کار می‌کنیم.
ما کودکان کار موقع دستفروشی خجالت می‌کشیم.
ما کودکان کار دوست نداریم کار کنیم.
ما کودکان کار دستفروش برای این که فروش بیشتر داشته باشیم، تا آخر شب مجبوریم کار کنیم.
چرا ما کودکان مجبوریم برای اینکه پول دکتر را داشته باشیم، کار کنیم.
آدم‌بزرگ‌ها باید با ما کودکان کار کمک کنند تا دیگر کار نکنیم.
ما هم کودکان و حق داریم.



بیانیهی انجمن حمایت از کودکان کار به مناسبت دوازدهم ژوئن (۲۳ خرداد) روز جهانی مبارزه با کار کودک

ضرورت دارد، دستگاه دیپلماسی
دو کشور، در راستای ایفای
مسئولیت انسانی خود در قبال
حریم شکنندهی کودکان، در
اسرع وقت هماندیشی و اقدام
مشترک برای بهبود شرایط و
پیشگیری از بهره‌کشی از نیروی
کار کودکان توسط سودجویان
را در دستور کار خود قرار دهد.

در تعریف کودکان کار آورده شده است: «کودکان کار به کودکانی گفته می‌شود که در اثر فقر و یا نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... از حقوق کودکانی خود محروم مانده و ناگزیر به کار در کارگاه‌ها، منازل، مزارع، بنادر و خیابان‌ها مبادرت ورزیده‌اند. این تعریف، علاوه بر اینکه دایره‌ی تنوع جمعیتی کودکان کار را، از شکل مشهود آن، یعنی کودکان کار در خیابان به سمت لایه‌های زیرین و کمتر دیده شده‌ی این پدیده، مانند کودکان کار در منازل و مزارع تسری می‌بخشد، در بخش ریشه‌ها نیز بر چند سببی بودن ریشه‌های این پدیده تاکید دارد.

توجه به چند سببی بودن این پدیده از آن روی دارای اهمیت است که سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی این عرصه را متوجه‌ی این واقعیت می‌سازد که اگر چه فقر اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری کار کودک در همه‌ی ابعاد آن است ولی هرگونه برنامه‌ریزی بازدارنده علیه این پدیده، ضرورت دارد. برنامه‌ای انعطاف‌پذیر و چند بعدی که متناسب با تنوع جمعیتی گروه هدف باشد.

به بیانی دیگر نمی‌توانیم برای مقابله با تمامی اشکال کار کودک، در تمامی کشورها و در همه‌ی شرایط، نسخه‌های واحد بپیچیم. حتی اگر به صراحت بپذیریم که فقر و نابرابری علت مشترک همه‌ی اشکال کار کودک در همه‌ی جهان است.

یکی از ضرورت‌هایی که حداقل از زمان شکل‌گیری جنبش اجتماعی مبارزه علیه کار کودک در ایران کمتر به آن توجهی شده است، مسئله‌ی ترکیب ملیتی کودکان کار در ایران و ضرورت چاره‌اندیشی دیپلماتیک برای کاهش مشکلات آنان است.

می‌دانیم که بخشی از کودکان کار ایران، کودکان پناهجویی هستند که طی بیش از چهار دهه‌ی اخیر همراه با خانواده و یا حتی بدون خانواده، به‌دلایلی همچون جنگ، ناامنی، منازعات قومی و یا فقر و دشواری‌های غیرقابل تحمل، خانه و کاشانه‌ی خود را رها کرده و برای بقا، به صورت قانونی و یا غیرقانونی راهی ایران شده‌اند.

خاستگاه اجتماعی بخش قابل توجهی از این کودکان، از میان زحمت‌کشان افغانستانی بوده که پس از مهاجرت به ایران، شرافت‌مندانه به دشوارترین مشاغل نیز تن داده و برای گذران زندگی از هیچ کوششی فرو گذار نکرده‌اند.

نوع‌دوستی و گشاده‌رویی مردم کشور ما در کنار سخت‌کوشی، عزت نفس و پاکدستی این میهمانان، سبب گشته ادغام اجتماعی و هم‌زیستی عمیقی میان مردم ما و مردم شریف افغانستان شکل بگیرد که این پیوستگی و پیوند سرمایه‌ای بزرگ برای امروز و فردای دو کشور است.

در کنار آنچه به عنوان بخش ارزشمند روابط انسانی بین دو کشور اشاره شد، خلأ رایزنی



و چاره‌اندیشی دیپلماتیک برای بهبود شرایط کودکان کشور مبدا است که این خلأ علاوه بر اینکه به صورت مستقیم بر افزایش تعداد کودکان کار ایران اثر گذاشته است، به صورت پنهان و زیرپوستی، زمینه‌ساز فعالیت باندهای قاچاق انسان و ترانزیت نیروی کار کودکان از کشور افغانستان به ایران به‌ویژه برای بهره‌کشی از آنان در اقتصاد سیاه گودهای غیرقانونی جمع‌آوری و تفکیک زباله را فراهم کرده است.

از این‌رو ضرورت دارد، دستگاه دیپلماسی دو کشور، در راستای ایفای مسئولیت انسانی خود در قبال حریم شکننده‌ی کودکان، در اسرع وقت هماندیشی و اقدام مشترک برای بهبود شرایط و پیشگیری از بهره‌کشی از نیروی کار کودکان توسط سودجویان را در دستور کار خود قرار دهد.

بدیهی است در صورت شکل‌گیری این اقدام، تجارب ارزنده‌ی تشکلهای غیردولتی فعال در این حوزه، می‌تواند به مثابه‌ی پشتوانه‌ای کارآمد، برای اثرگذاری هر چه بیشتر این اقدامات انسان‌دوستانه ایفای نقش کند.



ما درس سحر در ره میخانه نهادیم

قاسم حسینی؛ بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۹ - روز مبارزه با کار کودک

به مناسبت بیستمین سال شروع اقدام اجتماعی داوطلبانه در دروازه غار تهران، برای دفاع از حقوق کودکان، خرداد هر سال برایمان تداعی گر روزهای پر شور عاشقی است. بیست سال از خردادماه ۷۹ می‌گذرد. خردادی که عاشقانه با دلی پر امید، دستی تهی سری پر شور و باوری محکم، روزهای جمعه راهی دروازه غار شدیم و ابتدا در اتاق کوچکی که برای چند ساعت از مدیریت فرهنگسرای خواجهی کرمانی به امانت گرفته بودیم با چند تکه گچ، بچه‌هایی را که دسترسی به آموزش نداشتند و یا از تحصیل محروم شده بودند را به کلاس درس دعوت می‌کردیم.

بیش از دو یا سه هفته از شروع کار نگذشته بود که اتاق کوچک ما به دلیل استقبال بچه‌ها گنجایش آنها را نداشت و ما اتاق‌هایی دیگر از فرهنگسرا را گرفتیم. رفته رفته، با مواجهه‌ی استقبال کودکان، فضای آمفی‌تئاتر را که در زیرزمین فرهنگسرا بود را هم گرفتیم. جا کم آمد. بیرون از فضای فرهنگسرا و در محوطه‌ی پارک خواجهی کرمانی دروازه غار سایه‌ای از درخت یا دیواری پیدا می‌کردیم و تخته سیاه را تکیه می‌دادیم و تکه موکت یا کارتنی پهن می‌کردیم و کلاس درس شروع می‌شد.

سایه‌های پارک هم گنجایش حجم عاشقی ما را نداشتند. به همین خاطر مدرسه‌ی شهید محمد منتظری را هم که در مجاورت فرهنگسرای خواجهی کرمانی بود را با هماهنگی آموزش و پرورش منطقه از آقای مدیر برای صبح تا ظهر جمعه اجاره کردیم و با پرداخت وجهی، برای بچه‌هایی که از همان مدرسه ترک تحصیل کرده بودند، کلاس درس بر پا کردیم.

یادش بخیر بعضی از بچه‌ها می‌رفتند در کلاسی که سال‌های قبل از ترک تحصیل آن‌جا بودند. می‌نشستند و می‌گفتند: «ما جایمان از قدیم همین‌جا بوده و می‌خواهیم همین‌جا بنشینیم و این مساله گاهی کلاس‌بندی را برایمان سخت می‌کرد.

فضای مدرسه هم کفاف ما را نداد و ما آرام، آرام حسینه‌ی چهارده معصوم (ع) که پشت کوچه‌ی باغ انگوری بود را هم بدون پرداخت پول، روزهای جمعه در اختیار گرفتیم و به کلاس درس تبدیلیش کردیم. بعد از آن هم رفتیم سراغ مسجد محل که در مجاورت پارک خواجهی کرمانی دروازه غار بود و آنجا هم به کلاس درس تبدیل شد.

یک روز که با پیرمرد سالخورده‌ای که روزها جلوی مسجد روی چهارپایه می‌نشست از هر دری صحبت می‌کردم وقتی صحبت به بچه‌ها رسید در تشویق ما گفت: «درس معلم ار بود زمزمه‌ی محبتی، جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را».

وقتی این شعر را شنیدم ناخودآگاه یاد بچه‌هایی افتادم که از مدرسه‌ی شهید محمد منتظری دروازه غار، ترک تحصیل کرده بودند ولی جمعه‌ها پر شور و شوق می‌آمدند و سر کلاس درس ما می‌نشستند.

دلم برایشان تنگ شده، خیلی از آن کودکان را نمی‌دانم الان کجا هستند و چه کار می‌کنند. هرجا هستند الان زنان و مردانی در حدود سی سال هستند. امیدوارم هرجا هستند تنور دلشان گرم و پرچم امیدشان برافراشته باشد.

مطمئنم بقیه‌ی دوستانم که آن روزها کار را با هم شروع کردیم هم دلشان برای بچه‌ها تنگ شده و همین آرزو رو برایشان دارند.

خوشبختانه با بعضی از دوستان آن روزها همچنان با هم هستیم و یا به‌طور تقریبی از حال هم خبر داریم «زهره بناساز»، «علی اکبر اسماعیل‌پور»، «مجید بی‌خیله»، «امیر سهرابی» و ...

بعضی از دوستان آن روزها را هم دورادور از ایشان خبر دارم. «شری نجفی»، «پانته‌آ» و «یاسمین حسینی پور»، «لیدا جقه»، «فرشته مسعودی». آخ، گفتم «فرشته مسعودی» و یاد «عمو نادر»؛ همسر فرشته افتادم. فرشته و نادر پدر و مادر «روزبه» و «یاشار» بودند که آن زمان دوازده، سیزده سال بیشتر نداشتند، ولی جمعه‌ها با ما کار داوطلبانه می‌کردند. دلم برای نادر تنگ شده است. کاش بود این روزها را می‌دید.

عمو نادر حیف شد خیلی زود از دستش دادیم. عاقل بود و به کاری که می‌کردیم ایمان داشت. انگار یک بار تاریخ را از سر گذرانده بود. این روزها اگر بود خیلی ذوق می‌کرد. درسته که همچنان شرایط برای بچه‌های زیادی سخت است، درست است که تعداد بچه‌های در شرایط دشوار نه تنها کم نشده بلکه بیشتر هم شده، ولی مطمئنم نادر همین که می‌دید



نهالی که آن روزها چند نفری کاشتیم همچنان شاداب، سر حال و سایه‌اش روز به روز وسیع‌تر می‌شود، خیلی خوشحال می‌شد.

مطمئنم از اینکه می‌دید خیلی از بچه‌هایی که آن روزها در پارک زیر سایه‌ی دیوار می‌نشستند و مشق می‌نوشتند و یا این‌قدر کوچک بودند که حتی قدشان به گوشه‌ی کت ما هم نمی‌رسید ولی دنبال ما می‌دویدند و می‌گفتند: «عمو منم می‌خوام درس بخونم»، حالا یا دارند فوق‌لیسانس می‌گیرند و یا دانشجوی دکترا هستند کلی صفا می‌کرد.

البته فکر می‌کنم نادر از احوال ما با خبر باشد. چون بالاخره به خواب روزبه و یاشار که می‌آید. آنها به‌طور حتم خبرها را به ایشان می‌رسانند. فکر می‌کنم باید روزبه و یاشار را بیشتر در جریان کارها بگذارم که اگر نادر آمد به خوابشان از جزئیات بیشتری با خبر باشند که نادر را هم در جریان بگذارند و خوشحالش کنند.

فکر کنم باید برای نادر پیام بگذاریم و به او بگوییم ما سر حرف‌مان ایستاده‌ایم و نگذاشتیم نهال‌مان خشک شود. تازه باید به او بگوییم، دوستان جدید آمده‌اند و از نهال‌مان قلمه‌ها زده‌اند و الان یک عالم نهال دیگر هم داریم.

خوشبختانه همه‌ی قلمه‌ها هر کدام الان برای خود تبدیل به درختی می‌شوند و دوستان‌مان مرتب آبش می‌دهند، خاکش را تقویت می‌کنند. نور کافی به آن می‌رسانند که درختان‌مان همیشه سبز و ستر باشند.

امیدوارم این بار وقتی می‌خواهم در مورد نهال‌مان برای روزبه و یاشار صحبت کنم، ذهنم یاری کند و آنقدر وقت داشته باشم که سر فرصت در مورد تک‌تک دوستانی که آن روزها موقع کاشت نهال با هم بودیم هم، تعریف کنم تا بچه‌ها همه چیز را خوب یادشان بماند و برای نادر هم تعریف کنند. یادم باشد به روزبه و یاشار بگویم به بابای‌شان بگویند که ما هم مثل خودش عاشقانه زیستیم. یادم باشد به‌طور حتم به ایشان بگویم که به او بگویند که: ما درس سحر در ره میخانه نهادیم.



آهای آیندگان

آهای آیندگان، شما که از دل توفانی بیرون می‌جهید
که ما را بلعیده است.
وقتی از ضعف‌های ما حرف می‌زنید
یادتان باشد
که از زمانه‌ی سخت ما هم چیزی بگویید.
به یاد آورید که ما بیش از کفش‌هایمان کشور عوض
کردیم
و میدان‌های جنگ طبقاتی را با یأس پشت سر گذاشتیم
آنجا که ستم بود و اعتراضی نبود.
این را خوب می‌دانیم:
حتی نفرت از حقارت نیز
آدم را سنگدل می‌کند.

حتی خشم بر نابرابری هم
صدا را خشن می‌کند.
آخ، ما که خواستیم زمین را برای مهربانی مهیا کنیم
خود نتوانستیم مهربان باشیم.
اما شما وقتی به روزی رسیدید
که انسان یاور انسان بود
درباره ما
با رأفت دآوری کنید



نشانی: تهران، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف‌آباد)، کوچه‌ی سوم، پلاک ۱۷، واحد ۲

تلفن همراه: ۰۹۱۰۵۳۶۸۹۱۴

تلفن: ۸۸۱۰۵۱۲۷-۸۸۷۲۸۲۷۹

www.apcl.ir

pr@apcl.ir

[@apcl_org_ir](https://www.instagram.com/apcl_org_ir)